

مسائل جنسیتی
در جامعه اطلاعاتی

ترجمه حمید جاودانی

کمیسیون ملی یونسکو با همکاری شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور

مسائل جنسیتی در جامعه اطلاعاتی

مترجم: حمید جاودانی

ویراستار: علی اصغر رستمی

حروفچین: مریم طاهری

نمونه‌خوان: میچکا کتاب‌الله‌زاده

ناشر: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو

چاپ اول: ۱۳۸۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لینتوگرافی: ارغوان

چاپ و صحافی: آدین‌برگ سبز

شابک: ۹۶۴-۶۵۶۸-۲۶-۲

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

پیشگفتار

ISBN 964-6568-26-2

برگزاری اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در ژنو (۱۲-۱۰ دسامبر ۲۰۰۳)، که با صدور یک «اعلامیه اصول»^۱ و یک «برنامه عمل»^۲ همراه بود یکی از مهم‌ترین رویدادهای بین‌المللی سالهای آغاز هزاره سوم و شروع قرن بیست و یکم به شمار می‌رود. این

1. Declaration of Principles

2. Plan of Action

اجلاس به لحاظ آنکه گسترده‌ترین تجمع جهانی در رویکرد کاربردی و توسعه‌ای به ارتباطات و در آغاز هزاره بوده است، از جهت تاریخی نیز بی‌نظیر می‌باشد.^۱ در تهیه و تدارک مقدمات تشکیل این اجلاس بسیاری از کشورهای جهان نقش مهمی ایفا کردند و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه به این اجلاس توجه ویژه‌ای معطوف ساختند. تحت‌تأثیر مشارکت فعال نمایندگان کشورهای در حال توسعه در گردهماییهای مقدماتی و کنفرانسهای منطقه‌ای، آرمانهای آنان در زمینه استقلال و توسعه بیش از پیش مطرح و به‌تدریج در روند اصلاح و تجدید نظر متنهای پیش‌نویس دو سند نهایی مهم این اجلاس، تأثیر گذاشتند.

جمهوری اسلامی ایران نیز در جریان تدارک اجلاس ژنو تلاش نمود تا سهم خود را ایفا نماید. برگزاری اولین سمینار میان‌منطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی - غربی و جامعه اطلاعاتی (شهریور ۱۳۸۰)، به همت کمیسیون ملی یونسکو در ایران و با حمایت یونسکو و دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی و همچنین برگزاری همایش علمی ایران و جامعه اطلاعاتی (آذرماه ۱۳۸۱) و دومین سمینار میان‌منطقه‌ای (شهریور ۱۳۸۲) توسط مرکز پژوهشهای ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی و حمایت دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی در معرفی اهداف اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در کشورهای منطقه و به‌ویژه در ایران سهم مهمی داشتند.

علاوه بر این، مباحث اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در نشستهای مشترک اعضای کمیته‌های ملی ارتباطات و اطلاعات برای همه از جمله با حضور تعدادی از اساتید،

^۱ کافی است تنها به این نکته اشاره نماییم که در اجلاس ژنو ۱۷۶ کشور جهان با حضور ۵۴ تن از رؤسای جمهور، نخست‌وزیران و ۸۹ نفر از وزراء و همچنین عده‌ای از سفرا و نمایندگان سیاسی شرکت داشتند. علاوه بر حضور نمایندگان سیاسی کشورها برای اولین بار در این اجلاس بزرگ جهانی، نمایندگان تعدادی از مؤسسات بازرگانی خصوصی و نمایندگان بسیاری از سازمانهای غیر دولتی نیز حضور یافته بودند.

نخبگان و مسئولین اطلاع‌رسانی کشور،^۴ مطرح و نظرات و دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در خصوص اسناد یونسکو پس از جمع‌بندی در جلسات مختلف شورای اجرایی یونسکو مطرح گردید و بر تصمیمات و خروجیهای آن مؤثر افتاد. ضمناً مواضع کشورمان در خصوص اعلامیه اصول و برنامه عمل ماهها قبل از برگزاری اجلاس ژنو تدوین و در دبیرخانه اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور به ثبت رسید. این فعالیتها همراه با تلاش وسیع و همه‌جانبه هیئتهای نمایندگی ایران در کلیه مراحل مقدماتی و نهایی اجلاس که با حضور جناب آقای خاتمی رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران تکمیل گردید موجب اثرگذاری مفید و مؤثر نظرات ایران در تنظیم اسناد نهایی اجلاس بود.

پس از برگزاری اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در ژنو، ضرورت انجام مطالعات عمیق نظری پیرامون جامعه اطلاعاتی و آثار آن بیش از پیش توسط صاحب‌نظران مورد تأکید قرار گرفت. لذا کمیسیون ملی یونسکو در ایران و دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، با توجه به نقش فعال یونسکو در برگزاری اجلاس و انتشار گزارشهای تحقیقاتی متعدد توسط این سازمان در زمان برگزاری اجلاس ژنو، به منظور غنا بخشیدن به ادبیات جامعه اطلاعاتی در کشور، ترجمه و انتشار آثار یونسکو در این زمینه را به زبان فارسی وجهه همت خود قرار دادند.

خوشبختانه هم‌اکنون این آثار که هر کدام بخشی از زمینه‌های اصلی مطالعات مربوط به جامعه اطلاعاتی را دربر می‌گیرد در قالب عناوین زیر انتشار یافته است:

- جامعه اطلاعاتی در آینه پژوهش
- آموزش در جامعه اطلاعاتی
- علم در جامعه اطلاعاتی
- تحولات اجتماعی در جامعه اطلاعاتی
- تنوع فرهنگی و زبانی در جامعه اطلاعاتی
- مسائل جنسیتی در جامعه اطلاعاتی

^۴ دکتر محمدمسعود ابوطالبی، دکتر فرهاد اعتمادی، مهندس حسن انتظاری، دکتر کامبیز بدیعی، مهندس محسن بازری، مهندس نصرالله جهانگرد، دکتر یونس شکرخواه، دکتر حسین غریبی، دکتر محمد مهدی فرقانی، دکتر مهدی محسنیان راد، دکتر کاظم معتمدنژاد، ...

- متون بنیادی یونسکو دربارهٔ جامعهٔ اطلاعاتی

- سنجش وضعیت و تحول جوامع اطلاعاتی و دانش‌محور، چالش آماری

افزون بر انتشار نتایج تحقیقات کارشناسان یونسکو در زمینهٔ مسائل فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی جامعهٔ اطلاعاتی نقش مهمی در توسعه و گسترش مطالعات بنیادین در این زمینه در کشورمان ایفا می‌نماید، لازم به نظر می‌رسید تا توجه ویژه‌ای به موضوع آموزش مجازی نیز بشود. این امر به‌خصوص با گسترش و توسعهٔ دانشگاه‌های مجازی در ایران و نقش و اهمیت روزافزون فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی در گسترش دسترسی و بهبود کیفیت آموزشی، اهمیت مضاعفی می‌یابد. لذا ترجمه و انتشار آثار یونسکو در این زمینه نیز در اولویت فعالیتهای مشترک کمیسیون ملی و دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی قرار گرفت و کتابهای یادگیری از راه دور و فناوریهای اطلاعات و ارتباطات در تربیت معلم نیز به همراه این مجموعه انتشار یافت.

کمیسیون ملی و دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی امیدوارند با انتشار این مجموعه آثار گامهایی هرچند ناچیز در جهت شناخت بهتر مباحث مربوط به جامعهٔ اطلاعاتی و آموزش مجازی در کشورمان برداشته و از کلیهٔ صاحب‌نظران، پژوهشگران، کارشناسان و علاقه‌مندان این موضوعات تقاضا داریم که در استمرار و ارتقاء فعالیتها و مباحث مطرح شده در این مجموعه ما را یاری داده و از دیدگاهها و انتقادات خود آگاه نمایند.

مهندس نصرالله جهانگرد

دبیر شورای عالی اطلاع‌رسانی

یونسکو

و نماینده ویژه رئیس‌جمهور

در فناوری اطلاعات و ارتباطات

دکتر محمد توکل

دبیر کل کمیسیون ملی

کلیات

یونسکو از روند مقدماتی اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی از آغاز حمایت کامل کرده، و ضمن فراهم کردن زمینه مشارکت خود در تکمیل اعلامیه اصول و برنامه عمل، که قرار است به تصویب اجلاس برسد، موفق به تعریف و ترویج مواضع خود شده است. نکات پیشنهادی یونسکو برای درج در اعلامیه اصول و برنامه عمل، مبتنی بر دستورالعمل این سازمان در مورد اشاعه مفهوم جوامع معرفتی به جای جامعه اطلاعاتی جهانی است، زیرا گسترش صرف جریان اطلاعات، برای دستیابی به فرصتهای فراهم آمده برای توسعه، کافی نیست. بنابراین آنچه ضرورت دارد بینشی پیچیده‌تر، کل‌نگرتر و جامع‌تر و نیز چشم‌اندازی روشن از توسعه است.

پیشنهادهای یونسکو، پاسخ به چالشهای عمده‌ای است که بر سر راه ساختن جوامع معرفتی وجود دارد: اول کاهش شکاف دیجیتالی است که موجب برجسته‌تر شدن نابرابریها در زمینه توسعه می‌شود، و بسیاری از گروهها و کشورها را از مزایای اطلاعات و دانش محروم می‌کند؛ دوم تضمین جریان آزاد، و دسترسی عادلانه به داده‌ها، اطلاعات، بهترین شیوه‌ها و دانش، در جامعه اطلاعاتی است؛ و سوم ایجاد اجماعی بین‌المللی در مورد هنجارها و اصول جدید مورد نیاز است.

جوامع معرفتی باید بر تعهد به حقوق بشر و آزادیهای بنیادی، از جمله آزادی بیان، استوار باشند. همچنین باید تحقق کامل حق آموزش و کلیه حقوق فرهنگی را تضمین کنند. در جوامع معرفتی، دسترسی به قلمرو عمومی اطلاعات و دانش برای اهداف آموزشی و فرهنگی، باید تا حد امکان گسترده و دارای اطلاعات با کیفیت بالا، متنوع و قابل اعتماد باشد. بر تنوع فرهنگها و زبانها نیز تأکید ویژه‌ای باید معطوف شود.

در جوامع معرفتی، تولید و توزیع مواد آموزشی، علمی و فرهنگی، و نیز حفظ میراث دیجیتالی، و کیفیت آموزش و یادگیری باید از عناصر اصلی محسوب شود. همچنین شبکه‌های متخصصان و گروههای ذینفع مجازی، به خاطر نقش کلیدی‌شان در مبادلات و همکاریهای مؤثر و مفید در جوامع معرفتی، باید گسترش یابند. فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی در زمینه گسترش خدمات مؤثر آموزشی، باید، هم به عنوان رشته‌ای تحصیلی و هم ابزارهای آموزشی، مورد توجه قرار گیرند.

سرانجام اینکه این فن‌آورها ابزاری صرف نیستند. بلکه بر شیوه‌های ارتباطات ما، و نیز فرایندهای اندیشه و خلاقیت ما تأثیر دارند و آنها را شکل می‌دهند. چه باید کرد تا این انقلاب در اذهان و ابزارها، صرفاً به صورت امتیاز انحصاری معدودی از کشورهای بسیار پیشرفته اقتصادی درنیاید؟ چگونه می‌توان دسترسی همگان به این منابع

اطلاعاتی و فکری را تضمین کرد و بر موانع اجتماعی، فرهنگی و زبانی موجود فائق آمد؟ چگونه باید به ترویج انتشار مطالب بیش از پیش متنوعی پرداخت که منبعی بالقوه برای غنای نوع بشر محسوب می‌شوند؟ این وسایل جدید ارتباطی چه فرصتهای آموزشی‌ای را فراهم می‌آورند؟

اگر بناست که جوامع معرفتی تحقق یابند و برای تبادل و تعامل فضایی همگانی فراهم آورند، باید برای این پرسشهای حیاتی پاسخهایی در خور یافت. پرسشهای دیگری نیز مطرح است که باید مشترکاً توسط بازیگران توسعه‌ی این فن‌آوریها؛ یعنی حکومتها، مؤسسات خصوصی و جامعه مدنی، پاسخ داده شوند.

به مناسبت برگزاری اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی یونسکو مجموعه‌ای از اسناد و مدارکی را که خلاصه‌ای است از برخی از نگران‌کننده‌ترین سؤالاتی که به آنها اشاره شد؛ در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌دهد. این مجموعه به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند تا به ارزیابی دگرگونیهای برخاسته از ظهور فن‌آوریهای جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی بپردازند؛ و نیز به بررسی امکانات توسعه، مشکلات پیش‌روی و راه‌حلهای ممکن بپردازند و طرحهای متعدد اجرا شده به وسیله یونسکو و همکاران فراوانش را مورد ملاحظه قرار دهند.

عبدالوحید خان

دستیار مدیر کل یونسکو

در ارتباطات و اطلاعات

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه: جنسیت و شکاف دیجیتالی...

۱. از پکن تا اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی

۲. جهان تفاوتها

۳. شکاف دیجیتالی میان مردان و زنان

موانع اجتماعی - فرهنگی و نهادی

دسترسی، مهارت و استفاده واقعی

آموزش، مهارت‌آموزی و مهارت‌یابی

محتواها و زبانها

موزه‌نگاری، قاچاق زنان، خشونت و سانسور

هزینه‌ها، زمان و قدرت تحرک

تبعیض میان مردان و زنان در اشتغال

دانش بومی و حقوق مالکیت معنوی

سیاست‌گذاری فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت بر آن

نبود زنان در ساختار تصمیم‌گیری

زندگی خصوصی، امنیت و نظارت

حق برقراری ارتباط

حضور سیاسی زنان در جهان واقعی و مجازی

چند نتیجه

۴. برچیدن فاصله‌ها

ابتکارات تازه، رویه‌های مناسب

چارچوبهای سیاست‌گذاری

برقراری ارتباط و دسترسی
انتخاب محتوا و فناوری
حساس سازی، مهارت آموزی و آموزش
یکسان سازی دسترسی به (ICT) و خودگردانی زنان

۵. قبل و بعد از اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی

اصول
خط‌مشیها
چگونگی اجرا

مقدمه: جنسیت و شکاف دیجیتالی

فناوریهای اطلاعات و ارتباطات، در واقع، همان رایانه‌ها، فناوریهای درحال تحول سریع ارتباطی (نظیر رادیو، تلویزیون، تلفن همراه و اینترنت)، ظرفیتهای شبکه‌سازی و پردازش داده‌ها و همچنین نرم‌افزارهایی است که برای استفاده از این فناوریها به کار می‌روند. فناوریهای اطلاعات و ارتباطات با فراهم ساختن امکان بهره‌برداری، دسترسی و به کارگیری اطلاعات و همچنین، با انتشار دانشهای مربوط به هرگونه فعالیتهای بشری، جوامع و اقتصادهای مبتنی بر اطلاعات و دانش را پدید آورده‌اند. این فناوریها توانایی ایجاد انواع تازه‌ای از فعالیتهای اقتصادی و فرصتهای شغلی را دارند که از رهگذر آنها، کیفیت زندگی روزانه بهبود می‌یابد. برای مثال، این فناوریها (ICT) با ایجاد تجارت الکترونیک در حال تغییر عملکرد جهان تجارت و خدمات پزشکی هستند و با برخورداری از ابزارهای متکی بر اطلاعات و دانش، می‌توانند شبکه‌سازی، جامعه‌پذیری و دفاع از برخی آرمانها را در عرصه جامعه تسهیل کنند. این فناوریها همچنین روابط میان دولتها و شهروندان را بهبود می‌بخشند و در نتیجه آنان را به شفاف‌سازی و احساس مسئولیت در فضای دولتی تشویق می‌کنند.

فناوریهای اطلاعات و ارتباطات دستیابی زنان را به خودگردانی در زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌شان تسریع می‌کنند و برابری جنسیتی را ارتقا می‌دهند. اما این توان بالقوه تنها هنگامی جنبه عینی به خود می‌گیرد که ابعاد جنسیتی جامعه اطلاعاتی - یعنی نیازهای کاربران، شرایط دسترسی، سیاستهای مربوط به این فناوریها (ICT)، چهارچوب کاربری و مقررات مربوط به آن - در ذهن همه مخاطبان نقش بندد.

فقر، بی‌سوادی و کمبود دانش انفورماتیک و موانع زبانی از عواملی هستند که به طور کلی، مانع دسترسی به زیرساختهای فناوریهای اطلاعات و ارتباطات به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌شوند؛ اما این مسائل در مورد زنان جدی‌تر بروز می‌یابند. وانگهی، دسترسی زنان به این فناوریها (ICT) به الزامهایی وابستگی دارد که فراتر از مسائل زیرساختی فناوری و محیط اجتماعی - اقتصادی است. جامعه و فرهنگ نقشها و روابطی را برای دو جنس تعیین می‌کنند که مشخص‌کننده و در حال حاضر محدودکننده امکاناتی است که موجب می‌شود مردان و زنان مشارکتی برابر در جامعه اطلاعاتی داشته باشند.

یونسکو بر این باور است که چنانچه معیار جنسیت به طور کامل در تحلیلها، تدوین سیاستها و تهیه برنامه‌های مربوط به ICT مدنظر قرار نگیرد، زنان و مردان از این فناوریها و کاربری آنها به طور مساوی بهره‌مند نخواهند شد. فصل نخست به تاریخچه‌ای از مباحث بین‌المللی در مورد جنسیت و فناوری اطلاعات اختصاص یافته است. فصل دوم تأثیر محدودیتهای جنسیتی و زیرساختی را بر توانمندیهای زنان در استفاده از ظرفیتهای بالقوه فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی جدید در مناطق مختلف جهان مقایسه می‌کند. نقش فراگیر معیار جنسیت در تعیین مشارکت در جامعه اطلاعاتی و مسائل برآمده از آن در فصل سوم مورد بررسی قرار گرفته است. از راهبردها، ابتکارها و رویه‌های مناسب برای حل این مسائل و پرکردن شکاف میان مردان و زنان، در فصل چهارم بحث شده است. در نهایت، فصل پنجم پیشنهادهایی را پیش روی می‌نهد که درخور توجه گروههای مختلف ذی‌نفع است.

۱. از پکن تا اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی

توان بالقوه فناوریهای اطلاعات و ارتباطات به مثابه ابزاری برای توسعه و تغییر جامعه توجه زیادی را در عرصه بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد به خود جلب کرده است. چهارمین کنفرانس جهانی زنان که در پکن، در سال ۱۹۹۵ برگزار شد، فرصت مناسبی بود تا از رهگذر آن زنان دریابند که فناوری اطلاعات ابزاری توانمند برای بسیج کردن آنها، مبادله اطلاعات و رسیدن به خودگردانی است. اجتماع مجازی که به مناسبت برگزاری این کنفرانس راه‌اندازی شد، مبنایی برای شکل‌گیری شبکه جهانی الکترونیکی سازمانهای زنان قرار گرفت که همچنان نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد و حتی رو به گسترش است. افزون بر این، کنفرانس پکن نخستین کنفرانس بین‌المللی بود که در آن مباحث اساسی مربوط به زنان و فناوری اطلاعات و ارتباطات به بحث گذاشته شد؛ هر چند که این مباحث اندکی خارج از دستور جلسه به معنای خاص آن بود. بازنگری صورت گرفته در سال ۲۰۰۰ در پی بیانیه پکن چشم‌اندازهای نوینی را از کاربست ICT توسط زنان گشود: به مفهوم مشارکت در دانش، ایجاد شبکه‌ها و تجارت الکترونیکی. در آن بازنگری، نسبت به معضل فقر، مشکل دسترسی به زیرساختهای ارتباط از راه دور، ناآشنایی به زبانها، عدم توانایی استفاده از رایانه و بی‌سوادی زنان ابراز تأسف شد و این عوامل مانعی برای استفاده زنان از فناوری اطلاعات و ارتباطات از جمله اینترنت دانسته شدند.

کمیسیون سازمان ملل با عنوان علم و فناوری برای توسعه (UNCSTD) برای مشارکت در کنفرانس پکن، مطالعاتی را در مورد روابط جنسیتی، علوم و فناوری و توسعه انجام داده است. این فعالیتها دلیل غیرقابل انکاری بر وجود تفاوت‌های جنسیتی بارز در امکان استفاده، کنترل و بهره‌گیری از مجموعه وسیعی از تولیدات فناوری بود.^۵ کمیسیون یاد شده در مورد مسئله مشخص فناوری اطلاعات و ارتباطات چنین نتیجه گرفت که گویا انقلاب اطلاعات وجود زنان را نادیده انگاشته و منابع جامعه اطلاعاتی مسئله هویت جنسیتی را مسکوت

^۵ UNCSTD-Gender Working Group 1995. *Missing Links: Gender Equity in Science and Technology for Development*. Ottawa/London: IDRC/Intermediate Technology.

گذاشته است؛ همچنین، نه طرح‌های پژوهشی و نه برنامه‌های اجرایی در زمینه فناوری اطلاعات، هیچ‌کدام، به بررسی مورد خاص زنان نپرداخته‌اند.

در سال‌های اخیر، در برخی اسناد سیاست بین‌الملل به این مسئله اشاره شده است که فناوری‌های نوین ارتباطی می‌توانند بازتابی بر روی برابری جنسیتی داشته باشند و پیشرفت و توسعه زنان در زمینه مهارت‌ها، دانش‌ها و کاربست فناوری اطلاعات از چالش‌های بزرگ جامعه اطلاعاتی است.

پس از کنفرانس پکن، آگاهی از این موضوعات در عرصه بین‌المللی افزایش یافت. از سال ۱۹۹۵ به این سو، زنان دولتهای ملی و سازمانهای جهانی ارتباط از راه دور را از دل مشغولیهای خود آگاه ساختند مشارکت زنان در تهیه پیش‌نویس پکن، در سطح منطقه‌ای و جهانی، نیز در به وجود آمدن شبکه‌ای از زنان که در برابر مسائل و سیاستهای مربوط به جنسیت و ICT احساس مسئولیت می‌کردند، نقش داشت.

کنفرانس «دانش جهانی ۱۹۹۷» (GK97) نخستین اقدام جهانی بود که بر مسئله بالقوه فناوری اطلاعات و آثار احتمالی آن بر کشورهای در حال توسعه تأکید کرد. کمیته ویژه زنان در GK۹۷ تلاشهای فراوانی را از طریق ارسال نامه‌های الکترونیکی و فعالیتهای هوادارانش در نهادها صورت داد که در نتیجه موجب شد شمار زیادی از زنان در این کنفرانس شرکت کنند و این مباحث را در دستور کار کنفرانس «دانش در خدمت توسعه» قرار دهند. زنان شرکت‌کننده در کنفرانس GK۹۷، همچنین در نگارش معیارهای برابری جنسیتی، مشارکت و توسعه ICT شرکت فعال داشتند. این مشارکت به طراحی اصولی برای درک و شکل‌گیری ICT انجامید که بر اساس آن، مشارکت برابر زنان و مردان و همچنین ارزیابی و برآورد بر حسب جنسیت در استفاده از ICT مورد تأکید قرار گرفت.

ابتکارات دیگر نیز به سرعت موجب پیگیری این جنبش شد. بر مبنای قطعنامه‌ای که در کنفرانس جهانی توسعه ارتباطات از راه دور در ۱۹۹۸ به تصویب رسید، یک گروه کاری در مورد مسئله برابری جنسیتی در بخش توسعه ارتباطات از راه دور در ITU تشکیل شد. مأموریت این گروه کاری این بود که به گونه‌ای عمل کند که مزایای ارتباطات از راه دور و جامعه اطلاعاتی نوظهور به طور عادلانه و منصفانه در دسترس همه زنان و مردان کشورهای در حال توسعه قرار گیرد.

با فرا رسیدن زمان برگزاری دومین کنفرانس جهانی در مورد «دانش جهانی»

(GKII، مارس ۲۰۰۰)، بسیج حول محور مسئله جنسیت، دانش و اطلاعات به گونه‌ای بود که در طول برگزاری کنفرانس، همایش ویژه‌ای در مورد زنان برگزار شد. آن همایش به تصویب مجموعه‌ای از توصیه‌ها انجامید.^۱ بررسیها و ارزیابیهای پس از تصویب اعلامیه و خطمشی پکن (Beijing+5, June 2000) نشان داد که استفاده مؤثر از ICT از بزرگ‌ترین چالشهای فراروی بهبود شرایط زنان به نظر می‌رسد. در ژوئیه سال ۲۰۰۰، ITU، UNDP و صندوق توسعه زنان سازمان ملل متحد (UNIFEM) برای همکاری در زمینه طراحی رویکردهای ارتباطات از راه دور و سیاستهای ICT به هدف ایجاد برابری جنسیتی، یادداشت تفاهمی را به امضا رساندند.

در سال ۲۰۰۱، دبیرخانه سازمان ملل متحد یک گروه کاری عالی رتبه را در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات ایجاد کرد. برنامه اجرایی این گروه کاری که در نوامبر ۲۰۰۱ به تصویب رسید، سرمشقی آشکار برای تحلیلها و چشم‌اندازهای مربوط به برابری جنسیتی به شمار می‌رود.

مأموریت این گروه کاری هدایت فعالیتهای سازمان ملل متحد در تدوین راهبردهای مفهومی ICT و استفاده از آنها در مسیر توسعه است. همچنین، این گروه باید از طریق رایزنی با همه طرفهای مرتبط در کشورهای عضو، برای تحقق مشارکتی راهبردی اقدام کند. این مشارکت باید از یک سو میان سیستم ملل متحد و از سوی دیگر، میان صنایع بخش خصوصی، سازمانها و بنیادهای مالی، وام‌دهندگان، کشورهای مشارکت‌کننده در این برنامه و تمامی طرفهای ذی‌نفع بر مبنای قطعنامه‌های سازمان ملل متحد برقرار شود.^۲

در مارس ۲۰۰۲، کنفرانس جهانی توسعه ارتباطات از راه دور واحدی را برای مسئله برابری جنسیتی در بخش توسعه ارتباطات از راه دور (ITU-D) ایجاد کرد تا هم این مسئله را در مجموعه فعالیتهای سازمان یافته دنبال کند و هم فعالیتهای گروه ویژه برابری جنسیتی را که به گروهی دائمی در ITU-D تبدیل شده است، پی بگیرد.

¹ See Karl, Marilee (ed.) 2000. *Transcending the Gender Information Divide*.

[www. globalknowledge.org/my/GKII](http://www.globalknowledge.org/my/GKII) Women Forum

FinalReport. doc.

<http://www.unicttaskforce.org/>²

کنفرانس همچنین دیدگاههای برابری جنسیتی را در برنامه‌های اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی (SMSI) گنجانده است.

در نوامبر ۲۰۰۲، بخش سازمان ملل متحد برای ارتقای زنان در سئول کره، یک نشست گروه کارشناسی با موضوع فناوریهای اطلاعات و ارتباطات و پیامدهای استفاده از آنها به منزله ابزاری برای پیشرفت و خودگردانی زنان تشکیل داد.^۱ شرکت‌کنندگان در این نشست از روشهایی سخن گفتند که زنان به حاشیه رانده شده از ICT به کار می‌بندند تا به استقلال دست یابند. آنان همچنین یادآور شدند که این روشها هنوز به صورت پراکنده وجود دارد و به اندازه کافی گسترش نیافته است. مشکل اصلی این است که در سیاستها و دستورالعملهای مربوط به ICT، جایی برای کاوش در مورد واقعیت نابرابریهای جنسیتی وجود ندارد. افزون بر این، صرف نظر از موانع درونی شده در زنان (نظیر بیم از فناوری، بی‌اعتمادی و مانند اینها) که موجب محدود شدن استفاده از ICT می‌شود، هنوز موانع ساختاری نیز سد راه زنان است و سبب پایین بودن نقش آنها نسبت به مردان در این زمینه می‌شود؛ موانعی همچون وجود نابرابری میان مردان و زنان در نهادهای تصمیم‌گیری که از سهم زنان در استفاده از ICT به عنوان ابزار توسعه می‌کاهد. به حاشیه راندن زنان در زمینه ICT بدان جا می‌انجامد که آنان از امکانات آموزشی و شغلی که ICT فراهم می‌آورد و همچنین، دسترسی به خدمات بهداشتی و دیگر خدمات اجتماعی محروم بمانند؛ محرومیتی که موجب ماندگاری و تشدید نابرابریهای جنسیتی موجود می‌شود.

از حوزه‌های اصلی فعالیت یونسکو، قلمرو زنان و رسانه‌هاست. این قلمرو به راه‌اندازی دو طرح ویژه در سال ۱۹۹۶ انجامیده است: *زنانی که بر روی شبکه کار می‌کنند؛ و زنان در گفتگو با زنان: رادیوهای اجتماعات روستایی زنان در کشورهای کمتر توسعه یافته*. یونسکو با اجرای برنامه زنان و رسانه‌ها، می‌کوشد تا به کشورهای عضو در زمینه توسعه وسایل ارتباطی، اطلاعاتی و انفورماتیک به صورت عملی و نظری یاری رساند. این فعالیتها اشکال گوناگون ارتباطات و مبادله اطلاعات را از ابتدایی‌ترین آنها (نظیر ایجاد ایستگاههای رادیویی روستایی) تا رسانه‌های الکترونیکی بسیار پیشرفته دربرمی‌گیرد. یونسکو درصدد است با به‌کارگیری همه امکانات خود، بیشترین

^۱ نتایج نشست این گروه کارشناسی مورد استفاده کمیسیون بررسی وضعیت زنان (۲۰۰۳) قرار گرفته است و نیز برای تکمیل طرح درازمدت ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ UNDW در سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ (WSIS) به کار گرفته خواهد شد.

مسائل جنسیتی در جامعه اطلاعاتی

امکان دسترسی به اطلاعات را فراهم کند؛ به گونه‌ای که دربرگیرنده زنان نیز باشد. یونسکو همچنین باید اطمینان یابد که محتوای برنامه‌ها واقعاً موجب جامعه‌پذیری زنان می‌شود. تحقق این هدف مستلزم مهارت‌آموزی زنان در زمینه‌هایی همچون خبرنگاری، مدیریت و تصمیم‌گیری در نهادهای رسانه‌ای جمعی است. افزون بر اینها، این سازمان خدمات فنی خود را در اختیار کشورها قرار می‌دهد و برای گردآوری داده‌های آماری و شاخصهای جنسیتی اولویت قائل می‌شود.

با توجه به توان بالقوه ICT برای توسعه و تحول جوامع، ضروری است توجه بیشتری به شکاف دیجیتالی مبذول شود؛ شکافی که دو جنسیت را از هم جدا می‌سازد. این توجه باید معطوف به تسهیل دسترسی و استفاده از ICT توسط زنان و تبدیل آن به ابزاری اساسی برای پیشرفت و دستیابی به برابری جنسیتی باشد.

در این راستا، یونسکو گفتگو میان همه طرفهای ذی‌نفع مانند دولتها، انجمنهای تخصصی، نمایندگان جامعه مدنی، طرفهای دوجانبه و چندجانبه و بخش خصوصی را پیشنهاد می‌کند تا از طریق آن بتوان به راه‌حلی برای رفع نابرابری جنسیتی در چهارچوب فرایند WSIS دست یافت و در سطحی کلان‌تر در ایجاد جامعه اطلاعاتی و علمی مبتنی بر اصول برابری و عدالت شرکت جست.

۲. جهان تفاوتها

در حالی قابلیت‌های ICT بر توسعه و دگرگونی اجتماعی بیش از پیش شتاب می‌بخشد، ثابت شده است که پیامدهای مثبت ناشی از آن نیز میان کشورها و در درون آنها بر اساس ظرفیتهای موجود و دارا بودن دانش و مهارت لازم برای استفاده بهینه از آن تقسیم شده است. تفاوت ظرفیتهای در میان کشورها، مناطق، بخشها و قشرهای اجتماعی در دستیابی به ICT و استفاده از آن برای اهداف گوناگون، «شکاف دیجیتالی» یا «فقر اطلاعاتی» نام گرفته است.

در روزگار حاضر، اینترنت سریع‌ترین ابزار برای انتشار اطلاعات است؛ اما استفاده از آن، همان‌گونه که قابل پیش‌بینی بود، بر اساس درآمد افراد، چه در درون کشورها و چه بین آنها، متفاوت توزیع شده است؛ برای مثال، در ایالات متحده، در سال ۲۰۰۱ تنها ۶٪ از آنهایی که دارای درآمدی کمتر از ۱۰۰۰۰ دلار [در سال] بودند، به اینترنت دسترسی داشتند، حال آنکه این نسبت در میان کسانی که بیش از ۷۵۰۰۰ دلار (سالانه) درآمد داشتند، به ۵۰٪ می‌رسید.^۱ تفاوتها در میان کشورها چشم‌گیرتر است: در امریکای شمالی و اروپا، نسبت افرادی که از اینترنت استفاده می‌کنند ۱ به ۲ است، حال آنکه نسبت جهانی ۱ به ۱۵ و حتی در آفریقا ۱ به ۲۵۰ تا ۴۰۰ است.^۲

جمعیت جهان در حال حاضر حدود ۶ میلیارد نفر است که تنها ۱۵٪ آن در کشورهای به اصطلاح توسعه‌یافته زندگی می‌کنند. بنابراین، تقریباً ۸۵٪ از جمعیت جهانی در کشورهای به اصطلاح در حال توسعه زندگی می‌کنند که دارای بیشترین میزان رشد جمعیتی هستند. فاصله درآمدها از ابتدای تاریخ تاکنون هیچ‌گاه چنین عمیق نبوده است. بر اساس آمار بانک جهانی، درآمد متوسط سرانه در کشورهای پیشرفته ۲۵۰۰۰ دلار است، حال آنکه درآمد سرانه ۵ میلیارد نفر از ساکنان کشورهای در حال توسعه حدود ۱۰۰۰ دلار است و تقریباً یک چهارم مردم جهان با یک دلار در

^۱. Consultation 2001,
[www.mandamus.co.uk/bshf/publications/harnessing
it/challenges.html](http://www.mandamus.co.uk/bshf/publications/harnessing-it/challenges.html)

^۲ *The African Internet-A Status Report*,
www3.sn.apc.org/africa/afstat.htm

روز زندگی را سپری می‌کنند. در نیمی از کره زمین که کشورهای به اصطلاح با درآمد پایین و پایین‌تر از متوسط را در خود جای داده است، متوسط درآمد روزانه ۱/۲۵ دلار است. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ به ۸/۵ میلیارد نفر برسد و بیشترین افزایش جمعیت مربوط به کشورهای در حال توسعه کنونی است.

شکافهای روزافزون در درآمدها، توسعه انسانی و کاربرد ICT در میان نخبگان و بخش گسترده‌ای از جمعیت جهان بیانگر آن است که ICT اقتصاد را شکوفا می‌کند و کیفیت زندگی را در کشورهای صنعتی و در برخی کشورهای تازه صنعتی شده، بهبود می‌بخشد. اما، این فناوریها در کشورهای در حال توسعه که شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی‌شان مانع بهره‌گیری از این فناوریهاست، این نتایج را ندارد. چنین کشورهایی به تدریج به حاشیه و انزوا کشانده می‌شوند. کشورهای کمتر توسعه یافته در معرض خطر محرومیت هستند، چرا که اغلب از امکانات اقتصادی و اجتماعی لازم برای استفاده از ICT بی‌بهره‌اند.

با این همه، مسئله واقعی این نیست که تحولات فناوری بزرگه‌آنهاست که توانسته‌اند از آن بهره‌گیرند، بلکه باید از آثار این تحولات آگاهی پیدا کنیم. به نظر می‌رسد که ICT از چنان پویایی برخوردار است که دنبال کردن آن در دهه‌های آینده موجب نابودی و ایجاد مشاغل، انقلاب صنعتی و تولید ثروت و قدرت در عرصه‌های جهانی و منطقه‌ای و به ویژه تغییر جوامع خواهد شد. مسئله واقعی این است که ما در سراسری این عصر جدید قرار گرفته‌ایم؛ بی‌آنکه تحلیلی از امکان تطبیق توانمندیهای اجتماعی و فناوری موجود یا نقش واکنشهای انسانی با انقلاب اطلاعات داشته باشیم.

ظرفیت زنان در بهره‌گیری از توان بالقوه فناوریهای نوین اطلاعات و ارتباطات، به مثابه ابزاری برای دستیابی به استقلال در مناطق مختلف جهان، به شرایط گوناگونی وابسته است (جدول شماره ۲). برخی از این شرایط زنان و مردان را به طور یکسان دربرمی‌گیرد: شرایطی همچون زیرساختهای فنی، هزینه‌های اتصال (جدول شماره ۱)، ظرفیت استفاده از رایانه و مهارتهای زبان‌شناختی. در مناطقی که تراکم خطوط تلفن اندک است، وجود موانع بنیادی اجتماعی - ساختاری بدان معناست که بیشتر زنان و مردان بیرون از جامعه اطلاعاتی نوپا هستند. با این همه، در موارد فراوانی افزون بر این الزامات فراگیر عوامل ویژه دیگری نیز وجود دارد که برآمده از نابرابری جنسیتی است و موجب می‌شود که زنان به ویژه محروم‌تر باقی بمانند. عامل دیگری که موجب دلسردی زنان در کشورهای در حال توسعه می‌شود این است که در میان انبوهی از اطلاعات قابل دسترسی بر روی شبکه جهانی وب (World Wide Web)، بخش اندکی از آنها مطمئن و قابل استفاده است. پژوهشی که در ابتدای سال ۲۰۰۰ بر روی وب انجام شد،

نشان می‌دهد که تنها بخش اندکی از ۲۰۰۰۰۰۰ سایت مربوط به زنان و جنسیت حاصل کار کشورهای در حال توسعه است.^۱

جدول ۱ هزینه اتصال (درصد حق اشتراک ماهیانه اینترنت بر اساس درآمد متوسط ماهیانه)

نیپال:	٪۲۷۸
بنگلادش:	٪۱۹۱
بوتان:	٪۸۰
سری‌لانکا:	٪۶۰
ایالات متحده:	٪۱/۲

منبع: دفتر آمار، گزارش سازمان ملل متحد در مورد توسعه، سال ۲۰۰۱

در کشورهای در حال توسعه، استفاده از رایانه و اینترنت در منزل جز برای طبقات با درآمد بالا رایج نیست. به طور کلی، زنان تنها در محل کار خود و در چهارچوب شغل خود از این وسایل استفاده می‌کنند. در این مورد نیز نابرابری جنسیتی شدیداً حاکم است و بر چگونگی استفاده زنان از فناوری تأثیر می‌گذارد. بیشتر زنان در محل کار خود از فناوری اطلاعات و ارتباطات تنها برای فعالیتهای روزمره استفاده می‌کنند؛ شمار اندکی از ایشان از این ابزار به مثابه وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط و مبادله اطلاعات استفاده می‌کنند. افزون بر اینها شمار بسیار اندکی از زنان در تولید خدمات ICT مشارکت دارند و در میان تصمیم‌گیران جهان صنعتی بسیار کم‌شمارند.

از آنجا که هزینه اتصال در کشورهای در حال توسعه استفاده از وب را دور از دسترسی سازمانهای زنان قرار می‌دهد، استفاده از نامه الکترونیک گزینه‌ای مناسب برای دسترسی به اینترنت است. در این کشورها، بیشتر زنان از ICT برای ارتقای شغلی خود نیز بهره می‌جویند، اما این کار به مراتب کمتر از استفاده‌ای است که سازمانهای زنان برای دفاع از افکار سیاسی خویش به عمل می‌آورند.

اگر چه تاکنون زنان در کشورهای در حال توسعه ارتباط اندکی با ICT داشته‌اند،

^۱. Fontaine, Mary 2000. "A High-Tech Twist: ICT Access and the Gender Divide," *TechKnowLogia*, Vol. 2, No. 2.

جای امیدواری است که می‌بینیم این زنان علیه بی‌عدالتی سیاسی و زیرساختهای ICT قد برافراشته‌اند. بنابراین، ضروری است که شکاف میان زنان و مردان از نخستین مراحل برنامه‌ریزی برای سیاست‌گذاری و ایجاد زیرساختهای ICT مورد توجه قرار گیرد تا نیازهای زنان از این پس نادیده و کم‌رنگ انگاشته نشود. مزایای دخالت دادن زودهنگام زنان از آنجاست که ایشان از همان گام نخست در فهرست ذی‌نفعهای بالقوه قرار گیرند، نه اینکه پس از پایان کار مرحله به مرحله وارد این فهرست شوند.

افریقا

در افریقا، به استثنای کشورهایی که دارای تراکم خطوط تلفن بالا هستند نظیر افریقای جنوبی، اوگاندا و سنگال، ارتباطات درون کشوری از طریق ICT میان زنان هنوز بسیار محدود است. سازمانهای غیردولتی که در عرصه ملی شکل گرفته‌اند، تنها با بخش اندکی از اعضای خود می‌توانند ارتباط برقرار کنند و سازمان غیر دولتی با برد منطقه‌ای تنها می‌توانند در حد نامه الکترونیکی با آن دسته از اعضای خود که در شهرهای بزرگ (پایتختها) سکونت دارند، از ICT استفاده کنند. برای بسیاری از این سازمانها، وب هم به دلایل فنی و هزینه‌های اتصال و هم به دلیل فقدان آموزش و آگاهی مایوس کننده و غیر قابل دسترسی به نظر می‌رسد. در مورد دیگر رسانه‌ها، محدودیت زنان در مجموع کمتر است؛ هر چند به طور نسبی در قیاس با مردان باز هم محدودیت آنان در دسترسی به اطلاعات مفید و مهم بیشتر است. براساس گزارش جهانی ۲۰۰۲-۲۰۰۳ در مورد فناوری اطلاعات^۱ برآورد می‌شود که از ۸۱۶ میلیون جمعیت افریقا در سال ۲۰۰۱، تنها:

یک نفر از ۴ نفر دارای رادیو است؛

یک نفر از ۱۳ نفر دارای تلویزیون است؛

یک نفر از ۳۹ نفر دارای یک خط تلفن است؛

یک نفر از ۳۵ نفر یک تلفن همراه دارد؛

یک نفر از ۱۳۰ نفر یک رایانه شخصی دارد؛

یک نفر از ۱۶۰ نفر از اینترنت استفاده می‌کند؛ و

یک نفر از ۴۰۰ نفر از شبکه‌های تلویزیونی پولی استفاده می‌کند.

گزارشی از وضعیت اینترنت در افریقا نشان می‌دهد که میزان پیشرفت استفاده از اینترنت

^۱. See <http://www.cid.harvard.edu/>

در دهه ۱۹۹۰، با وجود شمار زیاد کاربرانی که منابع مالی لازم را برای دستیابی به یک رایانه و یک خط تلفن داشته و به اینترنت متصل شده‌اند، رو به کاهش بوده است. در اواسط سال ۲۰۰۲، شمار مشترکان اینترنت از طریق تلفن به ۱/۷ میلیون نفر رسید که ۲۰٪ نسبت به سال ۲۰۰۱ افزایش نشان می‌دهد. در افریقا، شاخص «شمار کاربران» معیار مناسبی برای ارزیابی شمار کاربران نیست، چرا که هر رایانه متصل به اینترنت یا پیام‌گیر الکترونیکی مورد استفاده سه تا پنج کاربر قرار می‌گیرد. آماری که برآورد کلی کنونی را از مجموع کاربران اینترنت در افریقا به ۵ تا ۸ میلیون نفر می‌رساند، در واقع، یعنی ۱/۵ تا ۲/۵ میلیون نفر - به استثنای افریقای شمالی و افریقای جنوبی - یا یک کاربر در مقابل ۲۵۰ تا ۴۰۰ نفر؛ در حالی که متوسط جهانی تقریباً یک به پانزده و متوسط امریکای شمالی و اروپا تقریباً یک به دو است.^۱

شگفت‌آور نیست که میزان کاربران زن اینترنتی در افریقا بسیار پایین‌تر از میزان کاربران مرد است. در اوگاندا و سنگال، کاربران زن به ترتیب ۳۱/۵٪ و ۱۲٪ از کلیه کاربران (یا ۱٪ از جمعیت این دو کشور) را تشکیل می‌دهند، حال آنکه این نسبت در افریقای جنوبی ۱۹٪ (یا ۳٪ از کل جمعیت) است. تقریباً همه کاربران افریقایی از اقلیت شهرنشین و آموزش‌دیده هستند. بنابراین، اقدامات زیادی باید انجام گیرد تا ICT در اختیار زنان روستایی افریقا قرار گیرد.

ضعف سطح آموزشی و بی‌سوادی که بر اثر فقر تقویت می‌شود، از معضلات عمده‌ای است که افریقاییها در استفاده از ICT با آن رو به‌رواند. زنان تقریباً دوسوم بی‌سوادهای دنیا را تشکیل می‌دهند که شمار زیادی از آنها در قاره افریقا زندگی می‌کنند. حضور کم‌رنگ دختران در دوره‌های آموزشی علم و فناوری در افریقا دستیابی زنان را به پستهای تصمیم‌گیری در قلمرو علم و فناوری محدود می‌کند. دسترسی زنان به اطلاعات از دل مشغولیهای عظیم جهانی است. سازمان ملل متحد کمبود دسترسی به اطلاعات را در رده سوم مشکلاتی قرار داده است که زنان در سطح جهانی با آن روبه‌رو هستند؛ یعنی پس از فقر و در معرض اعمال خشونت واقع شدن. کمبود امکان دستیابی به فناوریهای ارتباطات و اعمال قدرت مردسالارانه بر آن، تصویر کلیشه‌ای نقش دوجنسیت و مشکلات دستیابی زنان به مشاغل حرفه‌ای و پستهای تصمیم‌گیری در سپهری عمدتاً مردانه، به گونه‌ای گریزناپذیر، نشان‌دهنده این فاصله

^۱. *The African Internet-A Status Report*,
<http://www3.sn.apc.org/africa/afstat.htm>

است. افریقاییها باید جایگاه خود را در مباحث مربوط به توان بالقوه توسعه و/ یا اثر ICT به دست آورند و با خوش بینی قاطعانه، تبعیض میان مردان و زنان را مورد توجه قرار دهند. سلطه جمع کوچک و مقتدر و اساساً مردانه بر ارتباطات، که از فناوریهای موجود برای نظم و تحکیم بخشیدن به برتری اجتماعی – فرهنگی خویش بهره می‌جویند، موقعیت زنان را تهدید می‌کند.

مسئله جنسیت در بسیاری از فعالیتهایی که امروزه برای ایجاد رسانه‌های آزاد و کثرت‌گرا انجام می‌شود، خالی است. برای بسیاری از افریقاییها، اجرای آزادیهای اساسی بیان و اطلاعات را قوانین و رسوم پدرسالارانه و همچنین درگیریهای اقتصادی و سیاسی، که آنها نیز به گونه‌ای متفاوت بر دو جنسیت اعمال می‌شود، محدود کرده‌اند. سر باززدن از نگرش به این حقوق از زاویه جنسیت شرایط را وخیم‌تر می‌کند و مشکلاتی را نیز در روابط میان مردان و زنانی که در رسانه‌ها مشغول به کار هستند، می‌آفریند.^۱

آسیا و حوزه اقیانوس آرام

در حال حاضر، بیشتر کشورهای آسیایی به آنچه که شاهره اطلاعاتی خوانده می‌شود، متصل شده‌اند. فناوریهای نوین اطلاعات و ارتباطات که ابزاری برای توزیع رسانه‌ها به شمار می‌رود، فرصت سهمین شدن در اطلاعات و مستندات و ایجاد ارتباط میان خودشان و تشکیل شبکه را به گونه‌ای سریع برای زنان فراهم آورده است. با این همه، با آنکه شمار افراد متصل به اینترنت به سرعت افزایش یابد، حضور زنان در سپهر نوین ارتباطات همچنان در حاشیه است. هنگامی که زیرساختهای ارتباطی ناکافی و پرهزینه باشد، برای زنان فقیر و روستایی دسترسی به رسانه‌های نوین بسیار دشوار خواهد بود. کمبود مهارتهای فنی، مهارت‌آموزی و دانش زبان‌شناختی از موانع موجود بر سر راه آنهاست.

تنوع و نابرابری در امکان دسترسی به زیرساختهای ICT در سیاستها و برنامه‌ها از ویژگیهای اساسی کشورهای منطقه آسیا و حوزه اقیانوس آرام به شمار می‌رود. برای مثال، در حالی که کشورهایی نظیر کره و مالزی دارای برنامه‌های ملی و تأمین مالی شده و سیاست‌گذاری خوبی هستند و در اهداف خود جایگاه مناسبی برای برابری جنسیتی در

^۱. Plou, Dafne & Munuya, Alice 2003, *Is there a place for Women in the Information Society*, unpublished paper.

استفاده از ICT در نظر گرفته‌اند، کشورهای نظیر نپال و لائوس شرایط بسیار متفاوتی دارند و مسائل مربوط به ICT در آنها، اساساً وابسته به میزان دسترسی شهروندان به اتصال به یک خط تلفن است؛ امکاناتی که برای زنان همچنان محدودتر است.

در این منطقه، هنوز ICT به طور کامل مورد استفاده سازمانهای غیردولتی زنان قرار نگرفته است. میزان اتصال در آسیای میانه، و قفقاز و همچنین برخی جزایر اقیانوس آرام پایین است، اما در دیگر بخشهای منطقه رشد سریعی دارد. در این منطقه نیز پیام‌گیر الکترونیکی به ویژه برای نامه‌نگاری بیش از دیگر خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد. مشارکت در فهرست مکاتبات و گفتگوهای اینترنتی چندان رایج نیست. جستجوی اطلاعات بر روی وب و همچنین مبادله افکار از طریق اینترنت بسیار کم است. دلایل این وضعیت عبارت‌اند از: مسائل فنی انتشار صفحات وب، اشکال در اتصال یا قطع ارتباط ناشی از ضعف زیرساختها، هزینه بالای استفاده و مشکلات مالی، ناآگاهی از توان بالقوه خود و عدم مهارت در استفاده بهینه از این فناوریها.

تحقیق مشترکی^۱ که از ۲۴ کشور منطقه آسیا و حوزه اقیانوس آرام صورت گرفته است،^۲ نشان می‌دهد که شمار زیادی از زنان به اجتماعات مجازی پیوسته‌اند و نیز بسیاری از آنان در صدند که از اهداکنندگان، نمایندگان مالی و فعالیتهای منطقه‌ای و بین‌المللی جنبشهای مربوط به زنان اطلاعاتی به دست آورند. این مطالعه همچنین

۱. این تحقیق را انجمن تبادل منابع میان زنان آسیایی صورت داده است و سازمانهای ISIS بین‌المللی مانیل، انجمن زنان پیشرو در برنامه پشتیبانی از شبکه‌سازی ارتباطی و کمیسیون اجتماعی - اقتصادی سازمان ملل برای آسیا و اقیانوسیه (UNESCAP) با آن همکاری کرده‌اند.

۲. این تحقیق هفت کشور را در آسیا (هند، اندونزی، ژاپن، جمهوری کره، مغولستان، نپال و فیلیپین)؛ هشت کشور را در قفقاز و آسیای میانه (ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان)؛ و نه کشور را در جزایر اقیانوسیه (ایالات فدرال میکرونزی، نیوکلونیا، پاپواگینه نو، ساموا، جزایر سولومون، تونگا، وانواتو و فیجی) دربر گرفته است.

موانعی را که زنان در دسترسی و استفاده از ICT در منطقه دارند، آشکار ساخته است. از موانع مهم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مناطقی نظیر قفقاز - به ویژه ارمنستان، آذربایجان و گرجستان - و آسیای میانه که در قالبهایی همچون تورم شدید، کشمکشهای مداوم مسلحانه و دیگر خیزشهای مدنی، فجایع طبیعی گسترده و حکومت‌های شدیداً تمرکزگرا بروز می‌کند؛

- نبود سیاست‌های ملی که استفاده از ICT را به مثابه ابزاری برای توسعه تلقی کند و مشکلاتی همچون خدمات ناکافی خطوط تلفن و نبود برق را در بسیاری از مناطق روستایی و دورافتاده آسیا و اقیانوس آرام به دلایلی مانند مشکلات جغرافیایی - گستره وسیع قاره‌ای و جزایر پراکنده - و ترجیح آشکار در راه‌اندازی زیرساخت‌های ICT در مناطق شهری می‌آفریند؛

- قیمت سرسام‌آور رایانه‌ها و نرم‌افزارهایی که مالکیت انحصاری دارند و همچنین هزینه بالای نگهداری و اتصال آنها. با این همه، بسیاری از اتحادیه‌های زنان آسیای شرقی و جنوب شرقی که از ICT به ویژه اینترنت و پیام‌گیر الکترونیکی برخوردارند، خاطرنشان ساخته‌اند که فناوریهای نوین از هزینه‌های ارتباطی‌شان کاسته است؛

- کمبود یا ضعف دانش فنی در زمینه‌هایی نظیر نصب و نگهداری مواد و نرم‌افزارها، اینترنت و مهارت‌های مربوط یا غیر مربوط به آن همچون تشریفات مربوط به TELNET، FTP، یا فهرست مکاتبات اینترنتی که موجب پریشان‌خاطری برخی از زنان حوزه اقیانوس آرام شده است و آنان را وادار کرده به فناوریهای قدیمی نظیر فاکس، تلفن یا حتی گفتگوی مستقیم روی بیاورند؛ و

- کمبود اطلاعاتی که به زبانی غیر از زبان انگلیسی بیان شده باشد. انگلیسی اغلب زبان سوم زنان منطقه است؛ به ویژه در مناطقی که زبانهای روسی (در قفقاز و آسیای میانه)، چینی (در چین، هنگ‌کنگ و تایوان) یا بهاسا (در مالزی و اندونزی) رایج است.

بنابراین، مسائلی همچون امکانات زیرساختی، هزینه‌های آن، مهارت‌های مورد نیاز و مشکل همیشگی چندگانگی وظایفی که بر دوش زنان سنگینی می‌کند، ضرورت ایجاد تغییر در سیاست‌های اطلاعاتی را ایجاب می‌کند تا از این رهگذر زنان بتوانند به‌طور کامل از فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی بهره‌گیرند.

در مقابل، در کشورهای نظیر فیلیپین، هندوستان و از برخی لحاظ مالزی، مسئله جنسیت و کار اولویت دارد؛ چرا که شمار زیادی از زنان این کشورها در بخش مربوط به تلفن مشغول به کار هستند و مراکز تلفنی از بخش‌های صنعت ICT

به شمار می‌آیند که بیشترین توان رشد را دارا هستند.^۱ این وقایع زنان را در شرایط تناقض‌نمایانه‌ای قرار داده است زیرا از یک‌سو، چشم‌انداز شکل‌گیری مشاغل نوینی را برای آنها به همراه آورده است (به ویژه در تولید مواد الکترونیک و انفورماتیک یا رمزگشایی انفورماتیک) که شرایط مساعدی را برای مبادلات میان فرهنگی فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، محرومیت‌هایی نیز برای آن ایجاد کرده است. این محرومیتها عبارت‌اند از: بی‌کاری فزاینده در برخی بخشها (کارکنان بانکها و تلفن‌چیها) و افزایش شکاف میان‌انگاری که اطلاعات زیادی دارند و کسانی که اطلاعات کمی دارند.^۲

زنان به گونه‌ای آموزش و مهارت نیاموخته‌اند که قدم در راه علم و فناوری بگذارند. هر چند زنان در کارهای مونتاژ در کارخانه یا اداره‌ها مشغول به کار هستند، اما شمار اندکی از آنها در بخش مدیریت یا نوسازی سیستمهای انفورماتیک فعال‌اند. زنانی که مشاغل پایین فنی دارند یا در بخش خدمات مشغول به کار هستند، شمار زیادی از کاربران رایانه‌ها را تشکیل می‌دهند. مردان همچنان زنان را در مهارت‌آموزی در مشاغل کیفی از میدان به در می‌کنند.

امریکای لاتین و کارائیب

اینترنت محور انقلاب دیجیتالی است که روابط میان فردی را در سراسر جهان تغییر داده است؛ و در این میان، امریکای لاتین را نیز به گرداب خود می‌کشد. شمار قلمروها (domains) در این منطقه، در سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ دو برابر شد و در سال ۱۹۹۹، ۱۳۶٪ افزایش یافت؛ در حالی که این نسبت در همان سال در امریکای شمالی ۷۴٪، در آسیا ۶۰٪، در اروپا ۳۰٪ و در افریقا ۱۸٪ بوده است. شمار زیادی از قلمروها

1. Email communication with Chat Ramillo Garcia of APC Women's Networking Support Programme.

2. *Information and Communication Technologies: A Women's Agenda Workshop Report*, The Asia Pacific Regional NGO Symposium, 31 August to 4 September 1999, Bangkok, Thailand

متعلق به برزیل است که ۳۸٪ از کل قلمروها را شامل می‌شود، و پس از آن، مکزیک با ۳۵٪ و آرژانتین با ۱۲٪ قرار دارند، اما در همین کشورها شمار آنهایی که از شبکه استفاده می‌کنند، بین ۲/۴٪ تا ۲/۶٪ است.

در سال ۱۹۹۹، افزایش شمار ایستگاهها (hosts) در اروپا ۳۰٪، در آسیا ۶۰٪، در امریکای شمالی ۷۴٪ بود اما در امریکای لاتین ۱۳۶٪ افزایش یافت.^۱ می‌توان نتیجه گرفت که انقلابی صنعتی در راه است که به مرور به نفع برخی و زیان برخی دیگر به توازن خواهد رسید. از این دیدگاه، شرایط امریکای لاتین دارای نکات منفی و مثبت است.

تفاوتهای امریکای لاتین با کشورهای توسعه‌یافته، از نظر شمار ایستگاهها، کاربران و سرانه رایانه‌های شخصی چشم‌گیر است. این منطقه تنها ۱/۶٪ از زیرساخت جهانی اینترنت را در اختیار دارد. ۷۵٪ از صفحات وب به زبان انگلیسی است و تنها ۳٪ به زبان اسپانیایی و ۱٪ به زبان پرتغالی است. در سال ۱۹۹۹، تنها ۲٪ از مردم امریکای لاتین و کارائیب از اینترنت استفاده می‌کردند، حال آنکه این شمار در ایالات متحده ۴۰٪ و در کانادا ۳۶٪ بود. تنها کشورهایی که درصد کاربران بالایی داشتند، برمودا با ۳۹٪ و به دنبال آن با فاصله‌ای زیاد اروگوئه با ۷/۶٪ بودند.

منطقه امریکای لاتین و کارائیب با ۶٪ از جمعیت جهان، تقریباً ۳٪ از سرمایه‌های جهانی در زمینه ICT را به خود اختصاص داده است، در حالی که ایالات متحده با ۵٪

^۱. Hilbert, Martin, 2001, *Latin American on its path into the digital age: where are we?* Santiago de Chile, Division for Production, Productivity and Management, Economic Commission for Latin America and Caribbean (ECLAC), June. Quoted in Bonder, Gloria 2002, "From access to appropriation: Women and ICT policies in Latin America and the Caribbean," Paper delivered at the UNDAW Expert Group Meeting on *Information and communication technologies and their impact on and use as an instrument for the advancement and empowerment of women*, Seoul, Korea, 11-14 November.

از جمعیت جهان، ۴۵٪ از سرمایه‌های جهانی در این قلمرو را به خود اختصاص داده است. از این نظر، شرایط این منطقه شبیه شرایط افریقا و خاورمیانه است.^۱ در مارس ۲۰۰۱، در تحقیقی چنین برآورد شد که از ۴۰۷/۱ میلیون نفر متصل به اینترنت، تنها ۱۶/۴۵ میلیون نفر ساکن امریکای لاتین هستند (یعنی تقریباً ۴٪ از کاربران اینترنت در جهان). این نسبت در همان دوره زمانی شامل ۲۸٪ در اروپا و ۴۱/۰۵٪ در کانادا و ایالات متحده بوده است.^۲ حتی در درون امریکای لاتین نیز تفاوت‌های محسوسی میان کشورها وجود دارد: در شیلی ۲۰٪، در آرژانتین ۱۰٪ و در برزیل ۷/۷۴٪ مردم از اینترنت استفاده می‌کنند. با این همه، مکزیکی که از تراکم جمعیتی یکسانی با این سه کشور برخوردار است، تنها ۳/۳۸٪ کاربر اینترنتی دارد. در مقام مقایسه، این شمار در بولیوی به ۰/۳۶٪ درصد و در پاراگوئه به ۰/۹۸٪ درصد می‌رسد.^۳ در عین حال، این ارقام آنقدر روشن نیست که بتوانیم آینده را حدس بزنیم. این ارقام از شکاف دیجیتالی میان منطقه‌های جغرافیایی در درون هر کشور و میان نسلها، گروههای قومی و جنسیتها چیزی به ما نمی‌گوید.^۴

¹. Callaos, N., 2001, "Latin America and the Caribbean," in *Word Communication and Information Report*, 1999-2000, UNESCO: Paris, <http://www.unesco.org/webworld/wcir/en/report/chap17.pdf>.

². Source: http://nua.ie/survey/how_many_online/index/html

³. Data quoted in Bonder, Gloria 2002, "Form access to appropriation: Women and ICT policies in Latin America and the Caribbean," <http://www.un.org/womenwatch/daw/egm/ict2002/reports/Paper-GBonder..PDF>

⁴. به موجب برآوردهای امارکترز (E marketers)، ۱۸/۱٪ از ۱۵٪ ثروتمندترین افراد امریکای لاتین در ابتدای سال ۲۰۰۰ به اینترنت اتصال یافتند که تنها ۲/۷٪ از مجموعه افراد متصل در امریکای لاتین را تشکیل می‌دادند. انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۰۴، ۶۸/۹٪ از ۱۵٪ ثروتمندترین افراد ۱۴ سال به بالای امریکای لاتین،

افزون بر این، چنانچه شرایط زندگی طبقات پرشمار بدتر شود (همان‌گونه که طبقه متوسط آرژانتین بدین وضعیت دچار شد)، امکان دارد پیشرفتهای به دست آمده هدر رود. کاهش درآمد و پایین آمدن سطح زندگی برخی مناطق ممکن است به افزایش شکاف دیجیتالی میان کشورهای منطقه و میان این منطقه و جهان توسعه‌یافته بینجامد. در سطح سیاست‌گذاری، به نظر می‌رسد با وجود مباحث صورت گرفته در گردهماییهای منطقه‌ای، پیشرفتهای به دست آمده در زمینه اصل برابری جنسیتی نظر تصمیم‌گیران و مسئولان دولتی را به خود جلب نکرده است. سر باز زدن از پرداختن به مسئله جنسیت در همایشهای منطقه‌ای که به بررسی سیاستهای ICT می‌پردازند، به‌رغم توجه فزاینده رسانه‌ها، گسترش سازمانهای غیردولتی زنان و ایجاد بخشهای مطالعاتی در مورد مسئله زنان در تقریباً همه دانشگاههای امریکای لاتین و همچنین شمار زیاد توصیه‌های بین‌المللی در این زمینه، همچنان ادامه دارد. بی‌علاقگی تصمیم‌گیران به مورد توجه قرار دادن نابرابری جمعیتی در ارتباط با شکاف دیجیتالی، این مسئله را ضروری می‌سازد که کسانی همچون مجریان و پژوهشگران صاحب‌نظر در این گونه مسائل، سازمانهای غیردولتی و همه طرفهایی که به پیشرفت برابری جنسیتی علاقه‌مندند، این مباحث را در همایشهای منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به ICT مطرح کنند و از سیاست‌گذاری در این راستا و همچنین ایجاد زیرساختهای لازم حمایت کنند.

در امریکای لاتین و کارائیب، همچون دیگر نقاط، اتصال به اینترنت پدیده‌ای کاملاً شهری است. افزون بر این، تفاوت‌های عمیقی بر حسب طبقه اجتماعی، سطح آموزش، کیفیت آموزش^۱ و سن میان کاربران وجود دارد.^۱ داده‌های معتبری در زمینه

یعنی ۱۰٪ از جمعیت ۱۴ سال به بالای امریکای لاتین به اینترنت متصل شوند. ر.ک.:

Hilbert, Martin, 2001, *Latin America on its path into the digital age: where are we?*

^۱. تحقیقی که در سال ۱۹۹۸ در اروگوئه انجام شد، نشان می‌دهد که شمار افرادی که آموزش عالی را طی کرده‌اند بیشترین نفراتی را تشکیل می‌دهد که دست‌کم یک بار از اینترنت استفاده کرده‌اند. «دوسوم دانشجویان برای نامه‌نگاری و

شکاف دیجیتالی در میان جنسیتها در دسترس نیست. هر چند گزارشهای موجود برآورد می‌کنند که زنان ۳۸٪ از کاربران اینترنت را در منطقه به خود اختصاص می‌دهند،^۲ اما داده‌ای برای بررسی پارامترهای جنسیتی، سنی، طبقه اجتماعی، شرایط جغرافیایی، سطح سواد و جز اینها وجود ندارد. این کمبود هنگام تدوین سیاستها و برنامه‌ریزی برای زنان یا برای ایجاد توازن شرایط دو جنسیت در این قلمرو بسیار مهم جلوه می‌کند.

در کشورهایی که حجم اتصال به اینترنت بیشتر است، زنان توانسته‌اند بهترین بهره‌برداری را از فناوریهای نوین داشته باشند. برای مثال، در امریکای لاتین و حوزه کارائیب، سازمانهای غیر دولتی زنان از ابتدای دهه ۱۹۹۰ از نامه الکترونیکی به خوبی استفاده کرده‌اند. به تدریج که هزینه اتصال در طول دهه یاد شده کاهش یافت و با افزایش شمار مرتبطین در سازمانها (و در میان افراد خصوصی)، اتحادیه‌ها به استفاده از فناوریهای نوین ICT در شکلهای مختلف روی آوردند. در بسیاری از این کشورها، شاهد پیدایش فهرست آدرسهای اینترنتی، خبرنامه‌ها، نشریات الکترونیکی، خدمات اطلاع‌رسانی پایگاه داده‌ها و وبسایتهایی در ارتباط با مسائل زنان و نابرابری جنسیتی هستیم. همچنین، شبکه‌های الکترونیکی زیادی سربرآورده است که زنان منطقه و فرامنطقه‌ای را به یکدیگر ارتباط می‌دهد. اگر چه این‌گونه استفاده از اینترنت، درصد اندکی از کل منطقه را در بر می‌گیرد، اما بدیهی است که ICT و ایجاد شبکه‌های الکترونیکی این امکان را برای زنان فراهم آورده است که مبادله افکار را در عرصه ملی،

پژوهش از اینترنت استفاده می‌کنند و تنها ۴۱٪ از دانش‌آموزان دبیرستانی و ۳۰ درصد از دانش‌آموزان دبستانی از اینترنت استفاده می‌کنند.» (Sutz, 2002)

^۱ در برزیل، ۱۵/۸٪ از کاربران اینترنتی را افراد ۱۴ تا ۱۹ سال، ۱۱/۳٪ را افراد بین ۲۰ تا ۳۵ سال و ۵/۶٪ را افراد ۳۶ تا ۴۵ سال تشکیل می‌دهند. کاربران بالای ۴۶ سال تنها به ۳٪ می‌رسند. تفاوتها در مورد رایانه‌های شخصی بیشتر است؛ این درصدها به ترتیب عبارت‌اند از: ۲۷٪، ۱۹٪، ۱۳/۷٪، و ۶/۳٪.

^۲ این آمار از گزارشهای انجمن ژوپیتار (Jupiter Communication) اقتباس شده است که پژوهش MORI-USA از دانشگاه پرینستون نیز آن را تأیید کرده است. در این پژوهش مصاحبه‌هایی با ۱۰۳۹۵ نفر از مردم شهرهای بالای ۵۰۰۰۰ نفر در ۱۱ کشور امریکای لاتین صورت گرفته است.

منطقه‌ای و حتی بین‌المللی هماهنگ و تقویت کنند.

سازمانهای زنان امریکای لاتین همچنین توانسته‌اند در مباحثات و کنشهای منطقه‌ای، صدای خود را مبنی بر «همگانی کردن» امکان ارتباط به گوش همگان برسانند. این سازمانها با انجام چنین کاری، در اقداماتی همچون تسهیل دسترسی به مهارت‌آموزی به ویژه به منظور دفاع از آرمانهای خود، افزایش ظرفیت دیگر سازمانهای زنان برای دریافت اطلاعات صحیح به منظور توسعه برنامه‌های سیاسی و اجتماعی خاص خود و تقویت سیمای سازمانهایشان مشارکت کرده‌اند.^۱

با وجود این، به طور کلی دسترسی زنان به ICT به اقلیتی کوچک و شهرنشین و با درآمد بالا محدود است. با آنکه نسبت کاربران اینترنت در بسیاری از کشورها افزایش می‌یابد، اما میزان مطلق دسترسی همچنان پایین است. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که میزان واقعاً چشم‌گیر زنان متصل به اینترنت، در حال حاضر، تنها محدود به شمار اندکی از کشورهای غیر عضو سازمان OCDE است و حتی در کشورهای صنعتی، که از میزان بالای اتصال برخوردارند، الزامات جنسیتی تعیین‌کننده و محدودکننده استفاده از ICT است.

امریکای شمالی و اروپای غربی

در ایالات متحده بیش نیمی از خانوارها (۵۱٪) مجهز به رایانه‌ها هستند، حال آنکه در دسامبر سال ۱۹۹۸ تنها ۴۲/۱٪ امریکاییها رایانه داشتند. نسبت خانوارهای متصل به اینترنت از ۲۶/۲٪ در دسامبر سال ۱۹۹۸ به ۴۱/۵٪ در اوت ۲۰۰۰ رسیده است؛ یعنی در این ماه، ۱۱۶/۵ میلیون امریکایی در منزل یا جاهای دیگر به اینترنت متصل بودند. به سخن دیگر، ۳۱/۹ میلیون نفر طی ۲۰ ماه بر مشترکان اینترنت افزوده شده است. درصد اشخاص حقیقی بالای ۳ سال که از اینترنت استفاده می‌کنند، از دسامبر سال ۱۹۹۸ تا اوت سال ۲۰۰۰ یک سوم افزایش یافته و از ۳۲/۷٪ به ۴۴/۴٪ رسیده است.

اگرچه دسترسی به اینترنت بر اساس درآمد، آموزش، نژاد یا قومیت، سن و مکان

^۱. Bonder, Gloria, 2002, "From access to appropriation: Women and ICT policies in Latin America and the Caribbean," p. 11.

متغیر است، اما میزان دسترسی همه این اقشار افزایش یافته است. بدیهی است شمار خانوارهای با درآمد بسیار بالا که از اینترنت استفاده می‌کنند، بیش از دیگران است، اما شمار میزان اتصال از منزل در همه اقشار درآمدی همچنان روبه افزایش است. بیش از دو سوم مجموعه خانوارهایی که درآمدی بیش از ۵۰۰۰۰ دلار (سالانه) دارند، به اینترنت متصل شده‌اند. همچنین، اگرچه آنهایی که از سطح تحصیلی بالاتری برخوردارند، شانس بیشتری برای اتصال دارند، اما دسترسی در تمامی سطوح تحصیلی گسترش یافته است. با این همه، سیاهپوستها و اسپانیولی‌تبارها همچنان فاصله زیادی با سفیدپوستها و آسیایی‌تبارها و ساکنان جزایر اقیانوس آرام، چه از نظر دارا بودن رایانه چه از نظر اتصال به اینترنت دارند. در اوت سال ۲۰۰۰، سهم خانوارهای سیاهپوستی که دارای رایانه بودند، زیر ۱۸٪ میانگین ملی بود (یعنی ۳۲/۶٪ در برابر ۵۱٪ مجموعه خانوارهای امریکایی). همچنین، نسبت خانوارهای اسپانیولی‌تبار که دارای رایانه بودند (۳۳/۷٪) زیر ۱۷٪ میانگین ملی بود. به همین ترتیب، در اوت سال ۲۰۰۰، نسبت خانوارهای سیاهپوست و اسپانیولی‌تبار متصل به اینترنت تقریباً زیر ۱۸٪ میانگین ملی بود (یعنی ۲۳/۵٪ در میان سیاهپوستان و ۲۳/۶٪ در میان اسپانیولی‌تبارها، در مقابل ۴۱/۵٪ در مجموعه خانوارها در سطح ملی). نابرابری میان مردان و زنان در دسترسی به اینترنت تقریباً از میان رفته است. در دسامبر سال ۱۹۹۸، ۳۴/۲٪ از مردان و ۳۱/۴٪ از زنان در منزل خود اینترنت در اختیار داشتند. در اوت سال ۲۰۰۰، این نسبتها به ترتیب از ۴۴/۶٪ برای مردان و ۴۴/۲٪ برای زنان فراتر رفته بود.

در تحقیقی نشان داده شده است که نیمی از بزرگسالان به اینترنت دسترسی ندارند و همچنین، ۵۷٪ آنها حتی تمایلی به داشتن دسترسی ندارند^۱ این موضوع حکایت از آن دارد که شدت افزایش ارقام در سالهای اخیر چندان دوام نخواهد داشت.

Lenhart, A., 2001. *Who's Not On-line: 57 percent of Those Without Internet Access Say They Do Not Plan To Log On*. Washington, DC: Pew Internet and American Life Project. Available at <http://www.pewinternet.org/reports/toc.asp?Report=21>. Accessed June 20, 2003. See also <http://gender.cisclearning.org/bestpractices/northamerica/canada strategy.pdf>

۳۲٪ از کسانی که در حال حاضر دسترسی به اینترنت ندارند، اعلام کرده‌اند که احتمالاً درصدد دسترسی به آن نخواهند بود. بیشتر افراد بالای ۵۰ سال اظهار داشته‌اند که احتمالاً درصدد دسترسی نخواهند بود و بیشتر جوانها اعلام کرده‌اند که درصدد دسترسی خواهند بود. این تحقیق همچنین خاطرنشان ساخته است که ۵۴٪ از کسانی که به اینترنت متصل نیستند، بر این باورند که اینترنت خطرناک است، ۵۱٪ اظهار داشته‌اند که فکر نمی‌کنند بدون اینترنت چیز زیادی را از دست داده‌اند، ۳۹٪ هزینه اینترنت را بسیار گران دانسته‌اند و ۳۶٪ گفته‌اند که دنیای اینترنت مشوش‌کننده و برقراری ارتباط با آن دشوار است.

زنان کانادایی بیشتر از اینترنت استفاده می‌کنند و در حال حاضر، شمار زنان کاربر اینترنت بیش از مردان است (۵۱٪ در برابر ۴۹٪). در ژوئن سال ۲۰۰۱، شمار کاربران اینترنت ۱۴ میلیون نفر بود که ۳۱٪ آنها از خطهای پرسرعت در منزل برخوردار بودند. اگرچه میانگین تراکم ارتباطات در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری کمتر است، اما زیرساختهای لازم ارتباطات از راه دور برای استفاده روستاییان فراهم شده است. کاناداییهایی که نه به رایانه و نه به اینترنت دسترسی دارند چنین توجیه می‌کنند که وقت ندارند یا اینکه خدمات اینترنتی بسیار گران است. افزون بر این، ضعف محتویات موجود به زبان فرانسه (که ۴٪ مطالب اینترنتی را تشکیل می‌دهد) برای فرانسه‌زبانان که ۲۴٪ جمعیت کانادا را تشکیل می‌دهند، از موانع مهم برای کاربران بالقوه اینترنت در کانادا به شمار می‌رود.

در اروپا کشورهایی که از گذشته اقتصاد شکوفایی داشته‌اند و از زیرساختهای ارتباط از راه دور خوبی برخوردارند، سرمایه‌گذاری بالاتری در فناوری اطلاعات دارند؛ چیزی که موجب می‌شود شکاف میان اروپای شمالی (نظیر کشورهای دانمارک، سوئد و نروژ) و اروپای جنوبی (اسپانیا، یونان، ایتالیا و پرتغال) بیشتر شود. اعضای اتحادیه اروپا برنامه‌ای را به نام «برنامه اجرایی اروپای الکترونیک ۲۰۰۵» به اجرا گذاشته‌اند. این برنامه در نظر دارد که تا حد ممکن تمامی شهروندان اروپایی را از طریق منازل، مدارس یا در چهارچوب کاری به عصر دیجیتالی وارد کند. بر اساس این برنامه اجرایی، اتحادیه اروپا امیدوار است تا پایان سال ۲۰۰۵ خدمات عمومی مدرن اینترنتی را نظیر مدیریت، آموزش و خدمات بهداشتی الکترونیکی و تجارت پویای اینترنتی راه‌اندازی کند؛ این خدمات موجب برانگیختن انگیزش عمومی برای دسترسی به خطوط پرسرعت و با

قیمت رقابتی و ایجاد زیرساختهای امن برای اطلاعات خواهد شد.^۱ در مورد کشورهای که در دسترسی زنان به رایانه و اینترنت عقب مانده اند، اروپای الکترونیک ۲۰۰۵ در نظر دارد با خردمندانه تر ساختن سیاستهای جامعه اطلاعاتی جامعه اروپا، چشم اندازی حقیقی و پرامید ایجاد کند.

نخستین پژوهشهایی که در ایالات متحده انجام شده است^۲، نشان می دهد که از رایانه ها در منازل به منظور یادگیری، بازی، کار یا نگارش متون استفاده می شود. در امریکای شمالی و اروپای غربی، خدماتی نظیر خرید اینترنتی در نزد زنان سریع ترین رشد را دارا بوده است. در ایالات متحده، زنان ۵۸٪ از خریداران اینترنتی را در پایان سال ۲۰۰۱ تشکیل می دادند؛ که این شمار همچنان رو به افزایش است.^۳ بررسی چگونگی و تفاوت استفاده از اینترنت میان زنان و مردان نیز آموزنده است. در ابتدای سال ۲۰۰۲، زنان اروپایی به طور متوسط ۷ ساعت در ماه، در برابر ۱۰ ساعت در ماه برای مردان، از خدمات اینترنتی استفاده می کرده اند. زنان بیشتر برای امور روزمره از این خدمات استفاده می کنند: اموری همچون خرید (به ویژه مواد غذایی)، برنامه ریزی برای سفر و بررسی حسابهای بانکی. مردان نیز افزون بر استفاده های یاد شده، از این خدمات برای جستجو، سرگرمی و خرید نرم افزارها نیز بهره می جویند.^۴ این تفاوتها وجود نابرابری بسیار زیاد میان زنان و مردان را نشان می دهد: زنان به دلیل برعهده

^۱ See

<http://www.tiaonline.org/policy/regional/europe/eEurope2005.pdf>

^۲ National Science Foundation. 2001a. *The Application and Implications of Information Technologies in the Home: Where are the Data and What Do They Say?* Arlington, VA: National Science Foundation, Division of Science Resources Studies.

Available at <http://www.nsf.gov/sbe/srs/nsf01313/exec.htm>.

^۳ Pew Internet and American Life Project 2002. "Women surpass men as e-shoppers during the holidays."

Holiday 2001 Report. www.pewinternet.org/reports/pdfs/PIP

^۴ Jupiter MMXI, March 2002, "European Women Know What They Want From the Web".

<http://ukjupitermmxi.com/xp/uk/press/releases/pr032102.xml>

داشتن مسئولیتهای خانوادگی و مربوط به منزل وقت آزاد کمتری دارند.

کشورهای عربی

ثروتمندترین کشورهای عرب ثروت خود را مدیون نفت هستند؛ اما این یک روی سکه است. پولهای نفت همواره به صورت تولیدی در کشور دوباره سرمایه‌گذاری نمی‌شود، تا چه رسد به سرمایه‌گذاری در منطقه. تا هنگامی که این درآمدها همچنان به سرمایه‌های فیزیکی تبدیل شوند، کمک زیادی به رشد نخواهد کرد، چرا که اثربخشی آن ضعیف خواهد بود.^۱ راهبرد توسعه اقتصادی منطقه که تقریباً به طور انحصاری در بخشهای با کیفیت پایین و بهره‌وری اندک هزینه می‌شود، باید به سوی فعالیتهایی هدایت شود که از کارکنان با مهارت بالا و آموزش سود می‌برد. تحقق این هدف مستلزم استفاده بیشتر از رایانه و دسترسی به اینترنت، حمایت فزاینده از آموزش و بهبود نظامهای آموزشی و وارد ساختن زنان عرب به بازار کار است.

از منظر توسعه انسانی، تفاوت چشم‌گیری میان دولتهای عرب وجود دارد. در واقع، این منطقه محل هم‌زیستی افراطها و تفریطهاست. کویت که در سال ۲۰۰۲ از نظر شاخصهای جهانی توسعه انسانی در رأس کشورهای عرب قرار داشت، تقریباً در سطحی پایین‌تر از کاناداست؛ کانادایی که بارها رده نخست را به خود اختصاص داده است. در سوی دیگر، جیبوتی قرار دارد که بدترین نتایج را به خود اختصاص داده است و وضعیتی شبیه سیرالئون را دارد که در سال ۲۰۰۲ از نظر شاخصهای توسعه انسانی پایین‌ترین رتبه جهانی را کسب کرده است. تولید ناخالص ملی در این منطقه از ۲۶۰ دلار در یمن ۱۷۰۰۰ دلار در منطقه خلیج فارس (کویت و امارات متحده عربی) که فراوانی چاههای نفت، درآمد سرشاری را برای جمعیت اندک آن فراهم می‌کند، در نوسان است.^۲

^۱ UNDP. *Arab Human Development Report 2002: Creating Opportunities for Future Generations*, New York.

^۲ Hallouda, A. M. & Ghonaimy, A., 2000, "Arab Countries," in *World Communications and Informations, Report, 1999-2000*,

در درون کشورهای عربی، نابرابری میان ثروتمند و فقیر به اندازه دیگر مناطق نیست. در گزارش سال ۲۰۰۲ در مورد توسعه انسانی در جهان عرب آمده است که سیاستهای اجتماعی پیشین، همبستگی ذاتی فرهنگی، و سنت دستگیری از فقرا (از جنبه سیاسی یا مذهبی) موجب شده است که فقر بنیادی، به گونه‌ای که قابل مقایسه با دیگر مناطق باشد، شکل نگیرد. اما به هر تقدیر، کمبود ظرفیتهای انسانی در این منطقه به خوبی مشهود است و بیکاری در این منطقه به ۱۵٪ می‌رسد که بالاترین میزان بیکاری در مجموعه جهان در حال توسعه به‌شمار می‌رود.^۱ در بیشتر این کشورها، میزان بی‌سوادی بین ۲۰٪ تا ۵۰٪ است: ۶۵ میلیون عرب بزرگسال بی‌سواد هستند - که دو سوم آنها را زنان تشکیل می‌دهند - و ۱۰ میلیون کودک به مدرسه نمی‌روند. هر چند داده‌های سال ۱۹۹۵ خاطر نشان می‌سازد که با تحولات ایجاد شده در سطح مدارس ابتدایی برای تحت پوشش درآوردن آموزشی کودکان دختر و پسر، وضعیت سوآدموزی زنان و مردان بهبود خواهد یافت.^۲ در بسیاری از این کشورها، پوشش آموزشی دختران و پسران برابر بود و حتی در چند کشور پوشش دختران بیش از پسران بود.^۳

در بیشتر کشورهای عربی، ICT و به ویژه اینترنت حضوری کم‌رنگ دارد. در سال ۲۰۰۲، تنها ۰/۶٪ عربها از اینترنت استفاده می‌کرده‌اند که براساس داده‌های سال ۱۹۹۵، ۹۸٪ آنها را مردان تشکیل می‌دادند.

وجود شکاف دیجیتالی در میان کشورهای عرب دلایل چندی دارد: نبود سیاست ملی اطلاعاتی، ضعف سازمانهای منطقه‌ای، نبود چهارچوب اطلاعاتی عربی، سود اندک در چرخه مالی طرحهای اطلاعاتی که در یک زمان به سود نمی‌رسد، افزایش بودجه

<http://www.unesco.org/> UNESCO: Paris, Chapter 14.
[report/chap14.pdf](http://www.webworld/wcir/en/pdf/report/chap14.pdf)

See <http://www.undp.org/rbas/ahdr/PR2.pdf>.¹

². Though enrolment rates vary between 38 percent and 116 percent (in cases where the actual age distribution of pupils extends beyond the official school years).

³. Sources: UNDP 1998, *Human Development Report, World Bank 1997, World Development Report.*

کلان آموزشی که برای وارد کردن ICT در این سیستمها ضروری است و در نهایت، ضعف ارتباط میان زیرساختهای موجود^۱ در درون کشورهای عرب نیز چند عامل موجب ایجاد شکاف دیجیتالی شده است:

- زبان: اغلب محتویات اینترنت به زبان انگلیسی است که برای بیشتر ساکنان منطقه غیرقابل درک است؛
- شمار زیاد بی سوادان؛ و
- موانع فرهنگی که مانع کارکردن زنان در برخی از بخشهای خاص اقتصادی می شود.

جهان عرب خود را از خلاقیت و بهره‌وری نیمی از شهروندان محروم می کند. ۸ کشور منطقه کنوانسیون حذف هرگونه تبعیضی نسبت به زنان را نه تصویب و نه امضا کرده‌اند. زنان گرفتار نابرابری حقوق فردی و شهروندی هستند. چند کشوری که دارای مجلس ملی منتخب هستند، هنوز از پذیرش حق رأی دادن و انتخاب شدن برای زنان سرباز می‌زنند. از هر دو زن عرب، یکی توانایی خواندن و نوشتن ندارد.

فناوریهای نوین اطلاعاتی چشم‌اندازی وسیع را فراروی زنان عرب خواهد گشود؛ این چشم‌انداز شامل مشارکت در زندگی فعال و به دست آوردن نقششان در راه‌اندازی شکلهای نوین اقتصاد مبتنی بر فناوری است که توسعه آینده بدان بستگی خواهد داشت. گزارش سال ۲۰۰۲ در مورد توسعه انسانی در جهان عرب از این کشورها می‌خواهد که با حذف تبعیضهای جنسیتی، به بیکاری زنان پایان دهند و نابرابری جنسیتی موجود را در زمینه کیفیت و تناسب برنامه‌های آموزشی و آماده‌سازی زنان برای زندگی فعال از میان بردارند. البته، برای آنکه زنان بتوانند با کمک ICT و اینترنت میان خود ارتباط برقرار کنند، برنامه‌هایی در منطقه در دست اجراست. این برنامه‌ها در برگیرنده تبادل افکار برای حل مسئله نابرابری جنسیتی از طریق سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های کاربردی ICT در سطح ملی و منطقه‌ای است.^۲

اروپای مرکزی و شرقی

زنان در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی همواره از سطح آموزشی بالا و برابر با مردان

^۱. UNDP, *Arab Human Development Report 2002*, reports, cfm?view=600<http://hdr.undp.org/reports/detail>

See www.arabwomenconnect.org.^۲

برخوردار بوده‌اند. افزون بر این، از مدت‌ها پیش زنان به کار در خارج از منزل مشغول بوده‌اند و بخش وسیعی از تکنیسینها، دانشمندان و مهندسان این کشورها را به خود اختصاص داده‌اند (در سال ۱۹۹۸، زنان ۱۳٪ و مردان ۱۰٪ این گروه را تشکیل می‌دادند). سطح آموزشی نسبتاً بالای زنان در منطقه موجب شده است که بتوانند به خوبی در بخش ICT جای گیرند.

با وجود این، اقتصاد اروپای شرقی که از آزادسازی لجام‌گسیخته در ساختارهای مالی در دهه ۱۹۹۰ در رنج است، آثار ناگواری بر بیکاری زنان گذاشته است؛ تا آنجا که امروزه بیکاری زنان بیش از بیکاری مردان است. بخشی از نابرابری جنسیتی نوین از نابرابریهای حقوقی برمی‌خیزد که دولتهای سوسیالیستی اعمال می‌کرده‌اند و هرگز به خوبی تعریف نشده است. مردان و زنان این منطقه هرگز به صورت حقیقی به بحث درباره اصول برابری جنسیتی نپرداخته‌اند، و به دلیل نقشی که دولتهای کاملاً مقتدر ایفا می‌کردند، مدت‌ها محافظه‌کاری فرهنگی حاکم بر مردان پنهان مانده بود. اگرچه سیاستهای ملی به گونه‌ای مؤثر در بهبود زندگی زنان نقش داشته‌اند (در مقایسه با سرنوشت زنان در دیگر نقاط جهان در همان زمان)، در عین حال، زنان بر پایه‌ای برابر با مردان قرار نداشتند. زنان احساس می‌کردند که شرایط به طور کلی بهبود می‌یابد، اما برای به دست آوردن شغل بر اساس تجربه و سطح آموزشی با رفتاری نابرابر در محل کار و حقوقی پایین‌تر از سطح متوسط و از سطح مردان در تمامی رشته‌ها روبه‌رو بودند. دولتها نیز برای پذیرفته شدن در اتحادیه اروپا، به رعایت عدالت در رفتار و تدوین سیاستها و دستورالعملها بر اساس اصول و کنشهای مندرج در کنوانسیون CEDAW و سازمان ملل متحد تشویق شدند.^۱

ظرفیت زنان در دسترسی به ICT و استفاده از آن نیز دستخوش همان افتی شد که وضعیت شغلی‌شان در اقتصاد دهه ۱۹۹۰ با آن روبه‌رو بود. آنها به دلیل تحمل تازبانة اخراج، به سمت مشاغل سطح پایین‌تر رانده شدند و مجبور بودند با کاهش نقش خانوادگی و اجتماعی روبه‌رو شوند؛ همه اینها به پای فشاری بر پنداره‌های سنتی نسبت به نقش زنان افزوده شد. این عوامل دست به دست هم داد و به کاهش درآمد زنان، کاهش زمان برای مهارت‌آموزی در زمینه ICT و فضای اجتماعی نامناسب انجامید تا فرصت ایجاد شده توسط ICT از زنان سلب شود. در لهستان، زنان و دختران نسبت به سایر بخشهای منطقه امکان کمتری در استفاده از اینترنت دارند. برای مثال، استفاده آنها از اینترنت به مراتب پایین‌تر از دیگر کشورهای اروپای مرکزی و شرقی بوده است. زنان لهستانی تنها

<http://gender.cisolearning.org/bestpractices/europe/index.html>.^۱

۱۸/۷٪ از کاربران اینترنتی را تشکیل می‌دهند، حال آنکه شمار کاربران زن در جمهوری چک ۳۴٪، در مجارستان ۴۷٪ و میانگین آنها در کشورهای غربی ۴۱٪ است. مانند هر جای دیگر، جنسیت، شرایط جغرافیایی (مناطق شهری یا روستایی) نوع خانواده (مانند مادران تنها) و سن (مشکلات دسترسی زنان بالای ۴۰-۵۰ سال) از موانعی است که زنان در دسترسی به ICT با آن روبه‌رو هستند. این عوامل را دلایل زیر تشدید می‌کنند:

- عدم دسترسی ارزان به ICT که برای طبقات با درآمد پایین امکان‌پذیر باشد؛
 - شمار بسیار محدود نقاط عمومی دسترسی به اینترنت در منطقه؛ و
 - کمبود فرصتهای یادگیری فنون نوین (کمبود اطلاعات و حمایت برای درخواست اطلاعات)، ناکافی بودن شبکه‌ها و تلقی کردن ICT به مثابه بخش مختص مردان.^۱
- بیشتر کشورهای اتحادیه اروپا برنامه عملی خود را در زمینه سیاست اطلاعاتی به تصویب رسانده‌اند (یا در حال تدوین آن هستند). این برنامه‌ها شرایط بهره‌برداری از ICT را از سوی دولت‌ها در عرصه منطقه‌ای و دیگر بخشهای جامعه (بنگاهها، بخش خصوصی، اجتماعی، آموزشی، همراه با قوانین اداری، مقررات ارتباطات از راه دور، و حتی در برخی موارد سرمایه‌گذاریهای خارجی) تشریح می‌کند. این برنامه‌ها در کشورهای داوطلب پیوستن به اتحادیه اروپا نیز کم و بیش مطابق همین چهارچوب و برنامه اجرایی مصوب «اروپای الکترونیک» تدوین می‌شوند. در مجموع، مشارکت زنان به طور ویژه در این سندها ذکر نشده است. متأسفانه، بیشتر فعالان و سازمانهای زنان در این منطقه به سیاستها و مباحث جامعه اطلاعاتی حساس نیستند و شمار اندکی از آنها با شبکه‌های دفاع از زنان از طریق ICT در این زمینه (که در حال جهانی شدن است یا دست کم در برخی از مناطق آسیا و افریقا پر قدرت هستند) ارتباط دارند. به دلیل کمی دسترسی به اطلاعات، زنان منطقه در سازمانهای ملی که درصدد برگزاری اجلاس سران در مورد جامعه اطلاعاتی هستند، حضور اندکی دارند.

Summary Report: "Building a Gender Sensitive Information Society," European Preparatory Ministerial Conference for the World Summit on the Information Society Bucharest, Romania, <http://www.undp.sk/uploads/bucharest7> November 2002, gender side event.pdf)

سیاستهای مربوط به ICT که مسئله برابری جنسیتی و راهاندازی زیرساختها را برای دفاع از آرمانهای پیگیری می‌کنند، به دلیل فقر داده‌های مربوط به شرایط واقعی زنان در ICT بسیار محدودند، چرا که داده‌های مربوط به جامعه اطلاعاتی در این کشورها نه به سادگی به دست می‌آیند و نه چندان روایی دارند و نه براساس جنسیت تدوین شده‌اند. کیفیت و روایی داده‌های ICT که از سوی بنگاههای گوناگون ارائه می‌شوند، بسیار متفاوت است. این داده‌ها اغلب دست دوم هستند و از منابعی به دست می‌آیند که چندان قابل بررسی نیستند و یا اینکه صرفاً برآوردی و تخمینی هستند. این مسائل موجب می‌شود که تصویری گنگ و غیرمنسجم از امکانات و دسترسی و چگونگی استفاده و مشارکت زنان در بخش ICT (یا به سخن دیگر، از جامعه اطلاعاتی) ارائه شود. در نتیجه، بدیهی است که در سراسر جهان دسترسی زنان به ICT به دلایلی به مراتب فراتر از مسائل زیرساختی فناوری و زیست‌بوم اجتماعی - اقتصادی محدود شود. نقشهایی را که جامعه، فرهنگ و روابط میان این دو، میان دو جنسیت تقسیم می‌کند، تنها بر روی کیفیت، توان تحرک و زمان آزاد زنان تأثیر نمی‌گذارد؛ بلکه بر روی درک نیازها و اولویتهای کاربران، درک از سخت‌افزارها و نرم‌افزارها، مکان نقاط دسترسی و کارکنان آنها و بر بسیاری از تصمیم‌گیریهایی که ظرفیتهای زنان و مردان را شکل می‌دهد تا به گونه‌ای برابر در جامعه اطلاعاتی مشارکت داشته باشند، تأثیر می‌گذارد. فصل بعدی به تحلیل نقش اساسی و فراگیر نابرابری میان زنان و مردان در مسائل عمده می‌پردازد. به هر تقدیر، چنانچه بخواهیم جامعه‌ای اطلاعاتی بر اساس اصول عادلانه و منصفانه ایجاد کنیم، باید این مسائل را حل کنیم.

۳. شکاف دیجیتالی میان مردان و زنان

برای زنانی که ابزار دسترسی به فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات و استفاده از آن را در اختیار دارند، مزایای واقعی زیادی وجود دارد. کلیت جامعه امکانات زیادی را از طریق ICT برای کاهش فقر، از میان بردن انزوای زنان، دادن حق سخن گفتن به آنان، بهبود مدیریت، و پیشبرد برابری جنسیتی به دست آورده است. این توان بالقوه تنها هنگامی قابل بهره‌برداری است که عوامل کنونی ایجادکننده شکاف دیجیتالی که باعث جدایی زنان و مردان شده است، شناسایی و اصلاح شوند.

دسترسی زنان به ICT تنها به اینکه زنان بتوانند از یک رایانه متصل به اینترنت استفاده کنند، پایان نمی‌یابد. مسائل بسیار مهم دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند در دسترسی یا عدم دسترسی زنان به فناوری تعیین‌کننده باشند.

به طور کلی، زنان به دلیل نقشهای زیست‌شناختی و اجتماعی، در اجتماعات خود ریشه‌دارتر از مردان هستند و بنابراین، از نیازهای اجتماع خود در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست بومی آگاه‌ترند. در بیشتر جوامع، حتی فقیرترین آنها، پیدایش ICT راه دسترسی به منبع مشترک جهانی دانش را می‌گشاید تا آنجا که کاربران بالقوه به زیرساختهای مناسب دست می‌یابند و از کیفیتهای مورد نیاز برخوردار می‌شوند. به عنوان مثال، اطلاعات قابل دسترسی بر روی اینترنت در مورد بهداشت تولید مثل، می‌تواند شمار زیادی از زنان (و مردان) را که در آسیا و آفریقا در معرض خطر ابتلا به ایدز هستند، نجات دهد یا درمان کند.

موانع اجتماعی – فرهنگی و نهادی

موانع اجتماعی – فرهنگی دربرگیرنده عواملی است که به‌گونه‌ای ظریف یا آشکار مانع از سخن و رفتار برخی گروهها می‌شود یا آنها را سانسور می‌کند یا برخی گروهها را از برخی فعالیتها که «از آنها به شمار نمی‌رود» محروم می‌کند. در ارتباط با ICT، این عوامل می‌توانند پیش‌فرضهایی در مورد ماهیت و نقش فناوری و ماشین و همچنین فرصت دسترسی یا عدم دسترسی یا حتی نگرانیهای ناشی از شاخصهای اجتماعی هویت نظیر جنسیت، نژاد، سن و غیره باشند.

زنان، در مجموع، نسبت به مردان دسترسی کمتری به ICT دارند؛ البته در صورتی

که وجود داشته باشد. مشارکت زنان در جامعه اطلاعاتی با موانع پنهان بی‌شماری روبه‌روست.

زنان اغلب برداشت مبهمی از فناوری و ماشینها دارند. همواره این باور اجتماعی وجود داشته است که ماشینها و فناوری، قلمروی مردانه و غیرزنانه است؛ باوری که موجب ایجاد پیش‌داوری جنسیتی در برداشتها و چگونگی استفاده از فناوری اطلاعات شده است. دختران با ورود به مدرسه، به طور خودآگاه یا ناخودآگاه، بر اثر پیش‌داوریهای والدین و معلمان از مطالعه علم و فناوری روی‌گردان می‌شوند. «جدایی» مداوم دختران و زنان در سراسر سیستم آموزش رسمی علم و فناوری، از ابتدایی گرفته تا پستهای تصمیم‌گیری. به مثابه «لوله‌ای که آب از آن نشت می‌کند» قلمداد شده است.^۱ در برخی کشورهای آفریقایی و حوزه اقیانوس آرام، دختران بیشتر به ازدواج و یافتن شغل ترغیب می‌شوند تا ادامه تحصیلات. تصمیم والدین مبنی بر سرمایه‌گذاری برای ادامه تحصیل پسران اغلب به زیان دختران تمام می‌شود و از آنها اغلب خواسته می‌شود که در همه یا بخشی از روزهای تحصیلی در کارهای خانه مشارکت کنند.

پدیده «لوله سوراخ» بدین معنی است که شمار اندکی از زنان به قلمرو علم و فناوری وارد می‌شوند؛ پدیده‌ای که موجب می‌شود شمار زنان در مشاغل علمی، آموزش عالی، پژوهش و توسعه و پستهای تصمیم‌گیری در زمینه ICT کاهش یابد. پیش‌داوریها نسبت به زنان در فرهنگ نهادهای دانشگاهی و پژوهشی سبب کاهش میزان مشارکت زنان در این نهادها خواهد شد. زنان برای رسیدن به جایگاهی مناسب در مشاغل علمی و فناوری با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند. آنان کمتر ارتقا می‌یابند و شانس کمتری نیز برای پستهای مدیریتی دارند.

عوامل اجتماعی پدیدآورنده این تفاوت‌های جنسیتی را در چرخه‌های نهادی و چرخه‌های غیررسمی به وجود می‌آورند. در برخی از جوامع، هنجارهای فرهنگی در تقابل با تعامل میان زنان و مردان در بیرون از خانواده قرار دارد و همچنین مانع از تشویق مشارکت زنان می‌شود. حتی در کشورهایی که مردان و زنان روابط آزادانه‌ای دارند، زنانی که قصد یادگیری استفاده از رایانه را دارند - به‌ویژه افراد مسن‌تر - چنانچه مردی مسئولیت مهارت‌آموزی به آنها را بر عهده داشته باشد، احساس ناراحتی می‌کنند. بنابراین، ضروری است که با مد نظر قرار دادن این موانع فرهنگی - اجتماعی

Huyer, Sophia 2002. "The Leaky Pipeline: Gender Barriers in Science, Engineering and Technology."
www.worldbank.org/gender/digitaldivide/g&dd.ppt

و نهادی، به گونه‌ای به طراحی خدمات بپردازند که موجب تشویق زنان به استفاده از آنها شود.

دسترسی، مهارت و استفاده واقعی

زنان در استفاده از ICT، در دسترسی و مهارت، شرایط مساوی با مردان ندارند. منظور از دسترسی ظرفیت استفاده از فناوری و محتوای اطلاعات و دانشی است که این فناوریها مهیا می‌کنند. منظور از مهارت توانایی تصمیم‌گیری در چگونگی استفاده از ICT و اینکه چه کسی می‌تواند به آن دسترسی داشته باشد، است. استفاده واقعی به معنای توانایی راهبردی زنان و دختران در استفاده از ICT است؛ به گونه‌ای که به دستیابی به اهداف توسعه اجتماعی بینجامد.

شکاف گسترده‌ای در دسترسی زنان و مردان به زیرساختهای ارتباطات از راه دور وجود دارد. زیرساختها در مناطق شهری متمرکزند در حالی که بیشتر زنان جهان در حال توسعه، به ویژه در آفریقا، در مناطق دور دست روستایی زندگی می‌کنند. به سادگی می‌توان گفت هر جا که فناوری وجود ندارد، زنان نمی‌توانند به آن دسترسی داشته باشند.

استقرار زیرساختها گزینه‌های مختلفی را همچون مکان استقرار، ماهیت و انتخاب فناوریها، هزینه و نرخ‌گذاری خدمات ایجاد می‌کند. برعکس، چنانچه تصمیم‌گیرها در مورد جایگاه، انتخاب فناوری و هزینه‌ها آشکارا فراهم ساختن دسترسی زنان را در مناطق دورافتاده و روستایی مدنظر قرار ندهد و تنها موجب تجهیز مناطق شهری و خدمات و فناوریهای ارتباطاتی پیشرفته و پرهزینه شود، زنان دسترسی کمتری نسبت به مردان خواهند داشت.

«مشکل آفریقا این است که مسئله زیرساخت ارتباطی به هویت جنسیتی کاربران بستگی دارد. در حال حاضر، شکافی مردان و زنان را در دسترسی به ارتباطات، از یکدیگر جدا می‌سازد. زیرساختها در مناطق شهری متمرکز شده‌اند، در حالی که شمار زیادی از زنان در مناطق روستایی سکنی دارند [...] چنانچه [تصمیم‌گیری در مورد انتخاب فناوری یا اطلاعات] به نفع مناطق شهری و فناوری پیشرفته گرفته شود، شمار اندکی از زنان بدان دسترسی خواهند داشت. پیش از ایجاد زیرساختها، سیاست‌گذاری لازم است. مدافعان آرمانهای زنان باید در تدوین سیاستهایی که معمولاً در آنها حضور ندارند، مشارکت داده شوند... باید همواره از خود بپرسیم که آیا زیرساختی که انتخاب می‌شود، دسترسی اکثریت زنان را فراهم می‌کند یا خیر. دسترسی فراگیر به

زیرساختها، مسئله داغی در برابری جنسیت است.^۱

شکاف ایجاد شده را مسائل زیرساختی چنان تعمیق می‌کند که از مرزهای ملی فراتر می‌رود. در کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته، یک سوم مردم جهان هرگز حتی یک بار از تلفن استفاده نکرده‌اند و کمتر از یک پنجم آنها استفاده از اینترنت را تجربه کرده‌اند. این ارقام به خوبی بیان‌گر فقر ارتباطاتی است که معمولاً افراد فقیر و به ویژه روستاییان کشورهای مختلف از آن در رنج‌اند؛ یعنی جاهایی که شمار زنان فزاینده‌تر است.

توانایی زنان برای استفاده از اطلاعات و دانش به عوامل بی‌شماری از جمله سوادآموزی و آموزش، شرایط جغرافیایی (شمال یا جنوب، شهری یا روستایی) و طبقه اجتماعی وابستگی دارد. بنابراین، به تدریج که انقلاب اطلاعات توسعه می‌یابد و مراجعه به اینترنت شتاب می‌گیرد، آنها که دسترسی ندارند، بر محرومیت‌شان افزوده می‌شود. در حال حاضر، به خوبی می‌دانیم که صرف اتصال کافی نیست و دانش و وسیله به کار گرفتن مؤثر اطلاعات نیز اهمیت زیادی دارند. از انتقادهایی که به برنامه‌های توسعه ICT می‌شود، این است که همه تلاشها حول محور دسترسی به فناوری و منابع اطلاعاتی گرد آمده است، گویا که این تلاشها می‌تواند مسائل توسعه اجتماعات را حل کند. در حقیقت، نوآوریهای در زمینه ICT، چنانچه به طور همزمان اطلاعات قابل استفاده و صحیحی را در اختیار مخاطبان خود قرار ندهند و چنانچه این مخاطبان (زنان و مردان، دختران و پسران) توانایی لازم را برای بهره‌برداری از آنها نداشته باشند، آن تأثیرات نمی‌تواند جنبه واقعی به خود بگیرد.

ICT می‌تواند اطلاعاتی مناسب و مفید را (نظیر قیمت‌های بازار برای زنانی که مدیریت بنگاهی کوچک را برعهده دارند) فراهم کند. این مزیت تنها یکی از میلیونها زنجیره بلند منابع لازمی است که به توسعه پایدار می‌انجامد. هنگامی که جاده‌ای در کار نیست، وسایل آمدو شد (حمل و نقل)، اعتبار یا دیگر ابزار توسعه وجود ندارد، در اختیار داشتن یا نداشتن ICT تأثیر اندکی دارد. بنابراین، نکته مهم این است که به موازات استقرار خدمات ICT، خدمات پایه‌ای و اطلاعاتی هم ایجاد شود تا زنان و مردان بتوانند از اطلاعات و دانش تازه به دست آورده خود بهره‌برداری کنند.

چگونگی استفاده از ICT در کشورهای در حال توسعه نیز حکایت از نابرابری جنسیتی دارد. مطالعات نشان داده است که بیشتر زنان این‌گونه کشورها بسیار کم از

Interview with Nancy Hafkin, www.developmentgateway.org.¹

ICT بهره می‌گیرند و تنها به نامه الکترونیکی و ایجاد شبکه بسنده می‌کنند. استفاده از ICT را عواملی نظیر هزینه، سرعت پایین و کمبود مهارت‌های فنی محدود کرده است. تاکنون شمار اندکی از زنان آفریقایی از ICT برای فعالیتهای تجاری، سرگرمی، یادگیری یا به دست آوردن اطلاعاتی مربوط به کیفیت زندگی خود و خانواده‌شان (همانند بهداشت و تغذیه) استفاده کرده‌اند.

آموزش، مهارت‌آموزی و مهارت‌یابی

دوسوم از ۸۷۰ میلیون بی‌سواد جهان را زنان تشکیل می‌دهند و در این میان، پایین‌ترین میزان سوآدآموزی زنان به ۱۳ کشور آفریقایی تعلق دارد. در برخی از کشورهای آفریقایی، کمتر از ۳۰٪ مردم به زبان محلی سوآد می‌آموزند.

زنان در تمامی سنین برای ادامه تحصیل خود با مشکلاتی روبه‌رو هستند، این مشکلات عبارت‌اند از: کمبود وقت برای شرکت در کلاسها به دلیل مسئولیتهای خانوادگی و خانگی؛ و همچنین باورهای اجتماعی - فرهنگی که آموزش دختران را کم‌اهمیت‌تر از آموزش پسران تلقی می‌کند. اگرچه نابرابری جنسیتی در دستیابی به آموزش در سالهای اخیر در سطوح ابتدایی و متوسطه رو به کاهش می‌رود، اما همچنان دختران ۶۰٪ از ۱۰۰ میلیون کودک لازم‌التحصیل جهان در حال توسعه را تشکیل می‌دهند که بدون دسترسی به آموزش به زندگی ادامه می‌دهند. ۹۵٪ از این کودکان که دسترسی به آموزش ندارند، در کشورهای آفریقایی حاشیه صحرا، آسیای جنوبی و کشورهای عربی زندگی می‌کنند. در ۳۵ کشور جهان - که ۱۸ کشور آن در آفریقا در حاشیه صحرا و بقیه در آسیا و کشورهای عربی قرار دارند - دستیابی دختران به تحصیلات در سطح متوسطه، دست کم ۶٪ پایین‌تر از پسران است. در اروپای مرکزی و شرقی، دختران در دستیابی به آموزشهای ابتدایی و متوسطه مشکلی ندارند. در این کشورها، ورود به آموزش عالی به دلیل هزینه‌های بازدارنده آن و آموزش در زمینه‌های ICT مسئله ایجاد می‌کند.

سوآدآموزی، مهارت‌زبانی و توانایی در زمینه انفورماتیک و اطلاعات از مهارتهای پایه‌ای هستند که دستیابی به آنها می‌تواند مسیر مشارکت ICT را در توسعه هموار سازد. زنان و دختران شانس کمتری در کسب این مهارتها دارند و در نتیجه، از فعالیتهای انجام شده در سطح محلی محروم باقی می‌مانند. با توجه به برتری زبان

انگلیسی در اینترنت (هرچند که رفته رفته تغییراتی در آن به وجود می‌آید)، زنان و دختران شانس کمتری در آشنایی با زبانهای بین‌المللی مورد استفاده بر روی اینترنت دارند. فزونی زنان در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه موجب شده است که آنان نسبت به مردان شانس کمتری در دستیابی به رایانه‌ها - که اغلب در مناطق شهری متمرکز شده‌اند - داشته باشند. درک اطلاعات بیش از هر چیز به منزله توانایی ارزیابی و مقایسه منابع گوناگون اطلاعاتی و به‌کارگیری نتایج در شرایط واقعی است. از آنجا که زنان در کشورهای در حال توسعه در انزوا قرار گرفته‌اند و تجربه کمی دارند، نسبت به مردان امکانات کمتری را در دست آوردن این ظرفیتها دارند. اگرچه در طرحهای مربوط به ICT از نرم‌افزارهای ویژه زنان بی‌سواد استفاده می‌شود، اما این پروژه‌ها موردی و اندک هستند و اجرای آنها نسبتاً پرهزینه است.^۱

سوادآموزی و آموزش پایه برای دختران و زنان از دل مشغولیهای اصلی یونسکو است. در پی همایش جهانی آموزش (داکار، ۲۰۰۰)، یونسکو ۶ هدف اصلی را که دربرگیرنده کاهش ۵۰ درصدی بی‌سوادی زنان و حذف نابرابری میان دختران و پسران در آموزش ابتدایی و متوسطه است، برای سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ دنبال می‌کند. تلاشها برای تسهیل دسترسی زنان و دختران در آموزش فنی - حرفه‌ای و علمی نیز تشدید شده است.

محتواها و زبانها

در سده بیست و یکم، بیشتر جمعیت جهان در برابر اینترنت خاموش مانده است، در حالی که صدای ثروتمندان و قدرتمندان - که بیشترشان مردان هستند - بر این ابزار نوین حاکمیت دارد. محرومها عبارت‌اند از: زنان کشورهای غیر انگلیسی زبان، اقلیتهای مذهبی و ایدئولوژیک تمامی کشورها، فقیرهای کشورهای فقیر و ثروتمند و بیشتر

^۱ Hafkin, Nancy, 2002, "Gender Issues in ICT Policy in Developing Countries; An overview", paper delivered at the UNDAW Expert Group Meeting on Information and Communication technologies and their impact on and use as an instrument for the advancement and empowerment of women, Seoul, Korea, Nov 2002.

کودکان جهان. خواصی که خدمات اینترنتی را در اختیار دارند، قادرند به اطلاعات و افرادی دسترسی داشته باشند که به گونه دیگر، شناسایی آنها ممکن نبود. در سطح فردی، کاربران اینترنت ثروت اندوزی می کنند. اما نبود محتویات متنوع به این معناست که به عنوان جامعه‌ای جهانی، ما فقیرتر می شویم.

سلطه مردان غربی - که اساساً در کشورهای توسعه یافته شمالی می‌زیند - در شمار کاربران، تصمیم گیران و تولیدکنندگان محتویات موجود بر روی اینترنت این مسئله را آشکار می‌سازد که بدانیم چه نوع محتویاتی بر روی اینترنت بیشتر وجود خواهد داشت و افزون بر آن، به طور کلی، چه الگوهای زنانه‌ای در سپهرهای مجازی نظیر، بازیهای ویدئویی و واقعیت مجازی برتری خواهند یافت.

از دلایل اصلی مراجعه اندک زنان به مراکز ارتباط از راه دور در آفریقا، زبان و محتویاتی است «که با آنها سخن نمی‌گویند».^۱ یعنی «چگونگی اظهارنظر» بیش از ناآشنا بودن به زبان خارجی مطرح است. با وجود این، برای بسیاری از زنان ناآشنایی کافی به یک زبان بین‌المللی از مشکلات جدی است که حتی زنان آموزش دیده اروپای شرقی، امریکای لاتین و آفریقای فرانسوی زبان را از مزایای ICT محروم یا محدود می‌کند. بیشتر زنان فقیر جهان به زبانی غیر از زبانهای حاکم بر اینترنت - انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ژاپنی و چینی - سخن می‌گویند.

افکار، دانش، تجربیات و دل مشغولیهای زنان چندان در اینترنت بازتاب نیافته است زیرا کلیشه‌های جنسیتی بر آن حاکمیت دارند. محتویات برآمده از جنسیت‌گرایی و به طور کلی شیوه معرفی زنان در رسانه‌ها بی‌آنکه نیازهای زنان را برای ساختارمندسازی و توسعه افکار و دانشهای خاص خودشان بسنجند و اطمینان حاصل کنند که به خوبی در رسانه‌ها حضور دارند، مشکل‌ساز هستند. ماریسا ریوس^۲، در مورد فقدان آرای زنان در گفتمان ژاپنیست و مبارزه افراد بومی

^۱ Morna, Colleen Lowe and Khan, Zohra 2000. *Net Gains: African Women Take Stock of Information and Communication Technologies*. Association for Progressive Communications/FEMNET.
Marisa Rius^۲

چیاپاس^۱ در مکزیک چنین یادآور می‌شود:

برخی روش‌شناسیها چنین تحلیل می‌کنند که گویا گفتمان زاپاتیست به مفهوم رویگردانی از سپهر مجازی و تلقی آن به مثابه ویران‌سازی یا یک ابرایدئولوژی است... اما در مورد سکوت زنان چه می‌توان کرد؟ چگونه می‌توان در قبال عدم حضور زنان در برنامه‌های ملی، گفتمانهای ملی‌گرایانه و فناوریهای فراملی سربرافراشت؟ مبارزه بر سر ماهیت اینترنت نه پایان یافته نه به شکست انجامیده است. زنان و طرحهای فمینیستی که بر روی اینترنت وجود دارند و می‌کوشند تا استقلال دوجنسیت را تعالی بخشند، می‌پرسند که این سکوت در چه مرحله‌ای است و چه درمانی برای آن مناسب است. طرحهایی که به مسائل دستیابی زنان می‌پردازند و در پی ایجاد و مبادله مفاهیم مربوط به آرمان زنان هستند، در حال افزایش است. برخی از زنان در این زمینه هشدار می‌دهند:

فناوری ابزاری است که ارزش آن به اندازه اطلاعاتی است که به همراه می‌آورد. لازم است که به طور مداوم مراقب محتویات آن باشیم [که متنوع و مناسب باشند]. نباید سرمست از ارسال اطلاعات در فضای مجازی بود و فراموش کرد که این اطلاعات واقعاً تأثیراتی ایجاد می‌کنند. واسطه را نمی‌توان پیام انگاشت.^۲

برای افزایش دسترسی زنان به ICT و استفاده بهینه از آن، باید زمان و منابع فراوانی را در سطح محلی برای تولید محتوا صرف کرد. نوآوریهای ICT تنها با کوشش برای «اتصال» زنان و دیگر گروههای حاشیه‌ای و بدون در نظر داشتن نظامهای اندیشه‌ای، دانشهای محلی و محتویات آنها به اهداف خود دست نخواهند یافت. این رویکرد گمراه‌کننده موجب فرورفتن هر چه بیشتر افراد حاشیه‌ای در نقش خود به مثابه مصرف‌کننده اینترنت و اطلاعات و به فراموشی سپردن دانشهای محلی‌ای می‌شود که می‌تواند برای آنان مفید واقع شود. بنابراین، لازم است کوشید که زنان و فقیرها را به مثابه تولیدکننده اطلاعات انگاشت و مهارتهای مناسبی را به آنها آموخت تا امکان گردآوری، تدوین و انتشار دانش محلی و مبتنی بر شناختی درونی از نیازهای محلی به

Chiapas.¹

Bray-Crawford, Kekula P., 1999, "The Ho'Okele netwarriors ² in the liquid continent," in Harcourt, Wendy (ed.), *Women@Internet: Creating new cultures in cyberspace*. SID in association with Zed Books and UNESCO, p. 166.

اطلاعات - به ویژه اطلاعات مربوط به زنان - فراهم شود. این گونه اطلاعات برای جوامع محلی در رویارویی با چالشهای روزمره بیش از اطلاعات «بیگانه» موجود بر روی اینترنت می‌توانند مفید واقع شوند.^۱

هرزه‌نگاری، قاچاق زنان، خشونت و سانسور

هنگامی که به تحلیل محتوای رسانه‌های نوین اطلاعات و ارتباطات می‌پردازیم، وضعیتی را درمی‌یابیم که در آن اغلب بیان مردانه و مجموعه‌ای از نمادهای جنسیتی و جنسیت‌گرا حاکمیت دارد. هرزه‌نگاری از طریق نشریات انفورماتیک، گویشهای مبتدل و رکیک و روسپی‌گری بسیار رواج دارد. برآورد می‌شود که ۱۰٪ از تجارت اینترنتی به شکل کتاب، نمایش ویدئویی، عکس و گفتگو و مانند اینها جنبة جنسی دارد. نوآوریهای فنی موجب تسهیل بهره‌برداری جنسی از زنان و کودکان می‌شود، چرا که باعث خرید، فروش و مبادله آسان میلیونها تصویر و نوار ویدئویی از این نوع می‌شود. این فناوریها موجب می‌شوند که شکارچیان خسارت به بار آورند یا از زنان و کودکان به گونه‌ای مؤثر و گمنام بهره‌برداری کنند. با توجه به گستره بازار هرزه‌نگاری بر روی وب و رقابت در میان سایتها، تصاویر هرزه‌نگاری بی‌رحمانه‌تر، خشن‌تر و منحط‌تر شده‌اند.^۲ هزینه اندک دسترسی به فناوریها این امکان را برای کاربران فراهم می‌آورد تا به انجام چنین فعالیتهایی در خلوت منزلهای خود روی آورند.^۳

نکته نگران‌کننده‌تر، استفاده از اینترنت به مثابه ابزاری برای فحشا و خرید و فروش

¹ UNDP Evaluation Office 2001, "Information Communications for Development," in *Essentials: Synthesis of Lessons Learnt*, No. 5 [web.pdfwww.gipiproject.org/practices/essentials5](http://www.gipiproject.org/practices/essentials5), Rich, Frank, "Naked Capitalists," N. Y. Times Magazine, May 20, 2001.

³ Hughes, Donna M., 2002, "The use of new communications and information technologies for sexual exploitation of women and children," *Hastings Women's Law Journal*, Vol 13:1, http://www.uri.edu/artsci/wms/hyghes/new_tech.pdf.

(قاچاق) زنان است. برآورد شده است که در سال ۱۹۹۵، ۱/۸ میلیون زن و دختر قربانی این خرید و فروش غیرقانونی شده‌اند و شمارشان رو به فزونی می‌رود. از اینترنت به گونه‌های مختلف برای تشویق و تقویت بهره‌برداری جنسی و قاچاق زنان استفاده می‌شود. قاچاقچیان با تبلیغ بر روی اینترنت از مردان کشورهای صنعتی برای سفر به جهان فحشا دعوت می‌کنند. به این ترتیب، مردان برای ملاقات و خرید خدمات دختران و زنان بدکاره به کشورهای فقیر سفر می‌کنند. قاچاقچیان که در کشورهای حوزه بالتیک زنان را به کار می‌گیرند، از وب برای عرضه شغل‌های فریبنده در اروپای غربی (نظیر خدمتکار یا پرستار بچه) استفاده می‌کنند. اطلاعات در مورد محل و روش یافتن دختران و زنان بدکاره در تمامی جهان بر روی سایتهای تجاری و بنگاههای خبری غیر تجاری پخش می‌شود.^۱ در سال ۲۰۰۱، شورای اروپا برای مطالعه اثرات فناوریهایی نوین اطلاعاتی بر روی خرید و فروش انسانها به منظور بهره‌برداری جنسی یک گروه کاری تشکیل داد. شماری از سازمانها که به بررسی مسئله قاچاق زنان پرداخته‌اند، در هشدار دادن به استفاده از اینترنت برای قاچاق زنان و کودکان و انفجار هرزه‌نگاری مشارکت کرده‌اند. سازمانهای زنان باید با آگاهی از این که قاچاقچیان و حرفه‌ایهای هرزه‌نگاری فعالیتهای خود را بر روی اینترنت منتقل کرده‌اند، و با آگاهی از مشکلی که این موضوع ایجاد می‌کند، از دولتها بخواهند که اقداماتی برای مبارزه با این نوع قاچاق صورت دهند. از بحث‌انگیزترین مباحث مربوط به حقوق در اینترنت، موضوع آزادی بیان و سانسور است. برخی از سازمانها برای حذف هرزه‌نگاری در اینترنت و نظارت و سانسور بیشتر بر محتوای اینترنت، تا حدی به کارگیری نرم‌افزارهایی که بتواند تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان وسایل هرزه‌نگاری را ردیابی کند، پیش رفته‌اند. برخی دیگر از سازمانهای زنان برای نشان دادن خطر استفاده از اقدامات سانسورکننده که می‌تواند به راحتی به دیگر زمینه‌ها سرایت کند و موجب محدودیت آزادی بیان شود و به صورت گسترده‌ای از عرصه هرزه‌نگاری و قاچاق انسان فراتر رود، در صف نخست قرار گرفته‌اند.

Hughes, Donna M., 2001, "Globalization, Information Technology, and Sexual Exploitation of Women and Children," *Rain and Thunder-A Radical Feminist Journal of Discussion and Activism*, Issue#13, Winter 2001, <http://www.uri.edu/artsci/wms/hughes/globe.doc>

مقررات حقوقی باید به صورت گسترده‌ای تفسیر شود تا به دولت‌ها اجازه دهد تا در مورد آنچه که آنها خود اعمال «غیرقانونی» یا «آسیب‌زا» تلقی می‌کنند، تصمیم بگیرند. نکته مهم‌تر این است که زنان از این مسائل آگاه شوند و با هوشیاری در تدوین سیاست‌ها و عملیات توصیه‌ای از سوی بنگاه‌های دولتی و دیگر سازمانها مشارکت یابند. در این ارتباط، یونسکو مطالعات و طرح‌های هشداردهنده‌ای را برای مبارزه با قاچاق زنان و کودکان در منطقه آسیا و اقیانوس آرام آغاز کرده است و برای ایجاد شبکه «توقف قاچاق» در اروپای مرکزی و شرقی و همچنین در آسیای میانه با «انستیتیوی جامعه باز»^۱ همکاری می‌کند. در دسامبر سال ۲۰۰۲، یونسکو میزبان بخشی از جلسات یک همایش بین‌المللی در مورد آزادی بیان در جامعه اطلاعاتی بود که مباحث آن بر سه نکته تأکید داشت: امکانات نوین ایجاد شده برای آزادی بیان در سپهر مجازی، مقررات محتویات سپهر مجازی و موانع آزادی بیان در سپهر مجازی. شرکت‌کنندگان در این همایش در نتایج خود چنین بیان داشته‌اند:

بر ما لازم است در برابر وسوسه‌هایی مبتنی بر شیطانی نشان دادن اینترنت مقاومت کنیم. جرمهایی که بر روی اینترنت انجام می‌شود، جرمهای نوین و خاصی نیستند (به استثنای حملات هکرها)؛ بلکه صرفاً تکرار همان رفتارهایی‌اند که در زندگی اجتماعی یافت می‌شود و در رسانه‌های سنتی شناخته شده است. بنابراین، باید اینترنت را ابزاری در خدمت مردم‌سالاری تلقی کنیم و از زاویه ضعفهای واقعی یا فرضی به آن ننگریم.^۲

هزینه‌ها، زمان و قدرت تحرک

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه امکان اتصال، در سطح ملی و بین‌المللی، محدود است. این وضعیت را آمیزه‌ای از کمبودهای مختلف و خیم‌تر کرده است: کمبودهایی همچون در دسترس نبودن فیبر نوری، محدود و پر هزینه بودن ارتباط از طریق ماهواره و متمرکز بودن زیرساختهای ملی ارتباط از راه دور در شهرهای بزرگ.

^۱The Open Society Institute.

^۲ UNESCO, 2002, *Freedom of Expression in the Information Society*. Final Report. International Symposium, organised by the French National Commission in partnership with UNESCO, <http://www.itu.int/wsis>

در مناطق روستایی دورافتاده، ترکیبی از عواملی همچون تراکم کم جمعیتی، فقر، فاصله جغرافیایی با شبکه‌های ارتباطی و بازارهای موجود مانع تشویق سرمایه‌گذارهای کلان لازم برای گسترش زیرساختهای فنی می‌شود. این موانع فنی همراه با سیاستها و مقررات ارتباطات از راه دور که موجب تقویت انحصار دولت و محدود شدن رقابت می‌شود، نرخهای بسیار بالایی را برای خدمات رقم می‌زند که در نتیجه، به طور جدی اجتماعات فقیر و به‌ویژه زنان را از امید دسترسی به فناوریها و منافع آن باز می‌دارد.^۱ در بیشتر کشورهای در حال توسعه، هزینه تجهیزات و نرخ اشتراک استفاده از اینترنت چنان بالاست که استفاده از آن جز برای ثروتمندترینها ممکن نیست. نرخ ماهیانه دسترسی به اینترنت ۱/۲٪ درآمد متوسط ماهیانه کاربران در ایالات متحده، ۲۷۸٪ درآمد متوسط ماهیانه در نپال، ۱۹۱٪ درآمد متوسط ماهیانه در بنگلادش و ۶۰ درصد آن را در سری لانکا تشکیل می‌دهد. همچنین در سال ۲۰۰۱، قیمت ۲۰ ساعت ارتباط با اینترنت برحسب درصد تولید سرانه ناخالص در میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بسیار نابرابر بود. اگر این نسبت در سوئد ۰/۱۲ درصد بود، در مقابل در بنگلادش به ۸۱/۰۷ درصد می‌رسید.^۲ در حال حاضر، هزینه متوسط اشتراک اتصال به اینترنت از طریق تلفن برای ۲۰ ساعت در ماه در آفریقا تقریباً ۶۰ دلار امریکاست (بدون هزینه اشتراک تلفن).^۳ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی این رقم را برای ایالات متحده ۲۲ دلار (افزون بر هزینه اشتراک تلفن) در سال ۲۰۰۰ اعلام کرده است.

۱.

<http://www.unicttaskforce.org/groups/members/public.asp?cod tema menu=34>

۲. Kirkman, Geoffrey, (ed.), 2002, The Global Information Technology Report 2001-2002. Readiness for the Networked World. Oxford University Press,

data.pdfwww.cid.harvard.edu/cr/pdf/gitrr2002

۳. البته، هزینه اشتراک ISP بین ۱۰ تا ۸۰ دلار در ماه در نوسان است که بستگی به سطوح مختلف بازار، سیاستهای تعرفه‌ای اپراتوری مخابراتی، قوانین متفاوت خدمات بخش خصوصی و میزان دسترسی بین‌المللی به تجهیزات ارتباط از راه دور دارد.

با آنکه قیمتها در اروپا بالاتر (از آمریکا) است (۳۳ دلار آمریکا در آلمان، و متوسط اتحادیه اروپا ۳۹ دلار امریکاست)، در مقابل، درآمد سرانه آنها ۱۰ برابر بیشتر از متوسط سرانه درآمد در آفریقا است.^۱

در واقع، هر خدمت ارتباطی بهایی دارد. زنجیره‌ای از عوامل سبب می‌شود که زنان کمتر پولی برای خرید یک تلویزیون یا یک رادیو یا امکان دسترسی به آنها هنگامی که مایلند از آنها استفاده کنند، داشته باشند؛ به ویژه که فناوری خانگی در دست کس دیگری است (معمولاً پدر یا همسر). زنان همچنین کمتر امکانات لازم برای پرداخت خدمات اطلاعاتی را دارند؛ به ویژه هنگامی که دیگر هزینه‌ها (مواد غذایی، آموزش و جز اینها) در اولویت باشند.

افزون بر اینها، زنان نسبت به مردان فرصت کمتری را برای جستجو و ارتباط با ICT و گشت و گذار در اینترنت است. گزارشهای مربوط به چگونگی استفاده از اینترنت در برخی از کشورها نشان می‌دهد که زنان از ICT برای برقراری ارتباط (به ویژه از طریق نامه الکترونیکی) و بررسی حسابهایشان در بانک استفاده می‌کنند، در حالی که مردان وقت خود را با گردش در اینترنت، خرید نرم‌افزارها و خواندن روزنامه صرف می‌کنند. زنان با به دوش گرفتن سهم بیشتری از تلاشهای خانوادگی و مراقبت از کودکان، به طور کلی، زمان و گزینه‌های کمتری برای هزینه پولهایشان دارند. حتی دسترسی جمعی که اغلب به مثابه راه‌حلی برای گسترش اینترنت در جهان در حال توسعه به شمار می‌رود، فزاینده‌تر از امکانات مالی بسیاری از زنان است و نمی‌توان گفت که خواهند توانست به این خدمات حتی از طریق اتحادیه‌ها یا سازمانهای غیردولتی دست یابند. در کشورهای در حال توسعه، زنانی به اینترنت دسترسی دارند که اغلب به جمع کوچک دانش‌آموختگان حرفه‌ای تعلق دارند که از شبکه‌های ICT در محل کار خود استفاده می‌کنند.

تقریباً برای همه زنان، کمی وقت مسئله به شمار می‌رود. آنان نسبت به مردان فراغت کمتری برای استفاده از ICT، چه در منزل چه در محل کار یا مراکز عمومی اینترنت دارند. این مسئله هرچند برای زنان فقیر کشورهای در حال توسعه شدیدتر است، اما گریبان‌گیر جوامع ثروتمندتر نیز هست و می‌توان بازتابهای مهمی بر روی نوع محتویاتی داشته باشد که زنان آنها را مفید و با ارزش تلقی می‌کنند. از آنجا که خدمات در مناطق روستایی، در بیشتر مواقع، مشترک و عمومی است، چنانچه مسئله ساعت کار استفاده زنان را در نظر نگیرند و / یا چنانچه این خدمت در چهارچوبها یا مکانهایی

^۱. <http://www3.sn.apc.org/africa/afstat.htm>

ارائه شوند که زنان امکان یا عادت رفتن به آن مکانها را نداشته باشند، دسترسی زنان به ICT همچنان کاهش خواهد یافت. ارائه‌کنندگان خدمات عمومی دسترسی به اینترنت باید خود را با زمان استفاده زنان تطبیق دهند و ساعات کار خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که تضمین‌کننده دسترسی برابر کاربران مرد و زن شود.

در بسیاری از کشورها، امکان جابه‌جایی زنان بسیار محدودتر از مردان است. این محدودیتها برخاسته از رسمی است که تنها سفر کردن زنان را ممنوع می‌سازد، یا برآمده از الزامات خانوادگی است که مانع دور شدنشان از منزل می‌شود، یا ناشی از قیمت بازدارنده حمل و نقل عمومی یا خصوصی نامتناسب با درآمد زنان است (که به مراتب پایین‌تر از درآمد مردانی است که دارای همان سطح اجتماعی - اقتصادی‌اند). با توجه به عدم امکان اتصال به شبکه در مناطق روستایی، یعنی جایی که زنان ۷۰٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند، مشکل جابه‌جایی بسیار تعیین‌کننده است.

تبعیض میان زنان و مردان در اشتغال

ارتباطات و کار از راه دور فرصتهای اشتغال تازه‌ای را برای زنان به‌ویژه در صنعت خدمات فراهم می‌آورد. با وجود این، همچنان شاهد ادامه روند جاری تبعیض در بخشهای نسبتاً جوان هستیم. نگرشی کلیشه‌ای به مهارتها و ظرفیتهای زنان موجب شده که آنان مشاغلی همچون کار در بانک، ارتباطات از راه دور و بیمه را ترجیح دهند. مردان در مشاغل پردرآمدی همچون تدوین نرم‌افزارها یا «راه‌اندازی» اینترنت دیده می‌شوند، در حالی که زنان بیشتر در مشاغل کم درآمد و محدود به کارهای تکراری نظیر صندوق‌داری یا ثبت داده‌ها حضور دارند. با وجود این، برزیل، هندوستان و مالزی از کشورهایی هستند که زنان به کارهای کیفی برنامه‌ریزی یا تحلیلهای انفورماتیکی هم وارد شده‌اند، چرا که سیاستهای ملی این کشورها دختران و پسران را به تحصیل در علم و فناوری تشویق می‌کنند. اما بسیاری از این زنان به محافل مرفه تعلق دارند و شمارشان نیز اندک است.

استانداردسازی و کوچک‌سازی اجزای ارتباطات از راه دور موجب پیدایش اندیشه جداسازی دو مقوله طراحی (که در کشورهای موسوم به شمال انجام می‌شود) و تولید (که در کشورهای موسوم به جنوب انجام می‌شود) شده است. سازندگان بزرگ به این ترتیب توانسته‌اند محل تولید این قطعات را به کشورهای در حال توسعه انتقال دهند و از سطح پایین دستمزد نیروی کار بهره جویند. صنایع خدماتی نیز توانسته‌اند با استفاده از پیشرفتهای ارتباطات از راه دور به جابه‌جایی مشاغل با مهارت پایین و اغلب تکراری

(نظیر صدور فاکتور، مدیریت فیشهای پرداخت، حسابداری ابتدایی) به ایجاد پایگاههای کم‌هزینه‌تر بپردازند، جابه‌جاییهایی که موجب پیدایش کار از راه دور شده است. این عملیات اغلب در مناطق آزاد برخی از کشورهای در حال توسعه انجام می‌شود که در آنجا از قوانین حمایتی (یا اقدامات تشویقی) دولت‌ها برخوردار می‌شوند. در بسیاری از مناطق آزاد، نظیر جامائیکا^۱ یا باربادوس^۲ کارکنان حق تشکیل سندیکا ندارند.

توسعه ICT همچنین موجب تشدید نابرابریهای جنسیتی در تمامی بافتهای اجتماعی شده است. کار از راه دور که در منازل یا مکانهای دورافتاده انجام می‌شود، گاه به مثابه فرصتی برای زنانی تلقی می‌شود که دارای کودکان خردسال یا مخارج خانگی هستند. مشکل آنجاست که زنان دو نوع کار را انجام می‌دهند: کارهای حرفه‌ای و خانگی. گزارشها در مالزی و هندوستان نشان داده است که زنان، حتی آنها که دارای مهارت هستند، ناگزیر به کار در منزل شده‌اند. کارهای از راه دور، به ویژه وقتی قرار است در منزل انجام شود، به تقویت تبعیض تاریخی جنسیتی گرایش یافته است.

مراکز فراخوانی در دهه آینده از منابع اصلی شغلی به شمار می‌روند. در پادشاهی انگلستان، ۶۷٪ از کارکنان این مراکز را زنان تشکیل می‌دهند. شمار این مراکز در مالزی و هندوستان افزایش یافته و در فیلیپین نیز در حال افزایش است. پیش‌بینی می‌شود که تا پیش از پایان سال ۲۰۰۷، هندوستان یک میلیون شغل در این مکانها عرضه خواهد کرد، که اغلب نیز توسط زنان اشغال خواهد شد. جدایی فیزیکی این پایگاهها از مراکز اصلی‌شان می‌تواند قدرت چانه‌زنی زنان را بالا ببرد. این‌گونه مشاغل که ایجاد هرگونه سندیکایی در آنها ممنوع است، هنجارهای بهره‌وری دشواری را تحمیل می‌کنند که موجب ایجاد رقابت میان کارکنان و خلع سلاح شدن از هرگونه روحیه کار گروهی و تلاشی برای گفتگو برای رسیدن به توافق جمعی می‌شود. بدین ترتیب، در کشورهای در حال توسعه بسیاری از این کارگران از راه دور فرصت چندانی برای تعریف هنجارهای مهارتی خود یا به دست آوردن مهارتهای اضافی ندارند.

در مجموع، حقوق زنان ۳۰ تا ۴۰٪ کمتر از حقوق مردان است. سازمان بین‌المللی کار در گزارش ژانویه سال ۲۰۰۰ خود یادآور می‌شود که شکاف دیجیتالی میان مردان و زنان از حضور زنان در بخش مشاغل فناوریهای نوین، چه در کشورهای توسعه یافته چه در حال توسعه، کاسته است. این گزارش تأکید می‌کند که:

^۱. Jamaica

^۲. Barbados

افزون بر نابرابری میان آنها که دارای مهارت‌های مربوط به ICT هستند و آنها که از این مهارت‌ها برخوردار نیستند، در بهره‌برداری از ICT نیز نوعی قطب‌بندی وجود دارد. این قطب‌بندی اغلب برآمده از جنسیت کاربران است.

دانش بومی و حقوق مالکیت معنوی

اعضای اجتماعات روستایی و بومی، اغلب در درازمدت و بر مبنای تجربیات عملی خود از منابع طبیعی، اجتماعی - اقتصادی و انسانی، به دانش‌هایی دست می‌یابند که متناسب با زیست بوم آنهاست. چنین دانشی را اغلب دانش محلی، بومی یا سنتی توصیف می‌کنند که در مالکیت اجتماعی قرار دارد و متعلق به اعضای معینی نیست. این دسته از دانش‌ها که در بلندمدت مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، حاصل دستاوردهای نسل‌های مختلف یک اجتماع است. از آنجا که تمایزات بنیادی اجتماعی بیشتر بر پایه جنسیت است، فعالیتها و دانشی که آن فعالیتها را هدایت می‌کنند نیز مبتنی بر جنسیت خواهند بود. بنابراین، دانش بومی مردان اغلب متفاوت با دانش بومی زنان است.

از سوی دیگر، حق مالکیت معنوی اغلب تنها بر محافظت از دانش بنگاهها و خواص متمرکز است و در نتیجه بخشی از تولیدات فرهنگی و اشکال دانش‌های متعلق به اجتماعات دستخوش غارت می‌شوند. مسئله اصلی برای زنان در جوامع بومی، همان‌گونه که در مباحث مختلف در مورد حقوق مالکیت معنوی گفته شد، این است که آنان بتوانند بر دانش خود کنترل، دسترسی و امکان دستکاری داشته باشند. این واقعیت که دانش آنها اغلب انگاشته می‌شود، سبب شده تا خارج از قوانین حقوق مالکیت معنوی قرار گیرد. بر اساس قوانین فعلی حقوق بین‌المللی، دانش محلی و بومی زنان بیش از همیشه در معرض استثمار در بازار منابع ژنتیک و کسب منافع سرشار قرار گرفته است (از جمله در زمینه داروهای گیاهی که همواره در حوزه تخصصی زنان قرار داشته است).^۱

^۱. Appleton, Helen; Fernandez, Maria E.; Hill, Catherine L. M. & Quiroz, Consuelo, 1995, "Claiming and using indigenous knowledge," in Gender Working Group, UN Commission on Science and Technology for Development, *Missing Links: Gender Equality in Science and Technology for Development*, pp. 55-82

در جامعه اطلاعاتی یا دانش گستری، لازم است تمهیدات قضایی تازه‌ای برای ایجاد، توسعه و تکامل دانش ایجاد شود و از سوی اجتماعات به رسمیت شناخته از آن محافظت شود. باید پذیرفت که مردان و زنان روشهای مختلفی برای طرح نظامهای دانشی خود دارند. انجام چنین تمهیداتی مستلزم مشارکت همه طرفهای برخوردار از دانش، از زن و مرد، است.

سیاست‌گذاری فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت بر آن

سیاستهای جهانی و ملی در زمینه ICT هم می‌تواند مشارکت جامع و کامل همگان را در جامعه اطلاعاتی برانگیزد و هم اینکه دسترسی مردم به فناوری، اطلاعات و دانش را محدود سازد. بسیاری از کشورها برنامه‌هایی را برای حل این مسئله اجرا می‌کنند، اما نگرانی واقعی در مورد مشارکت افراد منزوی و حاشیه‌ای، به ویژه زنان، همچنان باقی است. این مسائل به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه محسوس‌تر است.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بیشتر زنان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند که تجهیزات ICT نامناسبی دارند. فقر ساکنان این مناطق بازده اندکی را برای عاملان ارتباط از راه دور بخش خصوصی - که مایلند با ارائه خدمات به منافع زیادی دست یابند - به همراه دارد. بنابراین، سرمایه‌گذاری حتی در زمینه دسترسی به تلفن بسیار محدود است تا چه رسد به زیرساختهای لازم برای دسترسی عمومی به ICT؛ که می‌تواند زنان را با دیگران و مناطق دورافتاده و روستایی را به منابع اطلاعاتی و شهرنشینان ارتباط دهد. به این ترتیب، انزوا و سکوت این زنان افزایش می‌یابد.

در برخی از کشورهای در حال توسعه، خدمات ارتباطات از راه دور شدیداً زیر کنترل سیاستها و مقرراتی است که استفاده از آنها را محدود می‌سازد. این موضوع هنگامی تشدید می‌شود که خدماتی را محدود می‌کند که دارای ارزش افزوده برای کاهش هزینه‌های ارتباط از راه دور، نظیر سیستم صدا روی تصویر (IP) و شبکه محلی بی‌سیم هستند. تمایل به حفظ انحصار دولتی در حوزه ارتباطات از راه دور، و در نتیجه حذف عامل رقابت،

سبب افزایش بهای این خدمات و محرومیت افراد کم‌درآمد، به‌ویژه زنان می‌شود.^۱ دولتها و تصمیم‌گیران حوزه ارتباطات از راه دور در کشورهای در حال توسعه باید، با انجام اقداماتی، خود و عاملان خصوصی را ملزم سازند که افزون بر سرمایه‌گذاری در مناطق شهری پردرآمد و ارائه خدمات با بازده مالی زیاد، به سرمایه‌گذاری در ارتباطات روستایی نیز بپردازند. می‌توان صدور مجوز برای عاملان بخش خصوصی یا عمومی را به گونه‌ای مشروط کرد که تضمین‌کننده حداقل سطح توسعه ارتباطات از راه دور در قلمرو ملی شود. این الزامات را می‌توان در قالب زمانبندی برای [راه‌اندازی] شمار مشخصی از خط‌های عمومی و خصوصی و همچنین تدوین شرایطی در مورد کیفیت و سرعت این خدمات اجرا کرد. همچنین می‌توان در مزایده‌های صدور مجوز اهداف مرحله‌ای را گنجانده و معیارهایی را برای ارزیابی درخواست‌های مزایده تدوین کرد. در همه این موارد، سیاست‌های ارتباطات از راه دور و بخش‌های دولتی باید آشکارا اعلام کنند که زنان و دیگر گروه‌های حاشیه‌ای نیز در این برنامه‌ها جای دارند.

در نبود مرجعی معین در زمینه مسائل جنسیتی در سیاست‌گذاری‌های مربوط به ICT، شانس زنان و دختران برای بهره‌گیری از عصر اطلاعات برای توسعه خودشان بسیار اندک است. تجربه تاکنون نشان داده است که حتی زمانی که برابری جنسیتی در سیاست‌گذاری مورد توجه قرار می‌گیرد، نیازهای خاص زنان و دختران، به هنگام اجرای برنامه‌ها، سخت در معرض سهل‌انگاری و فراموشی قرار می‌گیرند. هر بار که دولتی ادعا می‌کند که سیاست‌گذاری کلی کافی است و نیازی نیست که حتماً موضوع برابری جنسیتی در بهره‌گیری از ICT تصریح شود، شواهد نشان داده است که «سیاست‌گذاری در زمینه فناوریها اغلب تا هنگامی که بر مفهوم برابری جنسیتی به طور خاص تأکید نکند، نیازها و تمایلات زنان را نادیده می‌انگارد».^۲

-
1. Interview with Mercy Wambui, <http://www.developmentgateway.org/node/133831/sdm/docview?docid=346180>.
 2. Marcelle, Gillian, 2000, "Getting gender into African ICT Policy: A Strategic View", in Eva Rathgeber and Edith Ofwona Adera (eds), *Gender and the Information Revolution in Africa*, Ottawa: IDRC, p. 39.

شواهد فراوان نشان می‌دهد که با گنجاندن نیازها و تمایلات زنان در سیاستها، برنامه‌ها و طرحهای اجرایی، به نیازهای کاربران هدف بهتر پاسخ داده شده و در بلندمدت، نتایج پایدارتری به همراه داشته است. در بخشهای توسعه اجتماعی نظیر بهداشت و توسعه کشاورزی و روستایی، طرحهایی که به تحلیل نقش جنسیتها پرداخته‌اند، به‌ندرت با شکست روبه‌رو شده‌اند. با این همه، تحلیلهای جنسیتی چندان در طرحهای فناوری اطلاعات راه نیافته است. بررسی صدها طرح توسعه که دربرگیرنده عناصر اصلی ICT بوده‌اند، نشان داده است که بیش از ۳۳٪ این طرحها به مسئله نابرابری جنسیتی حساس بوده‌اند، اما تنها ۱۰٪ آنها این موضوع را به‌درستی در ساختارهای ICT مورد توجه قرار داده‌اند.^۱

می‌توان سه بعد مهم سیاست‌گذاری در مورد ICT را برجسته کرد: بعد زیرساختی، بعد عمودی و بعد افقی.

• راهکارهای عمودی به بررسی نیاز بخشهایی نظیر آموزش، بهداشت و صنعت می‌پردازند؛

• سیاست‌گذاریهای زیرساختی به بررسی مسائل زیرساخت ملی ارتباطات از راه دور می‌پردازند؛ و

• رهنمودهای افقی، آنهایی‌اند که بر جنبه‌های کلان زندگی اجتماعی، نظیر آزادی دستیابی به اطلاعات و نرخ‌گذاری و امنیت ارتباطات بازتاب دارند.^۲

هر یک از این ابعاد سیاستهای اطلاعات بر زندگی زنان بازتاب دارد، و چنانچه این بازتابها مورد توجه قرار نگیرند، به‌یقین بر زندگی زنان بیش از مردان تأثیر می‌گذارند. همچنین، باید مراقب بود که اهداف اجتماعی هر یک از این ابعاد، برای تحکم توان بالقوه ICT در توسعه، متناسب با دیگر ابعاد باشد.

^۱. Hafkin, Nancy, 2002, *Gender issues in ICT Policy in Developing Countries: An Overview. Paper delivered at the UN DAW Expert Group Meeting on Gender and ICTs, Seoul, November 2002*, p. 4.

^۲. Rowlands, Ian, 1996, "Understanding information policy: concepts, frameworks and concepts, " *Journal of Information Science*, Vol. 22 No. 1, pp. 13-25.

تلاش برای در نظر گرفتن مقوله جنسیت در سیاستهای ICT نیازمند تعامل اندیشه‌ای در دو جهت است: برانگیختن حساسیت تصمیم‌گیران به مسائل نابرابری جنسیتی و همچنین ایجاد حساسیت در مدافعان برابری جنسیتی نسبت به سیاستهای ICT. ضروری است که این دو گروه درک درستی از سیستمهای پیشنهادی در رهنمودها و همچنین راهکارهای دسترسی به ICT، محتویاتشان، نرخ‌گذاری و ماندن اینها برای مردان و زنان کشورهای خود داشته باشند. چنانچه در نظر است دسترسی واقعی به ICT برای همگان فراهم شود، زنان باید از فناوریها و همچنین سیاستها آگاهی یابند. زنان هوادار باید این اسطوره را در هم بشکنند که فناوری ویژه متخصصان مرد است؛ آنان باید با پیچیدگیهای سیاستها و فناوریهای ICT دست و پنجه نرم کنند.

نبود زنان در ساختارهای تصمیم‌گیری

به رغم افزایش فزاینده شمار زنان دارای مشاغل عالی در ICT، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در ورود زنان به پستهای تصمیم‌گیری و مدیریت منابع آن مشاهده نمی‌شود. زنان، چه در عرصه جهانی چه در سطح ملی، در تمامی نهادهای تصمیم‌گیری، همچون نهادهایی که به تدوین سیاست و قانون‌گذاری می‌پردازند، وزارتخانه‌های متصدی ICT و شوراهای اداری و مدیریتهای کل بنگاههای خصوصی ICT، نقشی کم‌رنگ دارند. بخشی از مسئله این است که تصمیم‌گیری در زمینه ICT، به طور کلی در عرصه ملی یا جهانی، امری کاملاً فنی (و معمولاً مردانه) در نظر گرفته می‌شود که در آن، آراء جامعه مدنی به جای آنکه در حوزه سپهر سیاسی تلقی شود، جایگاهی محدود دارد یا حتی از هیچ جایگاهی برخوردار نیست. مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی صنعت ارتباطات از راه دور از مسئولیت مسئولان در برابر شهروندان و اجتماعات محلی می‌کاهد و سبب افزایش محرومیت زنان در تصمیم‌گیری و مهار منابع می‌شود.¹

حضور اندک زنان در پستهای تصمیم‌گیری و قدرت سیاسی در زمینه ICT در تمامی کشورها سخت عجیب است زیرا این بخش نسبتاً جوان است و کمتر اسیر

¹. Association for Progressive Communications Women's Networking Support Programme (APC-WNSP), 2002, *Gender and ICTs*, [http://www.apcwomen.org/gem/Gender ICTs/index.htm#power](http://www.apcwomen.org/gem/Gender%20ICTs/index.htm#power)

الزامات سختگیرانه ناشی از تبعیض میان دو جنسیت است که در نیاکانمان وجود داشته است. برخلاف انتظار، در سال ۲۰۰۱ زنان تنها ۹٪ از مشاغل رسمی و پستهای نهادهای بازرسی صنایع ارتباطات از راه دور ۱۸ کشور اروپایی را برعهده داشته‌اند.^۱ در ایالات متحده، در همان سال، زنان ۱۳٪ از پستهای تصمیم‌گیری و تقریباً ۹٪ از پستهای مربوط به اعضای شوراهای اداری شرکت‌های بزرگ ارتباط از راه دور انفورماتیک را اشغال کرده بودند.^۲ بدین ترتیب، باید نتیجه گرفت که تصمیمها و سیاستهایی که تعیین‌کننده آثار این فناوریها هستند، نسبت به نابرابری جنسیتی موضع بی‌طرفی ندارند.

در سال ۲۰۰۱، تنها در سه کشور زنان در پستهای وزارت ارتباطات یا ارتباط از راه دور حضور داشتند که عبارت بودند از: افریقای جنوبی، کلمبیا و مالی. در ۶ کشور نیز زنان قائم‌مقام وزیر بودند: آنگولا، بلاروس، غنا، جمهوری قرقیزستان، جمهوری چک و تانزانیا.^۳ پیشرفت کند زنان در رسیدن به پستهای تصمیم‌گیری تا اندازه‌ای برخاسته از تفاوت تجربه و آموزش میان مردان و زنان در این بخش است. همچنین، زنان در فهم و درک فرهنگ سازمانی که در بخشهای مردانه حاکمیت دارد و علیه آنهاست، کند

^۱. European Database on Women in Decision-making 2001. www.db-Women in the Telecommunications Industry.

E.htm.decision.de/index

^۲. Jamieson, Kathleen Hall 2001. *Progress or No Room at the Top? The Role of Women in Telecommunications, Broadcast, Cable and E-Companies*. Annenberg Public Policy Centre, University of Pennsylvania.

www.appcpenn.org/internet/publicpolicy/progress-report.pdf

^۳ Hafkin, Nancy & Taggart, Nancy 2001. *Gender, Information Technology and Developing Countries: An Analytical Study*. Washington, DC: AED/USAID.

بوده‌اند. مادام که جمعی از زنان منتقد پستهای مدیریتی را اشغال نکنند، مشکل بتوان به طور مؤثر با تبعیض نسبت به زنان مبارزه کرد.^۱

۱۲ کشور از ۱۹ کشوری که به گزارش سال ۱۹۹۹ اتحادیه بین‌المللی کار در مورد نهادهای ملی مدیریتی ارتباطات از راه دور پاسخ داده‌اند، اعلام کرده‌اند که زنان این پستها را اشغال نکرده‌اند.^۲ کشورهای کانادا، سوئد و افریقای جنوبی تنها کشورهای پیشرویی بودند که از سیاست ویژه‌ای برای افزایش مشارکت زنان در زمینه ارتباطات از راه دور برخوردار بودند. قانون سال ۱۹۹۶ افریقای جنوبی در مورد ارتباطات از راه دور دارای بندهایی است که موجب تسهیل در مهارت‌یابی و پیشرفت زنان در تمامی زمینه‌های این صنعت می‌شود.

زندگی خصوصی، امنیت و نظارت

اینترنت به موازات امید به ایجاد ارتباطاتی برتر در ورای مرزها، خطرهای نوینی را نیز ایجاد کرده و به‌ویژه موجب تسهیل در نظارت بر روابط برخی گروهها و افراد مورد نظر شده است.

حق حفظ اسرار زندگی خصوصی، امنیت و استفاده از اینترنت از قلمروهای مهم برای زنان است. زنان به فضایی امن نیازمندند تا بتوانند بر دانش خود بیفزایند، از آزادی بیان بهره‌مند شوند، و فارغ از جاسوسی الکترونیکی، اسرار ارتباطات خود را حفظ کنند. ضرورت قد برافراشتن در برابر هرگونه مقرراتی که موجب تهدید حقوق بشر شود نیز از همین نکته بر می‌خیزد. در حالی که کشورهای در حال توسعه با مسئله دستیابی

¹ Mitter, Swasti, 1995, "Who benefits? Measuring the differential impact of new technologies", in Gender Working Group, UN Commission on Science and Technology for Development, *Missing Links: Gender Equality in Science and Technology for Development*, pp. 219-242.

² Marcelle, Gillian 2000. *Transforming Information & Communication for Gender Equity*. New York: UNDP.

بنیادی به ICT دست و پنجه نرم می‌کنند، برخی کشورهای شمالی، درصدد تعریف مسائل حقوقی بنیادی برای استفاده و مدیریت اینترنت هستند. اینترنت سپهرهای خصوصی رایانه‌ای را ایجاد کرده است که در ورای مرزها به مردم ستمدیده امکان می‌دهد تا شرایط زندگی خود را به دیگران بشناسانند. اینترنت همچنین موجب شده است افرادی که در رژیمهای غیر مردم‌سالار زندگی می‌کنند، بتوانند در کمال امنیت و به طور خصوصی با دیگران ارتباط برقرار کنند و مبارزه زنان و مردان را برای ایجاد مردم‌سالاری به پیش ببرند.

با وجود این، دولت‌ها و حکومتها با تمام توان می‌کوشند به ارتباطات خصوصی بر روی اینترنت پایان دهند. قوانین و مقرراتی نظیر قانون حق تحقیق در انگلستان (RIP) یا قانون برای ایجاد شنود در ژاپن در حال اجرا هستند، حکومتها با وسایل فنی لازمی که فراهم آورده‌اند، می‌توانند به رهگیری و نظارت بر برخی ارتباطات خصوصی بر روی اینترنت بپردازند. میان حکومتها برای مبارزه با «جرمهای مجازی» از طریق رهگیری مکاتبات انفورماتیک خصوصی توافقاتی صورت گرفته است. خطر این‌گونه قانون‌گذارها و گسترش این ابزارهای فنی این است که با استفاده از این ابزارها به سهولت می‌توان حتی مکالمات خصوصی را که هیچ ارتباطی نیز با معیارهای جرمهای مجازی ندارد، کنترل کرد. این کنترل شامل فعالان جامعه مدنی در حکومتهایی که ظاهری مردم‌سالار دارند نیز می‌شود.

توجه دیگری که در مورد حق رهگیری ارتباطات بر روی اینترنت صورت می‌گیرد، مبارزه با بهره‌برداری جنسی از زنان و به‌ویژه دختران جوان و نیز مبارزه با گروههای نژادپرست است؛ اما واقعیت این است که ایجاد سپهرهای محافظت شده که در آنها قربانیان خشونت می‌توانند با یکدیگر و با افرادی که به آنها اطمینان دارند، و همچنین با کسانی که برای گفتگو برگزیده‌اند، صحبت کنند. در واقع، اینترنت قوی‌ترین سلاح علیه بهره‌برداری جنسی و فشارهای نژادپرستی است.¹

زنانی که در پی ایجاد فرصتهای ارتباطی فرافرهنگی و فرامرزی هستند، نگران افزایش ابزارهای نظارتی‌اند که گاه مورد استفاده ارگانهای حکومتی قرار می‌گیرد.

Association for Progressive Communications Women's Networking Support Programme (APC-WNSP), 2002, Gender and ICTs, [http://www.apcwomen.org/gem/Gender ICTs/index.htm#privacy](http://www.apcwomen.org/gem/Gender%20ICTs/index.htm#privacy).

هرچند بسیاری دیگر معتقدند هنگامی که با سیستمهای رمزی اختصاصی مان، هرکس نمی‌تواند بدون اجازه به ارتباطات خصوصی ما دست یابد، می‌توان مسائل مربوط به حق حفظ اسرار را در آینده دیجیتالی به فراموشی سپرد.^۱

حق برقراری ارتباط

شکی نیست که در دفاع از زیست‌بوم نوین اطلاعاتی و ارتباطی، باید ملاحظات برابری جنسیتی و پیشرفت زنان را مورد توجه قرار داد. مشکل این است که افراد، اجتماعات، ملتها و مجامع بین‌المللی بتوانند به اطلاعات و دانشهای ضروری برای حل مسائل توسعه دست یابند و بتوانند از آنها به گونه‌ای اثربخش استفاده کنند. در قلب این زیست‌بوم نوین، همگانی کردن دسترسی به خدمات اطلاعاتی و ارتباطی و ابزارهای فناوری قرار دارد.

بیش از ۵۰ سال است که بیانیه جهانی حقوق بشر حق دستیابی به اطلاعات را به مثابه یکی از حقوق بنیادی انسانها به رسمیت شناخته است. دفاع از این حق آن هنگام ضروری تر می‌شود که پیشرفتهای فناورانه در تولید اطلاعات و دانش تغییراتی بنیادین را در شیوه زندگی جوامع جهانی ایجاد می‌کند. نکته مهم دیگر، به رسمیت شناختن حق ایجاد ارتباط به مثابه یکی از حقوق بنیادی انسانهاست.

تحقق آزادیهای مردم‌سالارانه و مشارکت تمام‌عیار و برابر در توسعه اقتصادی در زمان حاضر، از بنیادهایی هستند که تأیید حق دستیابی اطلاعات و ارتباطات بر آنها استوار است. بدیهی است که حق دسترسی برابر و مردم‌سالارانه زنان به فناوری اطلاعات و ارتباطات در این قلمرو قرار می‌گیرد.

داشتن حق ایجاد ارتباط در تقابل با ساختار سلطه‌طلبانه مالکیت شبکه‌های اطلاعاتی ملی و جهانی قرار دارد. مبارزات انجام شده در این قلمرو منافع زیادی را برای

^۱ Inayatullah, Sohail & Ivana Milojevic, 1999, "Exclusion and Communication in the Information Era: From Silences to Global Communications," in Harcourt, Wendy (ed.), *Women @Internet: Creating new cultures in cyberspace*. SID in association with Zed Books and UNESCO, p. 80.

جامعه مدنی و سراسر جهان به ارمغان خواهد آورد، در حالی که اغلب این مسائل در قراردادهای ملی و بین‌المللی و در قانون‌گذاریهای مربوط به منابع فناوری و اطلاعات جایی ندارد.

حقوق مربوط به دسترسی و بهره‌مندی از اینترنت و زیرساخت‌های ارتباطی از خواسته‌های آشکار شهروندان عادی است. اینترنت موجب می‌شود که شهروندان عادی و سازمان‌هایی که منابع مالی مناسبی برای تدارک سالنهای سخنرانی ندارند، صدای خود را به گوش دیگران برسانند. اینترنت با داشتن ۲۰۰ میلیون کاربر در جهان - که احتمالاً تا سال ۲۰۰۵ به یک میلیارد نفر خواهد رسید - سپهری عمومی و منحصر به فرد است که می‌توان در آن به مباحثه و تدوین آزادانه تصمیم‌های حیاتی برای مردم پرداخت. اینترنت این امکان را برای گروه‌های کوچک مردمی - زن و مرد - ایجاد می‌کند تا بتوانند به گونه‌ای به ایجاد ارتباط، ایجاد شبکه، مبادله اطلاعات و تعیین خط‌مشیها بپردازند که تاکنون هرگز امکان نداشته است.

ICT باید با قیمتی منصفانه در اختیار همگان قرار گیرد و توسعه زیرساختی آن باید به گونه‌ای هدایت شود که گروه‌های حاشیه‌ای محروم‌تر از گذشته نشوند. این هدف باید نقطه آغازین هرگونه راهبردی برای تحقق برابری جنسیتی و تغییر جامعه باشد. در دنیای جهانی شده، که نهادهای مردم‌سالار تهدید می‌شوند، اینترنت امکاناتی را برای دفاع و گسترش مشارکت در مردم‌سالاری عرضه می‌کند.

از اینترنت و ICT می‌توان برای تقویت تنوع و ایجاد سپهری برای بیان آراء مختلف، کثرت‌گرایی اندیشه‌ها و مبادله میان فرهنگها سود جست؛ مشروط بر آنکه تمایل به حفظ و ارج نهادن به تنوع زبان‌شناختی بومی و منطقه‌ای را تشویق کند و نیز جامعه مدنی بتواند در نهادهای تدوین مقررات و مدیریت اینترنت مشارکت کند.

حضور سیاسی زنان در جهان واقعی و مجازی

برخیها ادعا می‌کنند که شبکه‌ها (مانند شبکه‌های زنان) به پیدایش بازیگران نوین سیاسی و اعمال و امکانات فرهنگی تازه‌ای می‌انجامد؛ فرهنگ کاملاً نوین و دیجیتالی که در مقابل انحصارات کنونی جهان واقعی و مجازی پایداری خواهد کرد باعث تغییر و شکل‌گیری راه‌حلهای مبادلاتی جدید خواهد شد. اما اثربخشی این شبکه‌ها به تلفیق فناوری و نیروهای بستگی دارد که این شبکه‌ها را بسیج می‌کنند و گرد هم می‌آورند. وانگهی، شبکه‌ها به جهانی وسیع‌تر تعلق دارند و می‌توانند در برابر اهداف و تحقق آنها

بی تفاوت و حتی دشمن باشند. توانایی این شبکه‌های مجازی در تغییر واقعی جامعه، مشروط بر آن است که ظرفیتهای لازم برای تغییر در سپهر فیزیکی به وقوع پیوندند (به عبارت دیگر، محلی شود). به این ترتیب، با آنکه فضای مجازی می‌تواند منبع جدیدی برای دانش و هویت‌های نوین شود، باید مراقب بود که موجب پیدایش «شهروندی پایانه‌ای» (terminal-citizen) و بیگانه با بقیه جهان نشود. بنابراین:

سیاست فرهنگ مجازی در صورتی به اثربخشی حداکثری خود دست می‌یابد که دارای دو شرط باشد: مراقب جریانهای غالب برخاسته از این فناوریها که شبکه‌های در حال تحول متکی به آنها هستند، باشد (و همچنین نگاه خود را از روش اجرای قدرت در شبکه‌ها یا جریانهای فراملی باز نگیرد)؛ و پیوندی پایدار میان سیاست مجازی (فعالیت سیاسی بر روی اینترنت) و [...] سیاست در صحنه یا فعالیتهای سیاسی در مکانهای فیزیکی که اعضای شبکه زندگی می‌کنند، برقرار کند.¹

بنابراین، فعالان جنبشهای اجتماعی در اینترنت باید در دو جهت کار کنند: از

یک سو، کار بر روی ماهیت اینترنت و ICT‌های نوین، و از سوی دیگر، کار بر روی ماهیت جهانی نظام‌یافته بر اثر نفوذ سرمایه‌داری فراملی که از سوی اینترنت هدایت می‌شود. زنان، طرفداران محیط زیست و جنبشهای اجتماعی کشورهای در حال توسعه با صلاحیت‌ترین جریانات برای ورود به عرصه این فعالیتهای دوگانه هستند. شمار افرادی که می‌توانند در این زمینه‌ها که جهان مجازی و حقیقی را به یکدیگر پیوند می‌دهد و آنها را در هم می‌آمیزد، کم نیست. آنان با کنشی پیچیده سیاست و فرهنگ، مسائل زیست‌محیطی، برابری جنسیتی و توسعه را با هم مطابقت داده، جهان مجازی و حقیقی را به یکدیگر پیوند می‌دهند.

شبکه‌ها بازتابهای سیاسی مهمی ایجاد می‌کنند؛ به‌ویژه هنگامی که روش نوینی را در نگرستن به جهان، به شکل همکاری و پیوند و نه به صورت خودنگری، به کار می‌گیرند. سیاست اتحاد که از طریق شبکه‌ها تقویت می‌شود، اغلب تفاوتها (تمایزات) را به مثابه ثروت تلقی می‌کند. مفهوم «ایجاد توافق میان تفاوتها» به دلیل اهمیت زیادی که زنان و جنبشهای فمینیستی برای روابط سپهری، شرایط و هویت قائلند، از بازتاب گسترده‌ای برخوردار است.

Escobar, Arturo, 1999, "Gender Place and Networks: A Political Ecology of Cyberculture," in Harcourt, Wendy (ed.), *Ibid.*, p. 32.

افزایش تفاوتها از طریق گسترش مبارزاتی که خواهان حفظ حقوق خویش در نقاط مختلف جهان هستند، جنبه عینی به خود می‌گیرد و موجب گسترش چشم‌اندازهای اتحاد و تعهد نقادانه به پنداره حاکم و اعمال ناشی از آن می‌شود. مشکل همگان در توانایی بازشناسی این موقعیتها و بهره‌گیری از آنها در جهان مجازی و ریا در واقعیت است. برای زنان، به مشارکت گذاشتن دانش و تجربیاتشان در ورای تفاوتها، جزئی جدایی‌ناپذیر از کنشی است که به تغییر رفتار نسبت به جنسیت در سپهر واقعی و اینترنت می‌انجامد.

اینترنت به‌ویژه در مبارزه زنان به دلیل ویژگی مجازی و ظرفیتش برای تغییر رفتارهای غالب فرهنگی و سیاسی که زنان را در زندگی واقعی به بند می‌کشند، بسیار مفید است. می‌توان گفت که اینترنت تغییر شرایط ارتباطی زنان را تغییر داده است؛ یعنی شرایطی که زنان از رهگذر آنها به ایجاد ارتباط می‌پرداختند و امکان تصور گزینه‌های دیگر را در کنشهای سیاسی و فرهنگی مشروط می‌ساخت، تغییر یافته است.^۱ اینترنت با وجود نوپا بودن توانسته است در پیشرفتهای صورت گرفته برای درهم‌شکستن انزوای اجتماعی زنان - در چهارچوب زندگی خصوصی/عمومی - مشارکت داشته باشد و شرایطی را فراهم آورد که آنان بتوانند به طور جمعی در تغییر جامعه فراتر از مرزهای فرهنگی و ملی به فعالیت بپردازند. ارتباط زنان از طریق اینترنت این امکان را به آنها داده است که به دور از نگاههای جهان بیرونی، سازوکارهای نوینی را برای تحقق اولویتها و برنامه‌هایشان تدوین کنند.^۲

طرحهای متعددی که زنان برای آسان‌سازی استفاده از اینترنت، بهبود شرایط این استفاده و آگاه‌تر ساختن زنان از آزادی و امکانات شغلی اینترنتی انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که «زنان نه تنها باید اساساً با چالش دسترسی به ICT روبه‌رو شوند - حتی اگر این وضعیتی است که شمار زیادی از آنها با آن روبه‌رواند - بلکه باید بدانند چگونه

Youngs, Gillian, 1999, "Virtual Voices: Real Lives," in ¹

Harcourt, Wendy (ed.), *Ibid.*, p. 59.

Ibid., p. 66.²

فناوری را به نفع خویش پی‌ریزی کنند و چگونه سپهرهایی را که به آنها امکان اعمال نفوذ بر فناوریهای نوین را می‌دهد، متعلق به خود سازند.^۱

فعالیت اینترنتی زنان طنینی بی‌مانند داشته است؛ از جمله اینکه موجب شده بتوانیم به ارزیابی نقش زنان (و حضورشان) در سیاستهای ملی و بین‌المللی بپردازیم. این یک واقعیت تاریخی است که مشارکت زنان در سیاست محدود است و سیاست اساساً عرصه‌ای است که بر اساس اصول مردانه تعریف شده است و کنشها، اندیشه‌ها و اتحادیه‌های مردان بر آن حاکم است. مشارکت اندک زنان در سیاستهای ملی بر حضورشان در سطح بین‌المللی، که تقریباً در آن به طور کل حضور ندارند، نیز تأثیر گذاشته است. زنان حتی در آن عرصه‌های سیاسی و بین‌المللی که وارد شده‌اند نیز با رویه‌ها، ساختارها، ذهنیتها و فرهنگی مردانه روبه‌رو بوده‌اند. گفته می‌شود که شاهد وارونگی سلسله‌مراتب میان جهان مجازی و جهان حقیقی سیاست یا دست‌کم برابری از برخی جهات در عرصه بین‌المللی هستیم. این وارونگی را اینترنت ایجاد کرده است، به این معنا که زنان توانسته‌اند با ایجاد ارتباطات فرامرزی، اتحادیه‌ها، مبادلات و سازمانهای سیاسی نوینی را تشکیل دهند.^۲

چند نتیجه

چالشهایی را که فعالان حوزه جنسیت باید در جهان دیجیتالی با آنها روبه‌رو شوند، می‌توان در چهار مرحله خلاصه کرد: در وهله نخست، زنان نباید در حاشیه بمانند و در شکافی فرو افتند که آنها را به فناوری دسترسی دارند از آنها بی‌دسترس می‌دارد، جدا کند و نباید در شمار کسانی قرار گیرند که دچار فقر اطلاعاتی هستند؛ در وهله دوم، زنان باید بکوشند تا توان بالقوه ICT را به سوی هدایت کنند که به رفاه

¹ Burch, Sally, 1999, "ALAI: A Latin-American experience is social networking," in Harcourt, Wendy (ed.), *Ibid.*, pp. 197-203.

² Youngs, Gillian 2002, "Closing the Gaps: Women, Communications and Technology," in *Development*, Vol. 45 No. 4, pp. 23-28.

فردی بینجامد نه اینکه موجب تقویت انحصارات قدرت کنونی شود؛ در وهله سوم، بر ما لازم است که شکلهای نوین ارتباطاتی و بیانی را که این هزاره به ما عرضه کرده است، به بازدهی برسانیم و برای پیشرفت دانش و کنش خودمان پی‌ریزی کنیم؛ و در وهله آخر، باید خلاقیت فزاینده دختران جوان و زنان را به گونه‌ای به کار بگیریم که بتوانند در شکل دادن به مفاهیم و الگوی نوین سپهر مجازی مشارکت داشته باشند و تنها به دفاع از دسترسی صرف به ICT اکتفا نکنیم.^۱ برخی معتقدند که:

باید اقدامی فراتر از فراهم ساختن امکان دسترسی زنان به فناوری و متقاعد ساختن آنها که این فناوریها در دسترس‌شان است، انجام دهیم. بیشتر وقتها این دسترسی وجود ندارد. باید درصدد به دست آوردن فناوری نوین باشیم و این کار صرفاً از طریق افزایش شمار کاربران ممکن نیست. ابزار اصلی را پیش از آنکه صرفاً فن‌سالاران (cyborgs) به شیوه‌های فنی به کار گیرند، باید تخریب و نوسازی کرد و همچنین مورد استفاده افرادی قرار داد که توانایی تفسیر سیستمهای اندیشه‌ای مختلف، بازگردان، تقلید و نمایندگی دیگر اندیشه‌ها را داشته باشند.^۲

سپهر مجازی قابلیت افزایش ظرفیت درک ما از نهادها و ارزشهای نوین را داراست و زنان را به مشارکت در تدوین الگوهای نوین توسعه اقتصادی و ایجاد مردمسالاریهای باثبات تشویق می‌کند و موجب می‌شود که آنها بکوشند فرهنگهای مختلف، بدون درگیری خشونت‌آمیز، با یکدیگر همزیستی داشته باشند. تحقق چنین رسالتی نیازمند زنانی است که در فرهنگ محلی خود ریشه‌ای محکم داشته باشند و با ایجاد تغییرات اجتماعی، ضمن بهره‌گیری از ابتکارات، به حفظ دستاوردهای جامعه مدنی ملی و بین‌المللی بپردازند.

زنانی که از نظر نژادی، عاداتهای جنسیتی، ملیت، سن، ظرفیتهای فیزیکی و وابستگیهای مذهبی متفاوت هستند، باید از رهگذر شیوه‌هایی که سپهر مجازی معرفی

Arizpe, Lourdes, 1999, "Freedom to Create: Women's Agenda for Cyberspace," in Harcourt, Wendy (ed.), *Women@Internet: Creating new cultures in cybrspace*. SID in association with Zed Books and UNESCO.

Rius, Marisa B., 1999, "Crossing Borders: From Crystal Slippers to Tennis Shoes," in Harcourt, Wendy (ed.), *Ibid.*

مسائل جنسیتی در جامعه اطلاعاتی

می‌کند، با یکدیگر مشارکت داشته باشند، سپهر مجازی نیز باید به سپهری فرهنگی تبدیل شود تا با ظرافت هر چه بیشتر بازتاب تنوعهای موجود باشد.^۱

Ibid., p. 24.^۱

۴. برچیدن فاصله‌ها: ابتکارات تازه، رویه‌های مناسب

هر یک از مسائل مربوط به شکاف جنسیتی به مسائل سیاسی، راهبردی و عملی نیز مربوط می‌شود. ابتکارات گوناگونی تاکنون برای پیمودن این مسیر ارائه شده است. هر ملتی، هر منطقه‌ای و هر گروه ذی‌نفعی می‌تواند راه‌حلهای خاص خود را در چهارچوبهای ویژه ارائه کند.

چهارچوبهای سیاست‌گذاری

همان‌گونه که فناوری در برابر جنسیت خنثی نیست، چهارچوب سیاست‌گذاری که فناوری در آن پای می‌گیرد نیز خنثی نیست. در سیاست‌گذاریها، چه در ارتباط با تدوین خط‌مشی کلی یا طرحی خاص، به‌ندرت به مسئله جنسیت نیز توجه می‌کنند. هر چند در سیاست‌گذاری، منابع را بر اساس گروههای مختلف کاربران و بخشها را بر اساس معیارهایی تقسیم می‌کنند، باید در نظر داشت که هویت جنسیتی نیز عاملی آشکار در تصمیم‌گیریها به شمار می‌رود. بررسی سیاستهای ملی و طرحهای راهبردی فناوریهای اطلاعات در ۶ کشور منطقه آسیایی و حوزه اقیانوس آرام نشان داده است که در این سیاستها و طرحهای راهبردی، در مجموع، توجهی به مسئله جنسیت و دغدغه‌های زنان نشده است.^۱

استثناهایی نیز وجود دارد. در جمهوری کره، وزارت برابری جنسیتی، به طور خاص، در مورد ابعاد جنسیتی شکاف دیجیتالی موضع‌گیری کرده است و در کنار وزارتخانه‌های ارتباطات از راه دور و علم و فناوری، برای بررسی این گونه مسائل فعالیت می‌کند و وزارتخانه‌های مختلف توجه خود را به زنان خانه‌دار، زنان بی‌کار و زنان کشاورز معطوف می‌کنند. در افریقای جنوبی، قانون سال ۱۹۹۶ مربوط به ارتباطات از

^۱ Ramilo, Concepcion Garcia and Villaneuva, Pi 2001. "Issues, Policies and Outcomes: Are ICT Policies Addressing Gender Equality?", www.unescap.org/wid/04widresources/Equality?, activities/01ictgm/backgroundpaper.pdf.

راه دور، همگام با قانون اساسی ملی، دربرگیرنده بندهای ویژه‌ای است که از اصل برابری جنسیت دفاع می‌کند. در این کشور، واحد برابری جنسیتی در وزارت ارتباطات (Women's Net) و گروه کاری جامعه اطلاعاتی آفریقا برای آماده‌سازی زنان برای مشارکت در تدوین سیاستهای ملی به طور فعال مشغول به کارند. کشور گینه نیز به همین ترتیب مسئله برابری جنسیت را در سیاستهای ملی خود در زمینه ICT گنجانده است و توسعه انسانی را منوط به مشارکت و برابری دانسته است. کمیسیون اقتصادی آفریقا برای اجرای ابتکارات خود برای جامعه اطلاعاتی، دیدگاههای جنسیتی را در سیاستهای خود گنجانده است. این مسئله، به‌ویژه در رواندا مفید واقع شده است و سازمانهای زنان این کشور از آغاز در تدوین سیاستهای ICT شرکت کرده‌اند. در ژاپن، مرکز ملی آموزش زنان رایزنیهای را با اجتماعات محلی زنان ترتیب داده است تا برنامه‌ای سه مرحله‌ای را در مورد زنان و اطلاع‌رسانی اجرا کند. هدف از این برنامه هدایت ابتکارات مربوط به مداخلات سیاسی مرکز است. گروه کاری اتحادیه بین‌المللی کار در مورد برابری جنسیتی نیز سندی اطلاعاتی را برای نمایندگان شرکت‌کننده در گردهماییهای این سازمان تهیه کرده است تا آنان را به این مسئله حساس سازد که نمایندگانی که از سوی دولت‌ها یا بخش خصوصی تعیین می‌شوند، باید در مذاکرات خود به مسئله زنان نیز بپردازند تا بتوانند راه‌حلهایی را برای ایشان پیشنهاد کنند.^۱

گذشته از فعالیتهای بخش دولتی، طرح افاقیا نیز که در سال ۱۹۹۷ مرکز پژوهشهای توسعه بین‌المللی (IDRC) به اجرا درآورد، نمونه خوبی برای بهره‌گیری از توان بالقوه ICT به هدف خودگردانی اجتماعات فقیر آفریقایی به شمار می‌آید که به گونه‌ای نظام‌مند در نظر دارد زنان و نمایندگان دیگر اجتماعات حاشیه‌ای را در فرایند تدوین خط‌مشیها مشارکت دهد. اجرای طرح افاقیا در سنگال، آفریقای جنوبی و اوگاندا به خوبی ثابت کرده است که مشارکت گروههای متنوع ذی‌نفع موجب بهبود کیفیت تصمیم‌گیریها می‌شود. این ابتکار با عناوین دیگر در پروژه‌های سازمان یاد شده (IDRC) در امریکای لاتین و آسیا نیز به اجرا درآمده است.

اتحادیه ترقی خواهان در زمینه ارتباطات (APC) - سازمانی که از سراسر جهان عضو دارد - دوره‌ای را در مورد سیاستهای ICT، در مارس سال ۲۰۰۳، برای سازمانهای غیردولتی و زیر نظر سازمان ارتباطات از راه دور کشورهای مشترک‌المنافع اجرا کرده

^۱ <http://www.itu.int/ITU-D/gender/briefing/brifing.html> .!

است. هدف از اجرای این دوره برانگیختن حساسیت سازمانهای غیردولتی مربوط به ICT برای توسعه و ضرورت دفاع از سیاستهای ICT برای توسعه در سراسر جهان بود. یکی از (یازده) پودمان دوره به بررسی مسئله جنسیت در سیاستهای ICT می‌پرداخت. APC در نظر دارد این آموزشها را به تدریج به دیگر مناطق نیز گسترش دهد تا ظرفیتهای تحلیلی سیاستهای ICT را بهبود ببخشد و گروههای فشار را به منظور سوق دادن جوامع به سوی عدالت و مشارکت مردمسالارانه تقویت کند.

یونسکو تأملات مربوط به جنسیت را در برنامه‌های ویژه خویش وارد ساخته و پنج قلمرو اولویت‌دار را تعریف کرده است که فعالیتهای این سازمان را هدایت خواهد کرد. از آن میان، سه قلمرو مربوط به جنسیت و رسانه‌ها و برابری دسترسی زنان و دختران و استفاده مؤثر از ICT است و به ارائه توصیه‌هایی برای تسهیل تحقق برابری دسترسی زنان و دختران به آموزش، دسترسی زنان به رسانه‌ها و حضورشان در رسانه‌ها و در نهایت، دسترسی دختران به آموزش و سوادآموزی می‌پردازد.

این مثالها جنبه‌ای اساسی را از هر گونه تعهد جدی در سیاستهای جنسیتی ICT برجسته می‌سازد: کافی نیست که صرفاً واژه «جنسیت» یا «زنان» را در جای جای یک سیاست یا راهبردی گنجانند که اساساً بر مبنای چشم‌اندازی مبهم در برابر نابرابری جنسیتی تدوین شده است. مشارکت زنان و افراد باتجربه در مسئله نابرابری میان زنان و مردان در تمامی مراحل تدوین یک سیاست، چنانچه بنا بر تشخیص و رفع ابعاد جنسیتی در عرصه سیاسی باشد، امری ضروری است. همچنین، گردآوری آمار و شاخصهای ویژه جنسیتی جزئی جدایی‌ناپذیر از پایگاه داده‌هاست که موضوع آن سرشماری مشارکت زنان در برنامه‌ریزی تولید و استفاده از ICT است. این موارد از ملزومات ضروری برای ابتکاراتی است که در نظر دارند به یادگیری بر اساس تجربه، یعنی بر اساس یادگیری پویا از طریق عمل، بپردازند.

برقراری ارتباط و دسترسی

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بیشتر زنان در مناطق روستایی یا حاشیه شهرها زندگی می‌کنند که به‌خوبی تجهیز نشده‌اند. اصلی‌ترین مانع زنان در دسترسی به ICT بهایی است که باید برای آن بپردازند. برای افزایش امکان برقراری ارتباط باید تلاشها را بر خدماتی متمرکز ساخت که موجب فراهم ساختن وسایل اطلاعاتی و ارتباطاتی ارزان‌تر می‌شود. یونسکو در ایجاد مراکز جمعی چندرسانه‌ای، در افریقا، آسیا

و امریکای لاتین پیشگام بوده است و به زودی این فعالیتها را به اروپای مرکزی و شرقی گسترش خواهد داد. این مراکز منابع اطلاعاتی و ارتباطاتی گرانبهایی برای همه اجتماعات به شمار می‌روند و دسترسی فراگیر در مناطق دورافتاده و روستایی را حمایت می‌کنند.

در سنگال، شرکت تلفن سوناتل و طرف و سرمایه‌گذار فرانسوی‌اش، مونابی، برای زنان کشاورز این امکان را فراهم آورده‌اند تا از طریق تلفن همراه دارای امکان دسترسی به وب به اینترنت متصل شوند. IDRC نیز به سهم خویش در چهارچوب عملیاتی با نام افریقای متصل (*Connectivity Africa*) برای استفاده دیجیتالی از سیستمهای Healthnet, Satelife کمپالا به منظور بهبود در سرعت، دقت و امنیت پیگیری داده‌های مربوط به بهداشت، اعضای این طرح را تأمین می‌کند. این دو ابتکار موجب انسجام بخشیدن به قدرت تحرک رایانه‌ها می‌شود و خوشایند زنان تولیدکننده دانه‌های کشاورزی واقع شده است. تلفیق فناوریهای قدیمی (نظیر رادیو) و فناوریهای نوین نیز در برداشتن سدها و موانعی نظیر بی‌سوادی، هزینه‌ای که باید پرداخت، و دسترسی فیزیکی به رسانه‌ها مشارکت داشته و همچنین برای فرهنگهای شفاهی دلپذیر واقع شده است.

از دیگر پروژه‌های مربوط به زنان، می‌توان به اتاقتهای تلفنی و مراکز از راه دور کلمبیا، غنا، هندوستان، سنگال و اکراین اشاره کرد. البته، هنگام بازگشایی یا ارزیابی این پروژه‌ها هرگز ملاحظات جنسیتی مورد توجه قرار نگرفته بود. امروزه، ملاحظه می‌شود که این خدمات اغلب دارای مشتریان مرد هستند تا زن. برانگیختن زنان برای مراجعه به این مراکز مستلزم اجرای فعالیتهای هدفمند است. اقدامات جزئی و ساده‌ای نظیر تدوین جدولهای زمانبندی شده مهارت‌آموزی، سازماندهی دوره‌های مهارت‌آموزی ویژه زنان که توسط زنان نیز ارائه شود، حضور مددکاران برای ثبت پیامهای الکترونیکی دیکته شده توسط کاربران بی‌سوادی و حساس ساختن مردان به اهمیت دسترسی زنان به ICT، همگی می‌توانند به گونه‌ای محسوس به بهره‌مندی زنان از این وسایل شتاب بخشند. در این رابطه، یونسکو به تازگی طرح ارزیابی و تحلیل نیازهای آموزشی هر یک از جنسیتها و تأثیرات ICT در اجتماعات مورد نظر در افریقای جنوبی را اجرا کرده است، که تأکید آن به‌ویژه بر روی مراکز از راه دور چندمنظوره است.

در همین راستا، برنامه حمایت از شبکه‌های زنان (WNSP) روش‌شناسی ارزیابی تفاوت‌های جنسیتی (GEM) را تدوین کرده است که ابزاری برای تسهیل یادگیری استفاده از ICT برای رسیدن به برابری جنسیتی به شمار می‌آید. GEM موجب انسجام

بخشیدن به تحلیل جنسیتی در ارزیابی ابتکارهایی است که برای ایجاد تحول در جامعه به ICT متکی هستند. این روش‌شناسی این امکان را به وجود می‌آورد که بدانیم آیا ICT واقعاً، نقطه آغازی برای بهبود شرایط زنان در روابط میان جنسیتها بوده است و آیا توانسته است تغییراتی مفید را در سطح افراد، نهادها، اجتماعها و مجموعه جامعه ایجاد کند یا خیر. همچنین، این دستورالعمل برای کاربرانش چشم‌انداز گسترده‌تری را از عملیات ارزیابی فراهم می‌کند و در حین اجرا، خط‌مشیهای کلان راهبردی و روش‌شناختی را برای تحلیل نقش جنسیت ترسیم می‌کند. بنابراین، این روش‌شناسیها می‌توانند مشخص کنند که آیا ICT به گونه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است که بتواند نابرابری و پیشداوریهای جنسیتی را از میان بردارد، یا اینکه این فناوریها صرفاً موجب بازتولید و افزایش آنها شده است. با این ارزیابیها همچنین می‌توان اطمینان یافت که آیا ملاحظات جنسیتی در فرایند برنامه‌ریزی یک طرح وارد شده است یا خیر.^۱ در حال حاضر، GEM برای حدود ۳۰ طرح که دارای مؤلفه‌های قوی ICT و دربرگیرنده تنها زنان یا زنان و مردان بوده‌اند، در افریقا، آسیا، امریکای لاتین و اروپای مرکزی و شرقی مورد آزمایش قرار گرفته است.

زنان که تاکنون کمترین دسترسی را به فناوریهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی داشته‌اند، احتمالاً بیشترین شایستگی را برای بهره‌مندی از آن دارند. فقر و بی‌سوادی مانع از بهره‌مندی افراد محروم از این ابزار می‌شود که می‌تواند به خارج ساختن آنها از محرومیت کمک کند. راه‌حلهای فنی برای این کار وجود دارد و یا در حال تدوین است؛ برای مثال سیمپوتر (Simputer) سیستمی ارزان‌قیمت و مورد استقبال برخی از کاربران است که به عنوان واسطه رایانه‌ای بر روی متن عمل نمی‌کند بلکه بر روی نرم‌افزارهای نشانه‌ای (iconographique) یا بازشناسی صوتی عمل می‌کند. مودمهای رادیویی بی‌سیم نیز نوعی فناوری است که با انرژی آفتابی عمل می‌کند. در سال ۲۰۰۲، یونسکو در آسیای جنوبی طرحی را برای شناسایی الگوهای مؤثری که ICT را با محتویات خاصی در اختیار افراد فقیر قرار می‌دهد، اجرا و آزمایش کرد. هدف از اجرای این طرح استفاده از ابزارهای نوین و ارزان برای برآورده ساختن نیازهای اطلاعاتی، شناختی و ارتباطی افراد فقیر بود. با وجود این، مسئله حیاتی که باقی می‌ماند این است که روشن شود چگونه پروژه‌هایی از این دست می‌توانند به برنامه‌های ملی تبدیل شوند و مورد حمایت مالی و سیاسی قرار گیرند.

! See <http://www.apcwomen.org/gem>

انتخاب محتوا و فناوری

اگر زنان باید بتوانند از اینترنت برای آموزش، دفاع از آرمانها و افزایش درآمدهایشان استفاده کنند، لازم است که محتواها بیشتر [با نیازهایشان] تطابق یابد. این مسئله هم موضوعی محتوایی است هم زبانی. همچنین، رایانه‌ها و اینترنت نباید توجه عمومی را از فناوریهای نظیر رادیو، تلویزیون، ویدئو، سی‌دی و چاپ که از مدتها قبل وجود داشته‌اند، بازگردانند.

برنامه رادیویی FIRE (عملیات رادیویی تعامل زنان) که بر روی موج کوتاه در سال ۱۹۹۱ در کاستاریکا پخش می‌شد، یکی از این مثالهاست. در سال ۱۹۹۸، FIRE برای انتشار بیشتر آراء زنان در مورد مسائل و وقایع جهانی، برنامه رادیویی خود را بر روی اینترنت برد. صفحه این رادیو بر روی وب دارای پرونده‌ای (فایل) به صورت متن، تصویر و همچنین بازدید از صفحات «برحسب درخواست» بود. همچنین، تنها ۷٪ از مردم افریقای جنوبی به اینترنت دسترسی دارند، اما ۹۰٪ آنها دارای رادیو هستند. در این کشور، برنامه رادیویی Women'sNet به خوبی از فناوری اینترنت بهره می‌گیرد: این رادیو دارای مرکزی بر روی وب است که محتوای تمامی برنامه‌های رادیویی را که مورد علاقه زنان می‌تواند واقع شود، بررسی می‌کند؛ پایگاه داده‌ای را فراهم آورده است که می‌توان در آن اخبار و مقالات جراید را مرور کرد؛ و با منابع تخصصی در مورد مسئله نابرابری جنسیتی در مورد «رادیو بر روی اینترنت» تماس ایجاد کرد؛ و همچنین ستونی دارد که مشخص می‌کند چگونه می‌توان به اینترنت متصل شد و نرم‌افزارهای مورد نیاز را به دست آورد.

میان رویکرد ویژه Women'sNet و رادیوی کوتمالا در سری لانکا که زیر حمایت یونسکو است اشتراک‌هایی وجود دارد. در پروژه کوتمالا که آمیزه‌ای از رادیو و جستجو در وب است، مجری برنامه برای پاسخگویی به پرسشهای شنوندگان به جستجو بر روی وب می‌پردازد، و با میهمانان به بحث درباره موضوع برخی سایتهای از پیش انتخاب شده می‌پردازد. این روش موجب دسترسی غیر مستقیم بسیاری از شنوندگان به سپهر مجازی می‌شود. کوتمالا همچنین امکان دسترسی رایگان به اینترنت را نیز برای همگان در نظر گرفته و پایگاه چندزبانه‌ای را راه‌اندازی کرده است که در مراکز دسترسی قابل دستیابی هستند و به گردآوری اطلاعات برگرفته از اینترنت نیز می‌پردازند. درصد کاربران تقریباً ۴۹٪ از کل شنوندگان است. پس از موفقیت طرح کوتمالا، یونسکو در

حال حاضر طرح‌های مشابهی را به اجرا درمی‌آورد که ICT نوین و سنتی را در هم می‌آمیزد. این طرح‌ها در آفریقا، آسیا، امریکای لاتین و کارائیب اجرا می‌شوند. یونسکو برنامه‌ای با نام «گفتگوی زنان با زنان: برنامه رادیویی اشتراکی زنان روستایی در کشورهای کمتر توسعه یافته» ترتیب داده که به نیازهای ویژه ارتباطی زنان روستایی و به‌ویژه مبارزات علیه فقر و حاشیه‌نشینی اختصاص دارد. این برنامه از ایستگاه‌های رادیویی ویژه زنان که توسط خود آنها اداره می‌شود، بهره می‌گیرد. این ایستگاه‌های رادیویی تاکنون در کامرون، کیپ‌ورد (دماغه سبز)، ساحل عاج، هندوستان، ملاوی، نیپال، سورینام و ترینیداد و توباگو راه‌اندازی شده‌اند. برنامه این رادیوها در مورد موضوعات مربوط به زندگی روزمره اجتماع و بررسی دلمشغولی‌های زنان و ارائه توصیه‌هایی در مورد بهداشت، مراقبت از کودکان، تغذیه، راه‌های بهبود کشاورزی، آموزش حرفه‌ای، سوادآموزی و کاربایی است. این برنامه‌ها در عین حال موجب آموزش خبرنگاران و به طور کلی خلاقیت زنان می‌شود. افزون بر برنامه‌های یاد شده، برنامه‌هایی برای بررسی ژرف تبعیض علیه زنان و عدالت میان جنسیتها، حقوق زنان، حقوق بشر و مانند اینها پخش می‌شوند. یونسکو، همچنین وسایل و آموزش لازم را برای کارکنان اصلی پخش برنامه‌ها، برنامه‌ریزی و مدیریت ایستگاهها فراهم می‌کند. از این نظر، یونسکو توسعه تدریجی ایستگاهها را برای استقرار زیرساختهای ICT پیش‌بینی کرده است که موجب خواهد شد زنان به ICT دسترسی داشته باشند و از آن به‌خوبی استفاده کنند. وقتی قرار باشد ICT نیازهای زنان کشورهای در حال توسعه را پاسخ گوید، ضروری است که محتویات آن به زبان بومی باشد تا کم‌سوادان یا حتی بی‌سوادان هم به این فناوری دسترسی داشته باشند. از الگوهای موفق در این زمینه می‌توان از مرکز بین‌المللی تربیون زنان نام برد که با همکاری IDRC به فعالیت مشغول است. همه‌چیز با مباحثه با زنانی که در نزدیکی ایستگاه زندگی می‌کردند، در مورد نیازهای آنها به اطلاعات آغاز شد. هنوز بسیار زود بود که مشخص کنیم به عنوان کشاورز یا بازرگان زن، آنها بیش از هر چیز نیاز داشتند وسیله‌ای بیابند که درآمدشان را نیز افزایش دهد. آنان برنامه را بسیار ساده پنداشته و از رایانه چشم پوشیده بودند و به زبان محلی سخن می‌گفتند. محصول نهایی: «زنان روستایی در آفریقا: راه‌هایی برای پول درآوردن» بود که به شکل سی‌دی درآمد و برخوردار از نرم‌افزار جستجو، نمودار و متن شفاهی بود.

حساس‌سازی، مهارت‌آموزی و آموزش

دسترسی صرف به فناوریهای اطلاعات و ارتباطات برای پیشرفت زنان و توسعه جامعه کافی نیست. در سطحی ابتدایی‌تر، روشن است که بسیاری از کشورها هنوز به خوبی به مزایای ICT و استفاده‌های گوناگون آن پی نبرده‌اند. هنوز تلاش زیادی لازم است تا بتوان مردم را با کاربردهای ICT در قلمرو عمومی آشنا ساخت. برای مثال، تأثیرات بالقوه آن در پژوهشها، ایجاد شبکه‌ها، اعمال فشار و سازماندهی مباحثات از این شمارند. همچنین، باید نقش ICT را در ارتقای برابری جنسیتی از طریق تجارت، کشاورزی، بهداشت، مدیریت، آموزش و مانند اینها آشکار ساخت.

برخی سازمانها شروع به ابداع ابتکاراتی برای برانگیختن حساسیتها کرده‌اند. در نوآکیشوت، پایتخت موریتانی، با برگزاری «روزهای اینترنت» موفق به برانگیختن اشتیاق عمومی شده‌اند. در افریقای جنوبی، شرکت Link Centre کلاسهای همگانی آموزشی آشنایی با ICT را در تعطیلات آخر هفته ترتیب داده است که نظر شمار زیادی را در برخی از محله‌ها به خود جلب کرده است. اگر این کلاسها را زنان اداره کنند، می‌توانند با ارائه الگوهای تازه برای هویت‌یابی و گشودن افقهای نوین برای زنان، دستاوردهای زیادی به همراه داشته باشند.

برنامه زنان و رسانه‌ها - که دربرگیرنده دو طرح ویژه است: زنانی که بر روی شبکه کار می‌کنند؛ و گفتگوی زنان با زنان: رادیوی اشتراکی زنان روستایی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته - ترجمان اراده سازمان در ایجاد ظرفیتهایی برای استفاده از فناوریهای گوناگون ارتباطاتی، نظیر رادیوی اشتراکی، فیلم و اینترنت است. یونسکو به شرکت‌کنندگان زن در این برنامه‌ها کمک می‌کند تا بتوانند به تولید برنامه‌هایی بپردازند که مورد علاقه اجتماعات است، و همچنین بتوانند وسایل اطلاعاتی و ارتباطاتی را مدیریت کنند. طرحهایی که این سازمان در افریقا، آسیا و دولتهای عربی اجرا می‌کند، زنان روزنامه‌نگار را با فنون پیشرفته انتشارات آشنا می‌کند و آنها به تولید فیلم و نشریاتی می‌پردازند که به زنان منطقه «حق اظهارنظر» می‌دهد و زیرساختهای مورد نیازشان را از طریق مراکز جمعی چندرسانه‌ای، برای دستیابی به فناوریهای نوین اطلاعات و ارتباطات فراهم می‌سازد. به طور خاص‌تر، طرح «زنانی که بر روی شبکه کار می‌کنند» که با همکاری یونسکو و انجمن توسعه بین‌المللی (SID) در رم اجرا شده است، در نظر دارد استفاده از فناوریهای نوین توسط زنان را با فراخوان آنها برای پرسش کشاندن و اصلاح کژرویهای سپهر مجازی که جزء جدا نشدنی پیشداوریهای جنسیتی است، افزایش دهد. مؤثرترین راهبرد عبارت است از تطابق فناوریهای نوین به گونه‌ای که با شرایط کاری و زندگی زنان همخوانی داشته باشد. از مهم‌ترین اهداف

طرح راه‌اندازی سیستم بین‌المللی ارتباطات، رسیدن به چشم‌اندازی چندفرهنگی است. طرح یاد شده با تقویت مهارت‌های زنان در قلمرو شبکه‌ها و تصمیم‌گیری و با تشویق‌شان به استفاده از اینترنت به مثابه سپهری برای دستیابی به استقلال، می‌کوشد به گونه‌ای عمل کند که مردان و زنان اینترنت را به مثابه ابزاری ارتباطاتی مجهز به توان بالقوه اجتماعی و سیاسی، تلقی و درک کنند.

این دست‌فعلی‌ها هنگامی به کمال خواهند رسید که اینترنت، در نهایت، به مثابه مرکز اطلاع‌رسانی و مستندسازی مورد استفاده قرار گیرد. طرح ایجاد مرکز فراگیری اینترنتی برای زنان (OLC) در سئول، که با حمایت یونسکو و از طریق مرکز شبکه اطلاعاتی زنان منطقه آسیا و حوزه اقیانوس آرام و برنامه اتحادیه ترقی‌خواهان برای ارتباطات (APC) به اجرا درآمده است، مثالی از این مورد به شمار می‌رود. OLC نخستین گام برای تولید مرکز منطقه‌ای ICT برای زنان منطقه می‌باشد.

بدیهی است که اگر زنان بخواهند بیشترین بهره را از منافع فناوریهای اطلاعات ببرند، مهارت‌آموزی‌شان باید فراتر از آشنایی سطحی با عملکرد ابزار ارتباطاتی باشد، بلکه لازم است که به یادگیری پژوهشی، مدیریت، تولید و انتشار اطلاعات و همچنین مفهوم‌سازی در زمینه سیاست‌گذاری و راهبردها بپردازند؛ به گونه‌ای که بتوانند مشارکتی مفید در تحولات ICT داشته باشند. هدف از برگزاری دوره‌ای با نام مبادله اطلاعات توسط زنان آسیایی، که از سال ۱۹۹۹، هر ساله توسط دانشگاه سوکمی-یونگ (Sookmyung) برگزار می‌شود، نیز همین است. این دوره آموزشی به روشنی در نظر دارد تا مهارت زنان و سازمانهای آنان را در استفاده از فناوریهای نوین برای دفاع از آرمانهای اجتماعی و سیاسی افزایش دهد. در مارس سال ۲۰۰۳ شبکه زنان افریقایی گروه APC نخستین دوره کارآموزی شبکه الکترونیکی زنان در افریقا (WENT Africa) را بر اساس الگوی دانشگاه سوکمی-یونگ برگزار کرد. امید می‌رود که این دوره هر ساله برای زنان افریقایی که مشتاق اجرای طرحهای عینی هستند، برگزار شود.

در همین راستا، اتحادیه جهانی دارندگان رادیوهای اشتراکی نیز دوره‌ای را برای آشنایی زنان با نحوه استفاده از فناوریهای نوین با روحیه‌ای نقادانه و خلاقانه از طریق برنامه‌های رادیویی اشتراکی راه‌اندازی کرده است.

وارد ساختن تحلیلهای مربوط به نابرابری جنسیتی در آموزش، هماهنگی و توزیع اطلاعات و تجربیات به دست آمده، از ضروریات است. ایجاد مراکز اسناد و مؤسسات انتشاراتی نیز می‌تواند مفید واقع شود. مرکز فراگیری اینترنتی زنان، APWINC، نمونه‌ای از این مراکز است. مثال دیگر، که در عین حال تنها به مهارت‌آموزی می‌پردازد،

شبکه زنان (Women'sNet) در افریقای جنوبی است که با همکاری APC فعالیت دارد. این برنامه بخشی از سایت ItrainOnline خواهد بود که راهنمایی است برای سازمانهای غیردولتی، نهادهای توسعه‌ای و جامعه مدنی برای آموزش شیوه‌های مهارت‌آموزی. ICT می‌تواند نقش مهمی را در آموزش رسمی و غیررسمی دختران و زنان، به‌ویژه در آموزش از راه دور، ایفا کند. هندوستان با اجرای برنامه «آموزش از راه دور برای توسعه و مهارت‌آموزی به زنان» مثال خوبی در این زمینه به شمار می‌آید. این برنامه که گروه آموزشی توسعه زنان و کودکان دانشگاه ملی آزاد ایندراگانندی مجری آن است، در نظر دارد به تأمین گروههای همیاری زنان، توسعه مهارتهای تصمیم‌گیری و مدیریت منابع و همچنین کمک به تأمین وام برای زنان بپردازد. این برنامه گواهینامه‌ای را ارائه می‌کند که نشان‌دهنده مجموعه‌ای از کارآموزیهای چندرسانه‌ای است که به شکل کنفرانس از راه دور، و با استفاده از سیستم ارتباطی تعامل مستقیم از طریق ماهواره ارائه می‌شود؛ این برنامه برای ۱۵۰ ناحیه که سطح سوادآموزیشان پایین است، پخش می‌شود.

یکسان‌سازی دسترسی به ICT و خودگردانی زنان

شماری از طرحهای ICT توانسته است موجب یکسان‌سازی دسترسی - برای زنانی که به گونه‌ای مورد هدف نبودند - برای دستیابی به استقلال اقتصادی شوند. این موضوع، از برخی جهات موجب ایجاد آگاهی از فواید ICT شد که فراتر از دستیابی به مهارتهای فنی می‌تواند موجب تسهیل کاریابی و دیگر راههای بهبود درآمدها شود. در آرژانتین، اروگوئه، پاراگوئه، برزیل، هندوستان و چند کشور افریقایی، زنان جوان یا در دوره‌های مهارت‌آموزی پیشرفته پذیرفته شده‌اند که راه را برای اشتغال در مشاغل مربوط به ICT باز می‌کند، یا توانسته‌اند از ICT به مثابه وسیله‌ای برای تجاری ساختن کارهای دستی و دیگر تولیدات صنایع دستی، به منظور افزایش درآمدهای خود استفاده کنند. در بسیاری از موارد، این موضوع آثار دیگری نیز بر روی توسعه جوامع محلی داشته و به‌ویژه در مناطق دورافتاده موجب کاهش تلاش زنان برای مهاجرت به شهرهای بزرگ برای کاریابی شده است. حتی گاه مهارت‌آموزیهای ICT به نوعی کارآموزی تبدیل و موجب شده است دختران جوان پنداره‌ها و ارزشهایی را کشف کنند که ایشان را نسبت به مسئله برابری جنسیت حساس ساخته و آنها را برانگیخته است تا به شهروندانی مطلع‌تر و فعال‌تر بدل شوند. با یکسان‌سازی این مهارتهای فنی و اجتماعی، زنان و دختران جوان آماده رویارویی و پیروزی بر مسائل نابرابری جنسیتی می‌شوند.

در سنگال، طرحی که به صورت مشترک توسط UNIFEM (از داکار)، ENDA، Oxfam America - جهان سوّم و IDRC آفایا انجام می‌شود، سعی کرده است با طرح عملیات مشترک در افریقا، در چهارچوب پروژه انطباق ICT توسط زنان، تحقق دستیابی به خودگردانی و ایجاد برابری جنسیتی را ممکن سازد. سازمان‌دهندگان این طرح، به برگزاری همایش مجازی برای حساس‌سازی ساختن افریقایی‌های فرانسوی‌زبان نسبت به حقوق خویشاوندی پرداخته‌اند.^۱ از این دست فعالیتها، می‌توان به طرح توسعه‌های رادیویی (DTR) سیرالئون اشاره کرد که در نظر دارد با تکیه بر ICT جریانی دوسویه میان شخصیت‌های سیاسی و گروه‌های زنان ایجاد کند و از این رهگذر، به بررسی اعمال خشونت بر زنان در طی جنگ‌های داخلی بپردازد. شرکت‌کنندگان در کارگاهها با مهارت‌های پایه‌ای DTR آشنا خواهند شد، تا سپس بتوانند، دیگر افرادی را که از جنگ آسیب دیده‌اند، از طریق ضبط مباحث برنامه‌های رادیویی، آموزش دهند. این دوره همچنین مباحثی را در مورد حق آزادی بیان پیش‌بینی کرده است که موجب می‌شود زنان و دختران بتوانند در مورد آنچه که در طول این جنگ تحمل کرده‌اند، به زبان بیاورند. سی‌گروه از زنان، در برنامه‌های هفتگی، با سیاست‌های سازمان‌های کمک به توسعه آشنا می‌شوند. هماهنگ‌کننده این برنامه نقشی میانجی میان زنان و شخصیتها را ایفا می‌کند و در طول برنامه واکنش این شخصیتها را برای دیگران آشکار می‌سازد.^۲ دولت اوگاندا نیز به سهم خود، با همکاری UNIFEM و گروه ویژه ICT ملل متحد، پروژه‌ای را با نام «شکاف میان متخصصان انفورماتیک» اجرا کرده است که کارآفرینان افریقایی در زمینه فناوری اطلاعات را که در کشورهای بیگانه پراکنده‌اند، به سازمان‌های زنان و اتحادیه‌های محافل تجاری موجود در افریقا پیوند می‌دهد، تا از این طریق بتوانند امکانات لازم را برای کاهش فقر زنان فراهم کنند.

یونسکو با اجرای طرح انجمن‌های آموزشی آزاد برای برابری جنسیتها به کمک ICT، در موزامبیک و افریقای جنوبی در نظر دارد با ارتقای تشکیلات اجتماعی بر اساس آموزش برابری جنسیتی به کمک در زمینه استفاده خردورزانه از ICT و تدوین مطالبی

^۱.

See

<http://www.famafrique.org/parenteconjointe/forum/summary.ht>

[ml](#)

<http://www.dtronline.org/prjects.html>^۲. See

درباره موضوعاتی که جوامع محلی را به خود مشغول داشته است، نظیر مالاریا، ایدز و بی‌کاری جوانان پردازد.

در حال حاضر، شاهد افزایش طرحهایی هستیم که هدفشان زنان است که از یک سو، به یکسان‌سازی دسترسی به اطلاعات و مهارت‌آموزی به آنها می‌پردازد، و از سوی دیگر، می‌کوشند زنان به حاشیه رانده شده را، اغلب صرفاً با آماده ساختن پایگاهی برای بیان دل مشغولیهایشان به خودگردانی رهنمون سازند. اکنون، باید به ساماندهی مبادله اطلاعات برای بیرون کشیدن تجربیات اندیشید که بتوان در جاهای دیگر به تکرارشان پرداخت، و در عین حال، گوش به زنگ مسائل بومی و پویایی اجتماعی در مکانهای دیگر بود.

۵. قبل و بعد از اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی

مشروعیت دفاع از برابری جنسیتی در مباحث NITC هر روز بیشتر احساس می‌شود؛ حتی اگر گرایشی دیرینه وجود داشته باشد که آن را موضوعی متمایز از مسائل اصلی تلقی کند. لازم است مسئله نابرابری میان مردان و زنان در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در مباحث و تصمیم‌گیریهای مربوط به توسعه و راه‌اندازی ICT وارد شود. در برخی اتحادیه‌های جوامع مدنی، ابتکاراتی برای وارد ساختن ملاحظات مربوط به برابری جنسیتی و حقوق زنان در مباحثات نمایندگان پدید آمده است و این نمایندگان در حال طراحی خطوط اصلی جامعه اطلاعاتی و تحقیق در مورد مسائل دسترسی به ICT و استفاده از آن هستند.

در نخستین گردهمایی منطقه‌ای مقدماتی که پیش از اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی در ژوئیه سال ۲۰۰۲ در باماگو پایتخت مالی برگزار شد، ۱۲ سازمان حاضر در جلسه به دعوت UNIFEM مبنی بر شناسایی ابعاد نابرابری میان مردان و زنان در جامعه جهانی اطلاعات، پاسخ مثبت دادند. اعضای کمیته که دربرگیرنده نمایندگان با منافع مختلف بود، عبارت بودند از: زنانی که دارای مشاغل دولتی بودند، تأمین‌کنندگان خدمات ارتباط از راه دور در بخش خصوصی، زنان وابسته به بنگاههای سازمان ملل متحد و زنان مشغول به کار در سازمانهای غیر دولتی و همچنین دیگر نمایندگان جامعه مدنی. این سازمانها که بنیان‌گذاران نهادی بودند که برای تبدیل به کمیته جهانی WSIS در مورد برابری جنسیتی فراخوانده شده بود، تصمیم گرفتند این حقوق را در مباحث گردهمایی مقدماتی و اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی و همچنین در نتایج این گردهمایی بگنجانند. کمیته WSIS در پایان گردهمایی مقدماتی باماگو، بیانیه‌ای در مورد برابری جنسیتی صادر کرد که در آن از

دولتهای افریقایی با تأکید خواسته شد که با تدوین برنامه‌های ویژه در مورد نیازهای زنان، به‌ویژه در مناطق روستایی و مناطق آزاد، توازن بهتری در استفاده از ICT ایجاد کنند. افزون بر این، این گروه در توصیه‌های خود از دولت‌ها و تمامی گروه‌های ذی‌نفع خواسته است که برای پیشرفت زنان افریقایی در سیاست‌های کلی و برنامه‌های عملیاتی خود تسهیلاتی در نظر بگیرند. زنانی که در دیگر گردهمایی‌های مقدماتی منطقه‌ای WSIS (در امریکای لاتین، اروپا، آسیا، و حوزه اقیانوس آرام و دیگر نقاط) شرکت کرده بودند، توانستند کم و بیش مسئله برابری جنسیتی را در بیانیه‌ها و برنامه‌های عملی مناطق خود وارد کنند.

به هنگام برگزاری نخستین کنفرانس مقدماتی WSIS، که در ژوئیه سال ۲۰۰۲ در ژنو برگزار شد، یک گروه از انجمنهای غیردولتی زنان که بر روی نابرابری میان مردان و زنان در قلمرو ICT فعالیت می‌کند، به دفاع از این اندیشه پرداخت که لازم است کمیته‌ای ویژه تشکیل شود که به طور متمایز اما به موازات دیگر فعالیتهای، تضمین‌کننده دلمشغولیهای فعالان سازمانهای غیردولتی باشد. این کمیته باید در کمیته چندجانبه تبعیضهای جنسیتی و همچنین در بخش «جامعه مدنی» ساختار کلی WSIS تشکیل شود. این گروه که گروه کاری سازمانهای غیردولتی در مورد راهبردهای برابری جنسیتی نام گرفته است، «الزامات هفتگانه: اولویتهای مسائل برابری جنسیت در فعالیت WSIS» را در حین دومین کنفرانس مقدماتی WSIS که در فوریه سال ۲۰۰۳ برگزار شد، تدوین کرد.^{۸۷} این الزامات برخی اصول اساسی الهام‌بخش مباحثات اجلاس سران در مورد جامعه اطلاعاتی را دربر دارند که مسائل مربوط به برابری جنسیتی را به خوبی منعکس می‌کنند: رویکردی متقاطع: که نیازهای زنان را از جنبه‌های بسیار متفاوت جغرافیای سیاسی، تاریخی، اقتصادی، نژادی قومی و غیره مورد توجه قرار می‌دهد.

اجماع جهانی: و بازتأکید بر تعهداتی که در کنفرانسها و اجلاسهای گذشته سران ملل متحد، به‌ویژه کنفرانس نایروبی و یکن در مورد زنان، به تصویب رسیده است، و همچنین بازتأکید بر الزامات مربوط به حقوق کودکان، زیست‌بوم و توسعه حقوق بشر، جمعیت و توسعه اجتماعی.

توسعه مبتنی بر فرد/انسانی: که اصول عدالت اجتماعی و برابری جنسیتی را رعایت کند، به نیازهای زنان پاسخ گوید و درصدد اصلاح نابرابری موجود میان زنان و مردان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی باشد.

احترام به تنوع: که نقش و اهمیت رسانه‌ها و ارتباطات سنتی و بومی را به رسمیت می‌شناسد و تنها بر روی فناوریهای دیجیتالی متمرکز نمی‌شود. تنوع نیازها باید به تنوع در راه‌حلها و راهبردها بینجامد.

قانون‌گذاری در مورد حقوق بشر: اسناد حقوق بشر، زنان و همچنین حقوق اساسی ارتباطات - نظیر آزادی بیان و به دست آوردن اطلاعات - باید در نتایج نهایی اجلاس WSIS و دیگر اجلاس سران مورد بازتأکید قرار گیرد.

توافق در حمایت از راه‌حل‌های محلی: چهارچوب کنونی توسعه زیرساختهای ICT تأکید زیادی بر «ایجاد مقررات تحریک‌کننده و انگیزه‌های مالی» مبنی بر تشویق

<http://www.genderit.org> See ⁸⁷

سرمایه‌گذارهای شرکتهای کشورهای شمالی در کشورهای جنوبی دارد. لازم است همچنین ارائه راه‌حلهای محلی و تأمین آزادانه و رایگان اطلاعات و همچنین مبادلات جنوب - جنوب به همان شدت مورد تشویق قرار گیرد و تولیدکنندگان محلی اطلاعات نیز از طریق تأمین مالی از سوی بخش عمومی مورد تشویق قرار گیرند تا از «خالی شدن از محتوا» از سوی شرکتهای بزرگ تبلیغاتی کشورهای شمالی جلوگیری شود. مشکلات ایجاد فرصتهای دیجیتالی در وضعیت نابرابری جنسیتی مسائل بسیاری ایجاد می‌کند. حل این موضوع نیازمند ابتکار عمل در سطوح مختلف و همچنین گزینه‌های سیاسی با ظرافتی است.

نگاهی کوتاه به متون ارائه شده از سوی نمایندگان کشورهای مختلف نشان می‌دهد که به استثنای بیانیه شدیدالرحمن دولت کانادا در مورد ضرورت نام بردن از زنان و مردان، تلاش اندکی برای وارد ساختن آشکار مفاهیم نابرابری جنسیتی در بیانیه اصول و همچنین در برنامه عمل وجود دارد. برای مثال، بنگاههای ملل متحد همچون یونسکو و آنکتاد (UNCTAD) نیز به ضرورت گنجاندن مفهوم برابری جنسیتی در چشم‌انداز و اصول جامعه اطلاعاتی و برنامه عملی که به دنبال این اسناد تهیه می‌شود، اشاره کرده بودند.⁸⁸ بنابراین، به نظر می‌رسد که ضروری است در مقابل دولتها و سازمانهای بین‌المللی آماده انجام این کار، از وارد ساختن ابعاد «برابری جنسیتی» در مباحث WSIS و گزارشی که بیرون خواهند داد، به شدت دفاع کرد.

آخرین نسخه پیش‌نویس بیانیه اصول⁸⁹، که سرشار از مطالبی است که باید در همایش میان‌جلسه‌ای (ژوئیه ۲۰۰۳ در پاریس) درباره آنها بحث شود، دربرگیرنده بیانیه‌هایی در مورد ضرورت استفاده از ICT برای پیشرفت در راه اهداف توسعه هزاره و به‌ویژه در مورد بهبود وضعیت زنان (پاراگراف شماره ۱۱) است؛ این پیش‌نویس به تفاوت در قدرتهایی که وضعیت مردان و زنان را مشروط می‌سازد و موجب محدود ساختن دسترسی و مشارکت زنان در جامعه اطلاعاتی می‌شود (پاراگراف شماره ۱۱) حمله‌ور می‌شود و خاطر نشان می‌سازد که باید موانعی که دسترسی زنان به اطلاعات و

⁸⁸. Notes developed by Karen Banks (of APC Women's networking Support Programme) and shared via email communication.

pub/itu-<http://www.itu.int/dms>⁸⁹. See
s/md/03/wsispcip/td/030721/S03-WISISPCIP-030721-TD-
GEN-0001!!MSW-E.doc (version dated 21 March 2003).

دانش را کاهش می‌دهد (پاراگراف ۲۵) برطرف ساخت، با وجود این، چشم‌انداز برابری جنسیتی باید بخش جدا نشدنی تمامی جنبه‌ها و کنشهای مؤسسات جامعه اطلاعاتی و تمامی گروههای ذی‌نفع (دولتها، بنگاههای خصوصی، سازمانهای غیر دولتی سازمانهای جامعه مدنی و سازمانهای بین‌المللی) شود. به سخن دقیق‌تر، بسیج زنان در تمامی سطوح عملی و با نگاهی برابر در تمامی محیطهای اجتماعی، از جمله دسترسی به پستهای مسئولیتی و مشارکت در تصمیم‌گیریها، امری ضروری است تا برابری، توسعه و صلح به واقعیتهای جامعه اطلاعاتی تبدیل شوند.^{۹۰}

در مورد طرح برنامه اجرایی WSIS، در آخرین ویرایش آن،^{۹۱} به ضرورت برنامه‌های «انعطاف‌پذیر»، به دلیل برخورداری از سطوح مختلف توسعه، که می‌تواند به مثابه چهارچوب مرجع و راهنما برای دولتها و دیگر طرفهای ذی‌نفع به شمار آید، اشاره شده است. شاید این متن با پنداره‌ای عملگرایانه تدوین شده باشد، اما، موجب خواهد شد که مناطق و دولتها جنبه‌هایی را که به نظرشان مناسب است، برگزینند و جنبه‌هایی که مورد خوشایندشان نیست یا اجرای آن را پرهزینه می‌بینند، به آینده محول کنند یا نادیده بینگارند. در حال حاضر، در برنامه اجرایی الزامی برای هدف قرار دادن زنان یا نابرابری جنسیتی وجود ندارد.

تهیه برنامه‌ای انعطاف‌پذیر اندیشه ضرورت وارد ساختن بیانیه‌های استوار در مورد نابرابریهای جنسیتی را در سرتاسر بیانیه اصول تقویت می‌کند. یونسکو، بر اساس مأموریت ویژه خویش مبنی بر افزایش تبادل آزادانه اندیشه‌ها و دانشها، نقشی کلیدی را در تهیه مقدمات اجلاس سران ایفا می‌کند. مشارکت یونسکو عبارت است از انسجام بخشیدن به ابعاد اخلاقی، قضایی، و فرهنگی - اجتماعی جامعه اطلاعاتی و کمک به درک بهتر فرصتهایی که ICT برای قرار دادن فرد در مرکز این جامعه فراهم آورده است.

یونسکو در چهارچوب فعالیتهای مقدماتی اجلاس سران چند اصل بنیادی را متناسب با خط‌مشیهای حساب شده به شرکت‌کنندگان گوشزد می‌کند تا آنها بتوانند در موردشان به بحث بپردازند. در نهایت، این ملتها و اجتماعات هستند که با تصمیمها و خط‌مشیهایی که برمی‌گزینند، ساختار و جوی مناسب را ایجاد می‌کنند.

⁹⁰. See Art. 16, Beijing Declaration, BPPA.

[pub/its-http://www.itu.int/dms91](http://www.itu.int/dms91).

See

[s/md/03/wsispcip/td/030721/S03-WISISPCIP-030721-TD-GEN-0002!!MSW-E.doc](http://www.itu.int/dms91/s/md/03/wsispcip/td/030721/S03-WISISPCIP-030721-TD-GEN-0002!!MSW-E.doc) (version dated 21 March).

اصول

- حقوق و آزادیهای بشریت، از جمله حقوق و آزادی بیان زنان که جزء جدانشدنی آن است، باید در قلب جامعه اطلاعاتی گنجانده شود.
- در جامعه اطلاعاتی، رسانهها باید آزاد باشند. رسانه‌های نوینی که از ICT استفاده می‌کنند، باید به اندازه رسانه‌های قدیمی‌تر، یعنی رادیو - تلویزیون و مطبوعات، از آزادی برخوردار باشند.
- جامعه اطلاعاتی باید بر اساس اصول عادلانه میان زنان و مردان، شرافت انسانی و عدالت برای مردان و زنان بنا شود و به سوی حذف نابرابری جنسیتی در زمینه آموزش و مهارت‌آموزی، وضعیت سیاسی - اقتصادی و تصمیم‌گیری در سطح شهروندی و سیاسی حرکت کند.
- جامعه اطلاعاتی آن هنگام عادلانه است که افرادی محروم همچون معلولان، بومیان، کسانی که در فقر شدید به سر می‌برند و همچنین زنان و جوانان بتوانند به طور کلی از ICT استفاده کنند.
- تلاش برای ایجاد دسترسی فراگیر و عادلانه به جامعه اطلاعاتی باید همواره با آگاهی از وجود شکافی دیجیتالی میان مردان و زنان و شکاف میان روستاییان و شهرها دنبال شود.
- موضوع دسترسی در جامعه اطلاعاتی امری اساسی است. این جامعه بر اصولی فراگیر و ارزشهایی استوار است که برای همگان شناخته شده است: از جمله تضمین در حفظ اسرار در استفاده از اطلاعات؛ احترام به حق دیگران در اطلاعات؛ پذیرش به مشارکت نهادن دانشها به عنوان منبعی که استفاده از آن موجب تهی شدن آن نمی‌شود؛ به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی و زبان‌شناختی و تمایل به تشویق و حفظ این تنوع با ایجاد دسترسی به اطلاعات؛ و تشویق برای به استقلال دست یافتن زنان و مشارکت‌شان در جامعه اطلاعات. اولویت منافع عمومی نباید وجه‌المصالحه منافع بنگاههایی شود که از دانشها و منابع فرهنگی برای سود بردن استفاده می‌کنند.
- جامعه اطلاعاتی باید تنوع زبانها و سیستمهای نگارشی و فرهنگی را تضمین کند؛ به گونه‌ای که مشارکت تمام‌عیار همگان به‌ویژه زنان را در جامعه اطلاعاتی تسهیل کند.
- جامعه اطلاعاتی باید بر اساس اشتراک اطلاعات و مشارکت مؤثر گروههای اجتماعی در تمامی مراحل توسعه، از جمله مشارکت در تصمیم‌گیری پی‌ریزی شود.
- اجتماعات محلی باید برای استفاده از ICT به مثابه وسیله‌ای برای دستیابی به خودگردانی، تشویق شوند؛ چیزی که به آنها کمک می‌کند تا علیه فقر، حاشیه‌نشینی، و محرومیت، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، به مبارزه برخیزند.

خط مشیها

تدارکاتی برای اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی:

- تلاش برای ایجاد برابری میان زنان و مردان و درج آن در تحلیلها، ارزیابیها، مباحث، کنفرانسها و دیگر فعالیتهای مقدماتی اجلاس سران.
- بررسی سازوکارهای ملی دفاع از [حقوق] زنان، سازمانهای غیردولتی زنان، و نقاط قانونی نظام ملل متحد در مورد برابری جنسیتی برای تهیه پیشنهاد برای گنجاندن در بیانیه اصول و برنامه اجرایی که به تصویب سران خواهد رسید.
- اتخاذ تمهیداتی مؤثر برای ایجاد اطمینان از مشارکت زنان، به ویژه زنان با تجربه در مسئله نابرابری جنسیتی در ارتباط با ICT، در تمامی هیئتهای نمایندگی پیش کنفرانسهای منطقه‌ای، کمیته‌های مقدماتی و حتی در اجلاس سران.
- تشویق تنوع زبانی و سیستمهای نگارشی به منظور آسان‌سازی مشارکت کامل و تمام‌عیار تمامی گروههای اجتماعی، به ویژه زنان در جامعه اطلاعاتی.
- افزایش مشارکت زنان و مردان در زندگی مدنی، از طریق دسترسی و استفاده از

ICT

- حمایت از استقرار خدمات ICT اشتراکی، به ویژه در مناطق دورافتاده و روستایی که زنان اکثریت را تشکیل می‌دهند و در مناطق کمتر توسعه یافته، به منظور آسان‌سازی مشارکت آنها در جامعه اطلاعاتی.
- ارتقای تولید و مبادله محتوای در سطح محلی، به ویژه محتوایی که مربوط به نیازهای زنان روستایی و فقیر است.
- بهبود وضعیت مهارت‌آموزی زنان برای استفاده از ICT در سطح مقدماتی و بالاتر.

چهارچوبها و ابزارهای سیاست‌گذاری

- به‌کارگیری فنون تحلیلی جنسیتی میان مردان و زنان و اطمینان یافتن از مشارکت متخصصان این مسئله در ارزیابی سیاستها و برنامه‌های موجود و همچنین مشارکت آنها در تدوین سیاستها و برنامه‌های آینده.
- تدوین الگوها و به‌کارگیری سیستمهایی که موجب افزایش مشارکت زنان و کارشناسان [صاحب‌نظر] در مسئله برابری جنسیتی در عملیات تصمیم‌گیری به منظور تضمین اعمال مدیریت صحیح و احساس مسئولیت نسبت به طرفهای ذی‌نفع می‌شود.
- انجام طرحهای آزمایشی برای شناخت چگونگی عرضه اطلاعات متناسب با شیوه‌های یادگیری مورد نظر زنان و پیش‌بینی شکل دادن به این محتواها به گونه‌ای خاص برای ICT.

- اطمینان از ورود مقوله جنسیت در همه مباحث و مشاهدات ICT و جامعه اطلاعاتی.
- ایجاد سیستمهای جمع آوری دادگان که در بردارنده دادگان مربوط به جنسیت در تمام زمینههای کاربرد ICT باشد، و توسعه کیفیت همراه با شاخصهای کمی عملکردهای مرتبط با جنسیت.
- فراهم ساختن دسترسی همگانی به پایگاههای دادگان کاربردی ICT، برای افزایش قدرت زنان و رسیدن به برابری جنسیتی.

برقراری ارتباط و دسترسی

- فراهم ساختن فناوریهای ارزان و تداخلات رایانه‌ای غیر متن بنیاد با استفاده از نرم‌افزارهای تصویری و صوتی، برای تسهیل دسترسی زنان فقیر و بی‌سواد به ICT.
- طراحی نقاط دسترسی همگانی که تمایزات جنسیتی را در سطوح سواد، درآمد، زمان و عمومیت داشتن و بر اساس عوامل جنسیتی اجتماعی - فرهنگی در نظر بگیرد.
- حمایت مالی از توسعه فناوریها و نرم‌افزارهای آزاد که موجب تسهیل دسترسی زنان و کاهش هزینه‌ها برای اجتماعات حاشیه‌ای و گروههای اجتماعی می‌شود.
- حمایت از پروژه‌هایی که از ICTها به عنوان ابزاری برای ارتقای دسترسی زنان استفاده می‌کنند؛ برای مثال، افزایش محتوای وب در نرم‌افزارهای موجود، مهارتهای پایه و آموزش چگونگی اتصال به منابع جنسیتی.

محتوا و انتخاب فناوری

- طراحی محتوا بر مبنای تحقیق درباره نیازهای اطلاعاتی زنان، به زبانهای محلی و در قالب رسانه‌های در دسترس.
- تشویق ابداعات خلاقانه از فناوریهای جدید و سنتی که سبب افزایش فرصتهای دسترسی زنان به اطلاعات می‌شود.
- انجام طرحهای آزمایشی برای شناخت چگونگی عرضه اطلاعات متناسب با شیوه‌های یادگیری موردنظر زنان و پیش‌بینی شکل دادن به این محتواها به گونه‌ای خاص برای ICT.
- حمایت از تدوین برنامه‌های بحث و گفتگوی نقادانه و حساس‌کننده به گونه‌ای که به مشارکت در مبارزه علیه استفاده از ICT برای تبلیغ هرزه‌نگاری، به‌ویژه به صورت

- خشونت‌آمیز آن، و جرم‌های مجازی نظیر به دام انداختن (تورزدن) و قاچاق از طریق اینترنت بینجامد.
- حمایت از راه‌اندازی رسانه‌های اشتراکی برای تسهیل در تولید محتویات باارزش محلی که همچنین پاسخگوی نیازهای اطلاعاتی اجتماعات باشد.
 - برانگیختن حساسیت، مهارت‌آموزی و آموزش
 - حداکثر استفاده از ICT، به عنوان مثال برای آموزش از راه دور، یادگیری الکترونیکی، و دیگر سیستم‌های تربیتی برای از میان بردن نابرابری میان مردان و زنان در سوادآموزی و همچنین در آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی.
 - اتخاذ تمهیداتی مؤثر برای تضمین دسترسی عادلانه دو جنسیت به ICT در آموزش و مهارت‌آموزی رسمی و غیررسمی.
 - تدارک دوره‌های مهارت‌آموزی برای مهارت‌آموزش‌دهندگان در زمینه نابرابری جنسیتی از منظر ICT به منظور آگاهی یافتن از مسائلی که موجب می‌شوند دختران و پسران به صورتی برابر به ICT دسترسی نداشته باشند.
 - حمایت از تولید مواد و روش‌شناسی مهارت‌آموزی حساس نسبت به مسئله نابرابری و آگاهی از فرایندهای ویژه یادگیری دختران و زنان.
 - شناسایی بهترین روش‌های استفاده از ICT در فرایند آموزش و یادگیری و تأثیرشان بر میزان درک و انطباق آنها از سوی زنان و دختران.
 - نشان دادن آثار سیستم‌های تربیتی به کمک ICT از طریق انجام طرح‌های نمونه.
 - افزایش استفاده از فناوری‌های سنتی و نوین در سیستم‌های آموزشی به کمک ICT و همچنین، استفاده از روش‌شناسی ویژه، برای آموزش رسمی و غیررسمی.
 - تدوین برنامه‌های مهارت‌آموزی و تقویت ظرفیت‌ها به منظور بهبود مهارت‌های دختران و زنان در تمامی سطوح از سطح ابتدایی تا سطح کارشناسی.
 - تدوین برنامه‌های ابتکاری در زمینه انفورماتیک و اطلاعات به گونه‌ای که موجب برانگیختن رویکردی نقادانه به ICT در دختران و زنان شود.
 - تدوین برنامه‌های مهارت‌آموزی و تقویت‌کننده مهارت‌ها به منظور افزایش میزان مشارکت زنان در تولید محتواها، تصمیم‌گیری‌ها و تدوین سیاست‌ها در بخش ICT.
 - برگزاری برنامه‌های حساس‌سازی برای تصمیم‌گیران و شخصیت‌های سیاسی در مورد مسئله برابری جنسیتی در جامعه اطلاعاتی.

چگونگی اجرا

چنانچه در نظر است از فرصتهای ایجاد شده از سوی اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی، برای برچیدن فاصله میان مردان و زنان، که وجود آن در جامعه نوپای اطلاعاتی محرز است، به بهترین شکل استفاده کرد، کوششهای مداومی ضروری خواهند بود. یونسکو، برای مشارکت در این امر، مایل است به ترغیب تصمیم گیران، اجتماعات حرفه‌ای، نمایندگان جامعه مدنی، بنگاههای دو و چندجانبه و بخش خصوصی بپردازد تا هر چه بیشتر به مشارکت در این امر بپردازند.

کنفرانسهای منطقه‌ای که پس از اجلاس سران برگزار خواهد شد، موجب انجام ارزیابی، گفتگو، مباحثه و تدوین راهبردها و تمهیداتی منطبق با شرایط هر منطقه خواهد شد. بیانیه اصول و برنامه اجرایی که توسط اجلاس سران به تصویب خواهد رسید، باید تلفیقی از پیشنهادهای منطقه‌ای به شکل کوششی بین‌المللی و هماهنگ باشد که هدفش ایجاد جامعه‌ای اطلاعاتی است که در آن ارتقای برابری جنسیتی و مهارت‌یابی زنان بدون ابهام و به مثابه هدفی تمام‌عیار خواهد بود.

جدول ۲ کاربران زن اینترنت در سالهای ۱۹۹۸-۲۰۰۰

کشور / منطقه	درصد کاربران زن به کل کاربران در سالهای		درصد کاربران به کل جمعیت در سال ۲۰۰۱
	۱۹۹۹-۱۹۹۸	۲۰۰۰	
افریقا	—	—	—
افریقای جنوبی	۱۹	۴۹	۷
اتیوپی	...	۱۶	< ۰/۱
مراکش	...	۲۵	۱/۳
سنگال	...	۱۴	۱
امریکای شمالی			
کانادا	۳۸	۴۷	۴۳/۵
ایالات متحده	۴۹	۵۱	۴۹/۹
مکزیک	...	۴۶	۳/۵
امریکای جنوبی			
آرژانتین	...	۴۳	۸
برزیل	۲۵	۴۲	۴/۶

۴۷	...	۲۰	شیلی
۳۱	...	۵/۳	ونزوئلا
			آسیا
۴۱	۱۸	۲/۶	چین

ادامه جدول ۲

درصد کاربران زن به کل کاربران در سالهای		درصد کاربران به کل جمعیت در سال ۲۰۰۱	کشور / منطقه
۲۰۰۰	۱۹۹۹-۱۹۹۸		
۴۵	...	۵۱/۱	کره
۴۳	...	۴۵/۹	هنگ کنگ
۲۷	...	۰/۷	هندوستان
۳۵	...	۱/۹	اندونزی
۴۳	...	۲۳	اسرائیل
۴۱	۳۶	۴۵/۵	ژاپن
۴۵	...	۵۱/۱	جمهوری کره
۴۲	...	۲۳/۹	مالزی
۴۹	۴۳	۲/۵	فیلیپین
۴۷	...	۳۶/۳	سنگاپور
۴۴	...	۳۳/۶	تایوان
۴۹	...	۵/۶	تایلند
۲۹	...	۳/۸	ترکیه
			اروپا
۳۷	۳۵	۳۶/۴	آلمان
۴۳	...	۳۱/۹	اتریش
۴۰	۳۸	۲۸	بلژیک
۴۴	...	۴۴/۷	دانمارک
۴۱	۱۹	۱۸/۲	اسپانیا
۴۶	...	۴۳	فنلاند
۳۸	۴۲	۲۶/۴	فرانسه
۴۶	...	۱۴/۸	مجارستان
۴۵	۳۱	۲۳/۳	ایرلند

۴۹	...	۶۷/۹	ایسلند
۴۰	۳۰	۲۷/۶	ایتالیا
۳۸	...	۲۲/۷	لوکزامبورگ
۴۲	...	۵۹/۶	نروژ

ادامه جدول ۲

درصد کاربران زن به کل کاربران در سالهای		درصد کاربران به کل جمعیت در سال ۲۰۰۱	کشور / منطقه
۲۰۰۰	۱۹۹۹-۱۹۹۸		
۴۱	۱۳	۳۲/۹	هلند
۳۷	...	۹/۸	لهستان
۴۱	...	۳۴/۹	پرتغال
۴۳	۱۲	۱۳/۶	جمهوری چک
۴۶	۳۸	۳۹/۹	انگلستان
۳۹	۱۵	۲/۹	روسیه
۴۵	۴۶	۵۱/۶	سوئد
۳۶	...	۴۰/۴	سوئیس
			اقیانوسیه
۴۷	۴۳	۳۷/۲	استرالیا
۴۷	۲۴	۲۸/۱	زلاندنو

منبع: تدوین بر اساس گزارش درباره توسعه ارتباطات از راه دور ICT، سال ۲۰۰۲، گزارش سازمان ملل متحد، زنان در جهان، سال ۲۰۰۰، ارقام و اندیشه‌ها و گزارش UNDP در مورد توسعه انسانی، سال ۲۰۰۱.